
اعمار صلح

تجارب افغانستان و کشورهای دیگر

سال: 1384 هـ. ش 2006 میلادی

کابل افغانستان

مشخصات کتاب:

نام کتاب : اعمار صلح، تجارب افغانستان و کشور های دیگر

تهیه و ترتیب بخش اول الی سوم دیپارتمنت اعمار صلح

ترجمه بخش چهارم : پوهنمل سرور ماموند

طرح پشتی و رسامی : استاد لطیف احمد غفوری

صفحه آرا : سیف الله زمانی

سال چاپ 1384 هـ . ش

تعداد چاپ اول : 1000 جلد

فهرست عناوین

مقدمه الف - ج

بخش اول

فصل اول: مفهوم منازعه

-
- - خواسته ها
- - ارزشها
- تغییر مسیر منازعات
- مراحل تغییر حالت‌های منازعه
- مشابهت منازعه با آتش
- انواع منازعه
- الف- منازعه روی منافع
- ب - منازعه روی موقف ها و روابط
- ج - منازعه روی ارزشها
- مراحل مختلف منازعه
- مصاحبه با منازعه
- منازعه چیست؟

فصل دوم : خشونت

- خشونت
- الف- انواع خشونت
- خشونت مستقیم
- خشونت غیر مستقیم
-
-

-
- ب - راه های رفع خشونت
خشونت چیست؟.....
تعصب
- الف- راه های رفع تعصب
تعصب چیست؟.....
منگ های وجود انسان
تصورات و برداشت ها
الف- تصورات نا درست
- ب - چگونه میتوانیم از تصور به حقیقت برسیم؟.....
ج - چگونه میتوانیم تصورات طرف مقابل را درک نماییم؟.....
حسادت

فصل سوم: تحلیل منازعات

- وسایل تحلیل منازعه
- الف- تحلیل منازعه توسط مربع.....
ب - تحلیل منازعه توسط مثلث.....
- ج - تحلیل منازعه توسط نقشه کشی با استفاده از اشکال.....
-
-

فصل چهارم : روشهای حل منازعات

-افهام و تفهیم
 -الف- اهمیت افهام و تفهیم
 -ب - اصول افهام و تفهیم
 -ج - افهام و تفهیم درست
 -د - شنیدن
 -هـ - صفات یک گوینده خوب
 -و - صفات یک شنونده خوب
 -ز- موانع افهام و تفهیم
 -ک - چرا مطلب خود را.....
 -روشهای طرفین منازعه در زنده گی روزمره.....
 -الف- روش کنترل
 -ب - روش پذیرش
 -ج - روش سازش
 -د - روش اجتناب
 -هـ- روش حل مشکل
 -شیوه های مختلف حل منازعات.....
-
-

مذاکره.....

الف- تعریف مذاکره.....

ب - رهنمود های مذاکره.....

ج - مراحل مذاکره.....

میانجیگری.....

الف- صفات ، مهارت ها و فعالیت های میانجی.....

ب - جریان میانجیگری رویاروی (در هشت مرحله).....

مصالحه

الف- چهار اصل مصالحه

ب - مصالحه از دیدگاه دین مقدس اسلام

ج - طریقه های مصالحه در جامعه ما

د - روش های مصالحه در کشورهای مختلف جهان

بخش دوم

آگاهی خودی

آئینه شخصیت

خود بینی واجتماع بینی

حقوق وواجب

بخش سوم

صلح

- الف- تعریف صلح
 - ب - مفهوم صلح
 - ج - اهداف صلح
 - د - اصول تطبیقی تأمین صلح
 - هـ- سه عنصر اساسی صلح
 - مصونیت
 - آزادی
 - عدالت
 - پروسه صلح
 - ایجاد صلح
 - حفظ صلح
 - اعمار صلح
 - صلح نسبی و صلح کامل
 - الف- صلح نسبی (موفتی)
 - ب - صلح حقیقی (کامل)
-
-

..... صلح را از کجا آغاز کنیم؟
..... مهارت های صلح آمیز شدن
..... چطور صلح را از خود ، خانواده و اجتماع خود آغاز کنیم؟
..... الف- اصلاح خودی
..... ب - اصلاح خانواده
..... ج - اصلاح اجتماع
..... صلح از دید گاه همه
..... ضمایم

جامعه مدنی پیشتاز بوده توانسته است با ایجاد دیپارتمنت اعمار صلح تلاش وسیعی نماید.

دیپارتمنت اعمار صلح بنیاد انکشافی سنایی از سال 1999 تا حال در راستای اعمار صلح فعالیت مینماید و توانسته است که کتب تحت عنوان راهنمایی معلم تعلیمات صلح را از صنف اول الی دوازدهم تدوین نماید. کتاب ورکشاپ های اعمار صلح و رفع خشونت که مجموعه از محتویات آن در ورکشاپ ها تطبیق میگردد از جمله مواد میباشد که توسط (SDF) تدوین گردیده است. ورکشاپهای اعمار صلح و حل منازعات را در ولایات مختلف افغانستان برای کارمندان دولت، متنفذین، علماء، کارمندان موسسات و غیره تدویر نموده و در حال جریان می باشد، که در نتیجه آن شورا های صلح در سطوح مختلف جامعه تشکیل گردیده و در راستای اعمار صلح و حل منازعات فعالیت های موثر را انجام می دهند.

بخش همزیستی دیپارتمنت اعمار صلح تا حال در پنج ولایت افغانستان کار نموده و فعالیت آن در ولایات دیگر در حال توسعه میباشد. این برنامه توانسته است خصومت ها و منازعات را که بین اقوام مختلف موجود بود حل و فصل نماید و شورا های مشترک از بین این گروپ ها تشکیل گردیده که برای تحکیم صلح در حال فعالیت اند. بخش دیگر اعمار صلح در برنامه همبستگی ملی فعالیت دارد که ولسوالی های ولایت کابل را تحت پوشش داشته و از طریق ورکشاپ های اعمار صلح نتایج خوب از آن به دست آمده و پروسه همبستگی ملی را تقویت بخشیده است.

SDF توانست که از طریق دیپارتمنت اعمار صلح مفکوره جدید و یا هم متداول در کشور های دیگر را مطابق عنعنات و رسوم پسندیده ملی و دینی افغانستان انکشاف دهد و از مکتب گرفته تا سطح پوهنتونها از مسجد قریه گرفته تا مدارس از قریه تا قصبه، شهر و ولایت صدای رسای صلح و آشتی را به گوش همه گان برساند، تا شود از ذهن هر افغان کدورت ها، کینه ها و روحیه انتقام جویی و آزار رسانی زدوده شود و در

واقعیت صلح در ذهن فرد بوجود آید تا بعد در جامعه عملاً برای تطبیق آن کار صورت گیرد.

به همین منظور SDF اذهان دارد که بخاطر تعمیم اهداف صلح سرتاسری، رفع منازعات و تشنجات ما باید به هر فرد خود را برسانیم، فعالین داعیه صلح را فعال و بخاطر تنویر اذهان عامه مفکوره ها و طرزالعمل های را که بخاطر اعمار صلح مفید است به شکل مطبوع و مصور تقدیم بداریم.

تقدیم جزوه هذا که برای ظرفیت سازی فعالین و مربیون پروسه اعمار صلح مفیدیت و موثریت دارد اقدامی است که مصداق گفتنی فوق بوده که تدابیر ما را درین راستا غنا می بخشد. درین جزوه تجارب فعالین صلح در کشور های دیگر ذکر شده و در قسمت اول آن اثری تالیف شده دیپارتمنت اعمار صلح SDF و در قسمت دوم آن تجارب کشور های دیگر جهان آورده شده تا خواننده گان محترم بتوانند مشابهت ها را درک و از هر دو آن در فعالیت های بعدی کار بگیرند.

با حرمت

راز محمد دلیلی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بخش اول

فصل اول مفهوم منازعه

الف - تعریف لفظی منازعه

منازعه در لغت به معنی کشمکش، اختلاف نظر، جدا ساختن، نزع و از هم کشیدن میباشد. کلمه منازعه در زبان چینیایی به معنی خطر و فرصت مساعد میباشد. همچنان منازعه در زبان انگلیسی متشکل از دو کلمه لاتین بوده که از نظر ادبیات به معنی تصادم و زد و خورد است.

منازعه در واقعیت جز، و بخش مهم زنده گی انسان را تشکیل میدهد. که عبارت از برخورد دو نظر و یا دو طرز دید متفاوت میباشد که اهداف، عملکردها و تصورات مختلف را در بر میگیرد. منازعه میتواند جهت منفی و هم جهت مثبت را اختیار کند و این مربوط به انسان است که منازعه را در کدام جهت سوق میدهد.

چون منازعه در همه جا موجود می‌باشد مثلاً (در زنده گی خانواده گی بین والدین و اطفال، بین زن و شوهر در محل وظیفه بین کارفرما و کارگر و در سطوح مختلف اجتماع). منازعه موضوع اساسی و جز زندگی در تاریخ بشریت است. راجع به منازعه همه ما میدانیم، اما به ندرت به درک و فهم وطرز برخورد با آن توجه مینماییم، کوشش مینماییم تا از آن دوری کنیم یا در برابر آن مقاومت نماییم. ولی منازعه همیشه به سراغ ما می‌آید تا ما را شکار کند بجای اینکه منازعه را نا دیده بگیریم ، بهتر است آنرا پذیرفته و درک کنیم. وقتی چنین کردیم ، منازعه بمثابة بزرگترین فرصت برای آوردن انکشاف ، تغییر مثبت و استحکام روابط مبدل میگردد. منازعه زمانی زیان آور تمام میشود که نا دیده گرفته شده و یا سرکوب شود در چنین حالت منازعه با خشونت یکجا گردیده با عث تباهی میگردد.

ب – مفاهیم و تعاریف منازعه

- . منازعه حالتی است که عامل بالقوه یا امکانات انکشاف و پیشرفت یک گروه توسط گروه دیگر محدود شود.
 - . منازعه تصادم منافع بین جوانب با هم وابسته را گویند.
 - . منازعه عبارت از عدم توافق خواسته ها و اهداف طرفین میباشد.
 - . منازعه عبارت از تبارز مخالفت ها و تضاد ها میان طرفین میباشد.
-
-

-
- . منازعه عکس العملی است مبنی بر عدم توافق بین دو جانب، منازعه بالای موضوعات اخلاقی و
 - . منازعه نتیجه عملی یک اختلاف آشکار است.
 - . منازعه یک مبارزه آشکار بین دو جانب است که روی تطبیق نظریات یا حصول ارزش های مادی و سایر ارزشها بین شان عرض وجود میکند.
 - . منازعه عبارت از تقابل دو یا چند طرز دید مختلف بوده که اهداف، عملکرد ها، طرز تفکر و ارزش های متفاوت را در بر میگیرد.

ج - جهات مثبت و منفی منازعه

با آنکه فکر میشود که منازعه همیشه منفی است ، اما در واقعیت دارای جهات مثبت نیز میباشد. برای درک و فهم بیشتر این مطلب میپردازیم به توضیح جهات یاد شده.

: جهات منفی منازعه

منازعه عملیست که خواهی نخواهی در زنده گی هر کس کم یا زیاد رخ میدهد و این یک امر طبیعی است ولی اگر خصلت منازعه جویی توأم با خشونت به عمل دوامدار شخص تبدیل شود، سبب ایجاد یک سلسله زیان های حیاتی و بینظمی ها میگردد. به گونه مثال:

- منازعه جویی بطور خاص در انسان موجب پیدا شدن تشویش میگردد که مشخصات آن حساسیت ها ، سردردی های مکرر ، پیداشدن زخمهای معده و یکعده نا توانی های دیگر میباشد.

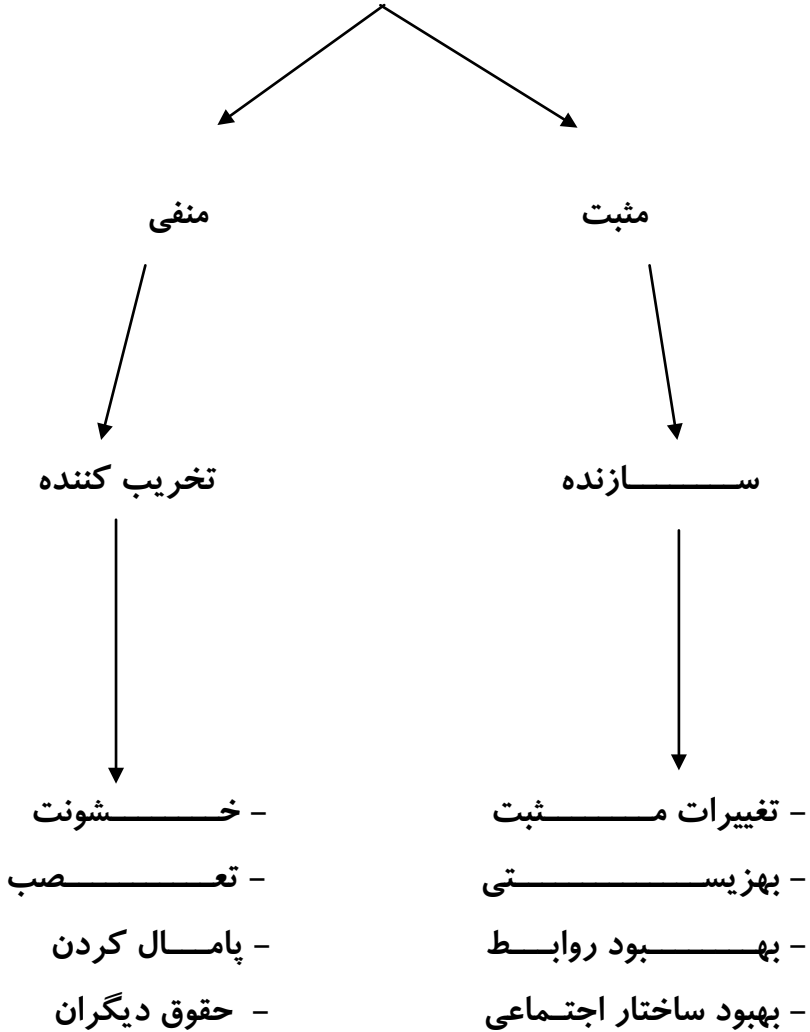
بالاخره : منازعات فردی و گروهی بنا بر هر علتی که بوجود آمده باشد ، اگر برطرف نشود ، وسیع گردیده ممکن به جنگ تبدیل شده و موجب زیانهای زیادی شود.

جهت مثبت منازعه :

ما از منازعات معمولاً خاطرات تلخی داریم. بخاطریکه ما منازعات را به جهت منفی سوق داده ایم. اگر منازعه از حدود و چوکات خود خارج نشود و به جای موضعگیری ها به اصل مشکل توجه شود، منازعه میتواند مفید تمام شود. زیرا اگر این استعداد یکسره در انسان از بین برود، آنگاه انسان هویت خود را منحنیث یک موجود فعال از دست میدهد. درین مورد به طور عام گفته میتوانیم که :

منازعه معمولاً روی مشکل به وجود میآید، انسان به خاطر حل مسایل مجبور است از تدبیر کار بگذرد و کاربرد تدابیر محصول تفکر است در موجودیت پرابلم فعال میگردد. انسانی که با هیچ مانع یا مشکلی در زندگی خود کم یا زیاد با منازعات روبرو میشود که به منظور حل ویا نجات از منازعه از تفکر کار میگیرد که در نتیجه ، آن ، قدرت تفکر او انکشاف میکند. تفکر فعال به خاطر بهبود سایر امور زندگی خاصیت خود را آشکار میسازد مثل اختراع ، اکتشاف وغیره. به خاطر باید داشت که منازعه باید از حد تعادل خارج نگردد.

منازعه



د : منازعات هدفمند

انسان از هر عمل آگاهانه خود هدف و مقصد خاصی میداشته باشد، اما از آن‌عهده اعمالی که بطور نا آگاهانه از او سر میزند هدفی مد نظر نمیباشد. بگونه مثال: زمانی که بالای انسان احساسات غلبه کند، بدون کدام هدف پلان شده گفتار و کرداری از او سر میزند. منازعاتی که در نتیجه احساسات عرض وجود کرده باشد، فاقد هدف و مقصد پلان شده میباشد. اما منازعاتی که به خاطر دسترسی به منابع و حفظ ارزشها به وجود میآیند. طرفین منازعه اهداف مشخص را دنبال مینمایند و هم در جریان منازعه خود را از اهداف طرف مقابل آگاه میسازد.

ه : منازعات تصادفی

شکل واضح منازعات ، منازعات تصادفی و غیر عمدی میباشد. درین نوع منازعه عملی که اسباب نزاع را تشکیل میدهد، قصدی نمیباشد. بلکه در اثر بی تجربه گی ، عدم احتیاط و یا کدام تصادف دیگر به وجود میآید.

معمولترین چنین منازعات در جامعه افغانی مزاح و شوخی های بیجا میباشد که ممکن برای یکطرف شوخی و عمل غیر جدی باشد، ولی برای طرف دیگر توهین و تحقیر به شخصیتش تلقی شده و موجب نزاع شود. باید گفت که حل کردن این نوع منازعات کار مشکلی نیست و میتوان از انکشاف و توسعه آن به آسانی جلوگیری کرد.

و : عوامل مختلف منازعات

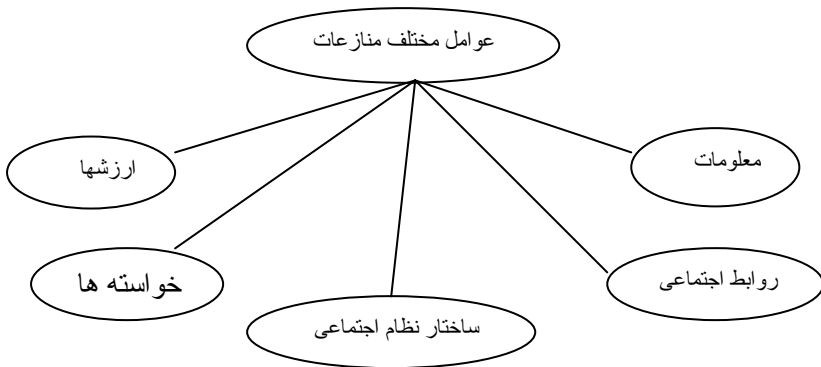
: معلومات

: روابط اجتماعی

: خواسته ها

: ساختار نظام اجتماعی

: ارزشها



– عدم معلومات

دریافت معلومات درست در مسایل اجتماعی کار دشوار است. به همین علت میتواند بین دو طرف روی موضوعات ذات البینی منازعه رخ میدهد که علت آن شاید معلومات ناقص ، غلط و یا متضادی باشد که از راه ها و منابع متفاوت برای طرفین منازعه رسیده باشد و یا عدم معلومات در مورد حقایق باشد. پس لازم است تا در باره موضوعات ، حقایق آشکار گردد و تبادل معلومات بطور سالم و سازنده آن صورت گیرد.

– روابط اجتماعی

جامعه بدون ایجاد روابط بین افراد بوجود نمی آید. انسانها بر مبنای روابط روابط اجتماعی خود را تنظیم میکنند. روابط خوب محصول مفاهمه درست ، ارتباطات درست ، احترام متقابل و اعتماد میباشد. هر گاه مفاهمه نا درست و روابط متقابل ضعیف باشد ، خوف و شک پیدا میشود . همه اینها موجب برهم خوردن روابط گردیده در نتیجه زمینه برای منازعه ، خشونت آمیز مساعد خواهد شد.

– ساختار نظام اجتماعی

ساختار نا درست نظام سیاسی ، اجتماعی ، اقتصادی ، اداری و غیره... در جامعه منازعات دوامدار را باعث میگردد.

هرگاه در یک نظام اجتماعی حقوق ، صلاحیتها و مکلفیت های افراد به درستی تثبیت نه شده باشد، قانون حاکمیت درست نداشته باشد و یا قوانین موجوده برای افراد آن جامعه قابل قبول نباشد همه اینها فضا را برای ایجاد منازعه مساعد ساخته هر آن میتواند سبب بروز منازعه خشونت آمیز گردد.

– خواسته ها

انسان ها به منظور بر آورده ساختن آرزو های خود خواسته هایی را مد نظر میداشته باشند. تضاد هایی که مانع دسترسی اشخاص به خواسته های شان میگردد ، موجب بروز منازعه میشود. این مطلب را میتوان ذریعه مثالهای ذیل واضح ساخت:

طرف یا طرف های منازعه حصول خواسته های خود را با شهرت و حیثیت خویش پیوند میدهند یعنی اگر خواسته های شان بر آورده نه شود ، آنرا سبب کسر شان تلقی نموده بالای آن پا فشاری میکنند.

امکان دارد هر یکی از طرفین منازعه خواسته های خود را به گونه درست مطرح نموده نتوانسته واز معیار های حقیقی خارج شوند.

هریک از طرفین منازعه روی خواسته های خود پافشاری نموده و خواسته طرف مقابل را نادیده میگیرند.

– ارزشها

انسان علاوه بر خواسته های مادی خود بخاطر دسترسی و یا نگهداری یکعده ارزشهای معنوی نیز تلاش میکنند. نوامیس ملی و شخصی ، مقدسات دینی و ملی ، علایق قومی و نژادی همه ارزشهایی اند که اگر با موانع مواجه شوند سبب بروز منازعه توأم با خشونت خواهد شد.

تغییر مسیر منازعات

در رابطه به تغییرمسیر منازعه به نکات اساسی ذیل باید توجه شود:

- منازعه و اختلاف باید منحنیث یک وسیله مثبت جهت استحکام روابط ، آوردن پیشرفت و انکشاف در جامعه و حل مشکل دانسته شود و بخاطر استفاده بهتر از آن میتود های عدم خشونت جستجو گردد.
 - بخاطر جلوگیری از بروز مجدد منازعه ریشه های اصلی آن باید دریافت و تحلیل گردد.
 - بخاطر تغییر حالت منازعه ، به عمل عادلانه و شفاف ضرورت است.
 - غرض تغییر حالت منازعه ، باید ضرورت های اساسی (هویت، آزادی و مصوونیت) بر آورده شود.
-
-

- زمانیکه جهت منازعه تغییر یافت باید کار ایجاد روابط شروع شود.

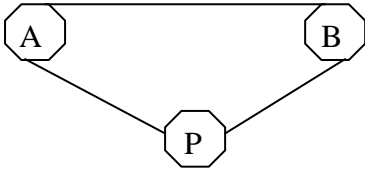
مراحل تغییر حالت‌های منازعه

منازعه در مرحله ابتدایی خود عمیق نبوده امکان دارد بین دو نفر و یا دو گروه بالای یک موضوع یا شی اختلافی در نتیجه عدم تفاهم به وجود آمده باشد. اگر در همین مرحله به اصل مشکل بی توجهی صورت گیرد و راهی برای حل آن جستجو نه شود، ریشه های آن عمیق خواهد شد و هر قدر که منازعه دوام پیدا کند به همان اندازه مشکل عمیق تر شده و دریافت راه حل آن مشکلتر خواهد شد. مراحل گسترش و انکشاف منازعه از حالت ساده و ابتدایی به حالت مغلق و پیشرفته طی مراحل ذیل توزیح میگردد:

مرحله اول

در مرحله اول که بین طرفین روی موضوعات مادی یا معنوی اختلاف نظر به وجود می آید، زمینه برای اعتراضات شخصی مساعد میگردد، اگر در این مرحله سعی لازم بکار برده شود، منازعه به آسانی حل شده می تواند.

این موضوع را در مثلث ذیل میتوان نشان داد:



نوت: "طرفین منازعه با حرفهای A, B و مشکل (پرابلم) با حرف P نشان داده شده اند.

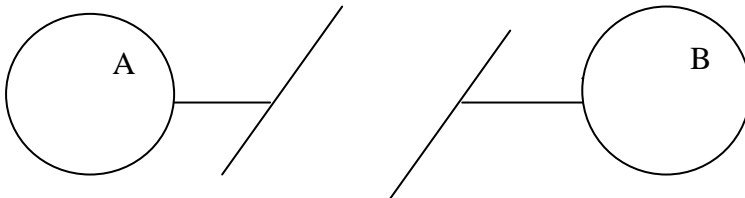
مرحله دوم

هر گاه منازعه در مرحله ابتدایی حل نشود کار به جایی میرسد که دیگر طرفین منازعه به اصل مشکل توجه نمی کنند بلکه یکدیگر خود را پرابلم میدانند و ملامت میکنند که در نتیجه مشکل بجای خود باقی مانده طرفین منازعه به خصومت ادامه میدهند.



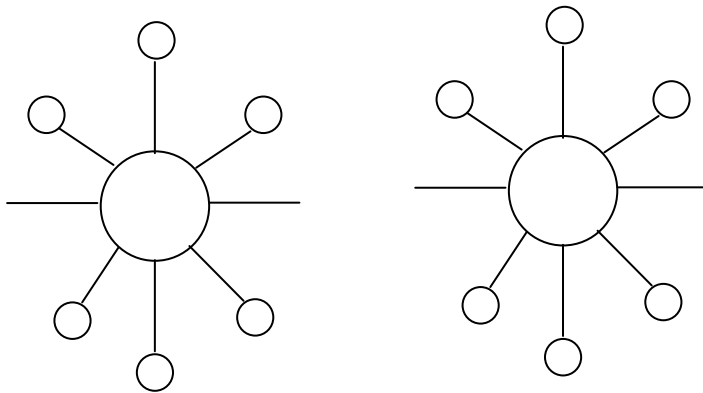
مرحله سوم

زمانیکه منازعه به این مرحله برسد راه حل آن بدون میانجیگری ممکن نمیشود و روابط قطع گردیده و شکل دشمنی و تخریب همدیگر را میگیرد.



مرحله چهارم

در این مرحله کینه و کدورت بین طرفین منازعه بیشتر گردیده به صحبت یکدیگر گوش نمیدهند ، بلکه تماس بین شان قطع میشود و با سایر اشخاص که به صحبت شان توجه نموده ، گوش می دهند ، با آنها توافق نشان میدهند و در مورد ملامتی طرف مقابل با آنها زیاد صحبت میکنند.. هر گاه افراد متذکره خیر اندیش و مصلح نباشند، طرفین منازعه را بیشتر تحریک میکنند و به اصطلاح نقش پکه زنها را بازی میکنند. در همین مرحله است که احساسات بالای طرفین غلبه میکند. غلبه احساسات در منازعه سبب کاهش مفاهمه و افزایش تشنج میگردد.



مرحله پنجم

درین مرحله طرفین منازعه بجای اینکه توجه و تلاشهای خود را در مورد حل مشکل بکار اندازند ، به عکس العمل های طرف مقابل توجه مینمایند . برای هر عمل طرف مقابل جواب و عکس العملی جستجو مینمایند که در نتیجه مشکل اصلی مثل پیاز در لای پرده های تلخ پیچیده باقیمانده که با گذشت زمان حل آن دشوار تر میگردد.



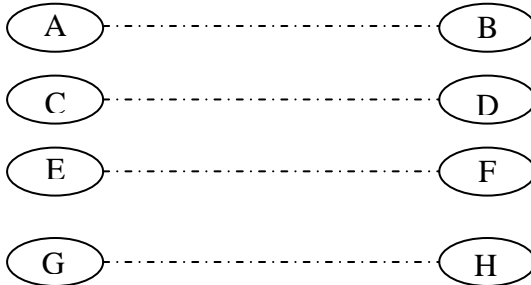
مرحله ششم

در این مرحله بد گمانی و بی اعتمادی بین طرفین منازعه به اوج خود رسیده امکان توافق کاهش مییابد تا جایی که منازعه به دشمنی تبدیل میشود و آرزوی از بین رفتن همدیگر را می کنند.



مرحله هفتم

این یک حالت نهایت پیشرفته منازعه انفرادی میباشد که به منازعه گروهی تبدیل میشود. درین مرحله طرفین منازعه در جستجو و پیدا کردن طرفداران می شوند و گروهها تشکیل می شوند. زمانیکه منازعه به این مرحله برسد، کار میانجیگر هم دشوار میشود. زیرا طرفین بالای میانجیگر بد گمان میباشند و فکر میکنند که او با یکی از افراد طرف مقابل رابطه دارد. و از طرف دیگر شامل شدن افراد و موضوعات بیشتر در منازعه باعث پیچیده گی و مغلق شدن آن می گردد که در اینجا منازعه انفرادی به منازعه اجتماعی تبدیل میگردد



مشابهت منازعه با آتش

– مواد سوخت

مواد سوخت آتش خس و خاشاک ، چوب و غیره است. اما مواد سوخت منازعه ، انسان است.

همانطوریکه مواد سوخت آتش از قبیل خس و خاشاک ، کلکین و دروازه ، تیل و مانند آن در اطراف ما وجود دارد. گفتگو ها ، اختلافات ، رقابت ها و مانند آن در وجود ما انسانها نیز موجود میباشد . اگر آتش مواد سوخت را می سوزاند بی اتفاقی ها و مانند آن انسانها را در آتش منازعه میسوزاند.

همانطوریکه آتش زیان آور است ، خشونت ها نیز زیان آور اند. و همانطوریکه آتش گرمی و انرژی داشته و مفید است حوصله مندی ها ، افهام و تفهیم خوب و امثال آن میتواند در منازعات مفاد های بسیار در قبال داشته باشد.

– جرقه

عکس العمل های عجولانه برای مقابله کردن:

از یکطرف مواد آتش گیرنده در هر جا موجود است و از طرف دیگر در یک محل لین های برق شارژ میشوند. در جای دیگر رعد و برق

فرود می آید و در محل دیگر گوگردی روشن میشود که از اثر این جرقه ها احتمال افروختن آتش در آن موجود میباشد. به همینگونه در حیات روزمره ما نیز هیجانات ، فشارها و تأثرات بطور دوامدار وجود دارند که میتوانند در وجود ما آتش افروز باشند چنانچه اشخاص کم حوصله ، تند خو ، خود خواه و آتشین مزاج نمیتوانند در برابر آنها مقاومت کنند. لهذا چیغ میزنند ، فریاد میکشند و جرقه ها ایجاد میکنند تا آتشی بیافروزند و خود نیز طعمه آن گردند. چه بهتر اگر ما قادر به آن باشیم تا مواد سوخت را از جرقه هادور نگهداریم.

– در گرفتن و دود کردن

ناتوانی و قاطعیت

جرقه ها بوجود می آیند فرو میریزند ولی تعداد محدود آن به هدف اصابت میکند. و آتش را روشن میکند. این آتش در لابلای دود و بوی اهسته آهسته زبانه میکشد و امکان آن هر لحظه موجود است که زبانه ها بیشتر گردد.

حالات انسانها نیز همینگونه است. چیغها و فریادها با سخنهای بد ، رکیک و زشت توسعه می یابد. فتنه انگیزان به عوض فرو نشاندن آتش ، دامنه نزاع را وسعت میبخشند. در حالیکه ما در میان دود ، بوی و جرقه شعله میکشیم اما آنها برعکس لذت میبرند.

– پکه زدن آتش

خشم و دشمنی ها را دامن زدن

آتش به وجود آمده دود غلیظ آن با بوی بد آزار میرساند . مواد سوخت میسوزد و در این ثنا متوجه میشویم که باد میوزد و آتش را وسعت می بخشد.

فتنه انگیزان، آتش درونی طرفین منازعه را به اصطلاح پف می کنند و خشم به وجود می آورند ، تعصب ایجاد میکنند ، بی اعتماد میسازند و نفرت بوجود می آورند . ای کاش آتش را پکه نمی زدند بلکه به حیث یک میانجی خیر خواه طوری اقدام می کردند که آتش خاموش میشد و انتشار نمی یافت.

و وقت را تلف نکنند از دشمنی ها بکاهند و دوستی های مملو از صفا و همکاری های بی شایبه را جاگزین آن نمایند.

– لمبه های آتش

کار دانی و حسن تدبیر حل بحران و نجات

برای اینکه آتشسوزی وسعت بیابد مواد خام منجمله کنده چوب ها به هر طرف فراوان اند . به این گونه آتش میتواند وسعت یابد ، شعله ور شود و بی رحم گردد و همه هستی را در کام حریشش فرو ببرد و آنچه از خود بیادگار بماند خاکستر ها ، مخروبه ها ، زخمی ها و معیوب ها و

همانطوریکه آتش همه چیز را نابود میکند شعله های آتش جنگ و منازعه نیز ویرانگر میباشد.

وقتیکه آتش جنگ شعله ور گردید تشخیص و دریافت راه های حل مشکل است . یک راه حل این خواهد بود که از تحمل کار گرفته تا آتش جنگ کمی خاموش شود بعد از آن به دریافت راه های حل پردازیم. راه حل دیگر مرحله میانجی های مصلح و ماهر میباشد تا مانند مسوولین اطفاییه آتش را خاموش نمایند.

– شعله ور ساختن

نابرابری ها و نیرو بخشی ها

شعله ها زبانه میکشند ، آتش به قوت خود مواد سوخت را به خاکستر تبدیل مینماید. آتش حریص است . مواد بیشتر طلب میکند . میخواهد همه هستی را بلع نماید. آتش افروزان این حریق مدهش ، کنده های جدید چوب انداخته و تیل پاش میدهند.

خشم ها ، کینه ها و نفرت ها به تعصب ، زور گویی و دشمنی مبدل گردیده ، جای انسانیت ، شفقت ، اخوت را کینه ، ظلم ، انتقام و بی رحمی اشغال مینماید . آتش جنگ دل‌های انسانها را جایگاه وحشت و بربریت میسازد . یککاش میانجی ها برای خاموش ساختن حریق اقدام عملی کنند.

– فرونشینی و خاکستر

نابودی ، بربادی ، افسوس و پشیمانی

از آتش سوزی ، سیاهی خاکستر باقی میماند ، در زیر خاکستر قوغ های مخفی وجود دارد که هر گاه مواد سوخت برایش برسد باز هم حریق میشود.

اما از منازعات خشونت آمیز و جنگ ها تباهی و پشیمانی در منازعات خشونت بار عقده ها ، روحیه انتقام گیری توأم با کدورت شدید ایجاد میگردد که زمینه تشنجات آینده را مساعد میسازد و صرف بعضی ناتوانی ها طرف های منازعه را آرام میسازند و به مجرد به دست آوردن قدرت دوباره آتش جنگ شعله ور میگردد.

پس درین مرحله هم نباید خاموش بنشینیم بلکه بکوشیم تا آتش های کینه و کدورت را بین طرفین رفع سازیم تا از تلفات بیشتر و روحیه انتقام گیری جلوگیری صورت گیرد.

حضرت مولانا جلال الدین رومی میفرماید :

هر که اول بنگرد پایان کار

اندر آخر او نگردد شرمسار

مشابهت منازعه با آتش

<p style="text-align: center;">- جرعه:</p> <p>برای آتش گوگرد شارتی برق الماسک</p>	<p style="text-align: center;">- مواد سوخت:</p> <p>برای آتش چوب انسانها تیل گاز</p>
<p style="text-align: center;">- پکه زدن:</p> <p>برای آتش پکه زدن پف کردن شمال</p>	<p style="text-align: center;">- سوختن و دود کردن:</p> <p>برای آتش پوی بد دود آزرده گی کدورت احساسات منفی اذیت چشمها</p>
<p style="text-align: center;">- شعله ها:</p> <p>برای آتش در دادن سوختاندن منهدم ساختن غارت خسارات</p>	<p style="text-align: center;">- شعله افروزی:</p> <p>برای آتش هیزم افگنی پطروول پاشی وخم شدن وضع زدن کندن</p>
<p style="text-align: center;">- قوغ و خاکستر:</p> <p>برای آتش محو نابودی قوغ های زیر خاکستر احتمال حریق دیگر یتیم و بیوه ها</p> <p style="text-align: center;">دقت:</p> <p>در هر مرحله به فرونشانی آتش و منازعه اقدام صورت گرفته میتواند.</p> <p style="text-align: center;">بربادی تباهی جدایی احتمال یک جنگ دیگر</p>	

مشابهت منازعه با آتش

- جرقه	- مواد سوخت:
- پکه زدن:	- سوختن و دود کردن:
- شعله ها:	- شعله افروزی:
- قوغ و خاکستر:	

انواع منازعه

منازعات را میتوان به سه دسته عمده تقسیم کرد:

- منازعه روی منافع

- منازعه روی موقف ها و روابط

- منازعه روی ارزش ها

الف - منازعه روی منافع

زمانیکه منفعت انسان به خطر بیافتد، منازعه آغاز میگردد. منازعه بخاطر منافع شدید نمیباشد. اما طرفین در رابطه به اینکه چرا منازعه رخ داده توافق میکنند یعنی در نوعیت منازعه توافق دارند. پس میتوانند راه حلی مناسبی را جستجو نمایند.

ب - منازعه روی موقف ها و روابط

زمانیکه موقف انسان به خطر مواجه شود، منازعه رخ میدهد. مثلاً در یک خانواده بین دو برادر منازعه طوری ایجاد میشود که برادر کلان از موقف کلانی اش سوء استفاده نموده و یا سو استفاده آمر از مادون این نوع منازعات نیز تاوقتیکه در روابط تغییر مطلوب وارد نشود به مشکل میتوان راه حل را دریافت نمود. مانند روابط اقلیت و اکثریت، رابطه آمر و مادون و کارگرو کارفرما.....

حل منازعه بالای روابط بعضی اوقات مشکل است. این گونه منازعات را نمیتوان خاتمه بخشید مگر آنکه در روابط تغییر وارد گردد که این امر بالای هر دو جناح تاثیر دارد.

ج - منازعه روی ارزشها

هرگاه ارزشهای انسان به خطر ویا به تحقیر مواجه شود ویا هم نادیده گرفته شود منازعه ایجاد میگردد. ارزشهای انسان یعنی چیزهائیکه نزد انسان اعتبار معنوی دارد. مانند مذهب ، زبان، قوم، ملیت، آبرو، عزت و غیره. منازعه بخاطر ارزش ها شدید تر میباشد زیرا ممکن است طرفین در مورد نوعیت منازعه موافقت نکنند و در مورد ارزشهای شان متمایل به سازش نباشند.

دریافت راه حل منازعه بخاطر ارزشهای نسبتاً مشکل است زیرا طرفین فکر میکنند ارزش های شان توهین شده است. برای حل چنین منازعات کوشش شود تا احترام متقابل به ارزش های طرفین ایجاد شود و هر دو طرف به توافق و همزیستی تشویق گردند. اساساً حل منازعات بخاطر ارزش ها مشکل تر است زیرا طرفین شاید در مورد موضوع مورد نزاع موافقت نکنند بطور مثال، کسانیکه احساس میکنند هویت گروهی شان مورد تهدید قرار گرفته و آنها این تهدید را به مثابه، خطر به هویت فردی خویش احساس میکنند ، منازعه بالای ارزش ها را می توان با توافق به همزیستی و احترام به تفاوت ارزشها از طریق مفاهمه و مذاکره حل کرد.

مراحل مختلف منازعه

مصاحبه مختصر با منازعه

همکار ما صلح مصاحبه را با منازعه انجام داده اند که توجه شما خوانندگان گرامی را به آن جلب میداریم:

صلح : لطفاً خود را معرفی نمائید.

منازعه: اسم من در زبان عربی منازعه ، در زبان پشتو لانجه و در زبان دری جنجال و اختلاف اما در زبان چینی یکی از معانی من فرصت مناسب جهت انکشاف میباشد. مرا در اصطلاح چنین تعریف مینمایند: منازعه عبارت از اختلاف بین طرفین جهت رسیدن به یک هدف و نتیجه واحد برای خودش بوده طوریکه هریک از طرفین درگیر، پافشاری میکند تا منازعه به نفعش تمام گردد.

صلح: مقصد شما از فرصت مناسب چه میباشد؟

منازعه: پرسش خوبی را مطرح ساختید، هرگاه انسانها مرا درست بشناسند و این حقیقت را درک نمایند که من در زندگی آنها وجود دارم و همچنان به این موضوع ملتفت گردند که مرا به جهت مثبت و معقول سوق دهند در آن صورت من از حالت ستیزه جوئی می برایم و شکل رقابت سالم را به خود اختیار میکنم که درین حالت فرصت مناسبی هستم جهت انکشاف و پیشرفت اجتماع.

صلح: موضوع نهایت جالب را بیان نمودید، آیا گفته میتوانید که در کدام حالت مهلك و زیان آور میباشد؟

منازعه: به یک شرط به پاسخ تان میپردازم که انسانها ازین رمز آگاه نشوند. من زمانی خطرناک و تباهکن هستم که انسانها مرا نادیده بگیرند یعنی ازمن اغماض نمایند ویا اینکه مرا درجهت منفی وناسالم سوق دهند و درمقابل من ازخشونت کاربگیرند. درچنین حالات خسارات وزیان من نامحدود خواهد بود. زیرا نفاق و کدورت رادرین انسانها ایجاد مینمایم واگر جلومن به اسرع وقت گرفته نشود اجتماع را به چنگ هیولای جنگ میسپارم.

صلح: عواملیکه باعث ایجاد شما میگردد کدام ها اند؟

منازعه: شما میخواهید تمام اسرارم را کشف نمائید. اگر انسانها این موضوع را بدانند ، حیات من به خطر مواجه خواهد شد. به هرصورت تأکیداً از شما خواهش مینمایم تا این موضوعات را پوشیده وپنهان نگهدارید. عواملیکه باعث ایجاد من میگردد بطور عام قرارذیل اند:

- . عوامل فیزیکی : هرگاه انسان جسماً احساس خطر نماید یا حیاتش به خطر وتهدید مواجه گردد.
- . عوامل اجتماعی : هرگاه اجتماع دایره زندگی را برانسان محدود ودشوار سازد منازعه ایجاد میگردد.
- . عوامل محیطی : هرگاه محیط زیست باعث ایجاد خطربرای انسان گردد، منازعه بروز خواهد نمود.
- . عوامل صحتی : اگرصحت وسلامتی انسان به خطر وتهدید مواجه شود، منازعه بوجود خواهد آمد.

. عوامل اقتصادی: اگر فشار اقتصادی بالای انسان از خدمت معمول

بیشتر گردد، منازعه عرض وجود خواهد کرد.

صلح: صحبت های شما فوق العاده دلچسپ است، اگر زحمت نشود لطفاً در مورد نوعیت تان توضیح دهید.

منازعه: میخواهی تمام رازدلم را از من کنونی سینه ام خارج سازی شما خبرنگاران این نوع مهارت هارا همیشه بکار میبرید. بهر صورت حال که تقاضا نمودی ناگزیرم توضیحات بدهم:

بطور عام من به سه نوع میباشم:

- منازعه بخاطر منافع

- منازعه بخاطر رزشها

- منازعه بخاطر روابط

صلح: ممکن است عنوان فوق الذکر را کمی واضحتر تشریح نمائید؟

منازعه: بزرگان گفته اند:

دل زیر گفتن بمیرد در بدن

گرچه گفتارش بود در عدن

من هم زیاد صحبت کردم باقی مطالب رامیگذاریم برای دیدار آینده.

صلح: کاملاً معقول فرمودید، از توضیحات سودمند شما ابراز سپاس

مینمایم.

منازعه: از شما هم سپاسگذارم.

منازعه چیست؟

- منازعه اختلاف نظر است ، آن را حل کنید.
 - منازعه دو طرز دید مختلف است ، آن را بررسی کنید.
 - منازعه جسز زنده گی است ، آنرا قبول کنید.
 - منازعه فرصت مساعد است ، آن را انکشاف دهید.
 - منازعه برخورد است ، آن را افهام و تفهیم نمایید.
 - منازعه خطر است ، از آن احتیاط بکار است.
 - منازعه در همه جا موجود است ، آن را درک کنید.
 - منازعه مثبت است ، آن را استقبال کنید.
 - منازعه منفی است ، به آن تغییر جهت دهید.
 - منازعه زیان آور است ، از آن جلوگیری کنید.
 - منازعه کشمکش است ، آن را تحلیل و تسهیل کنید.
 - منازعه تصادم است ، آن را کنترل کنید.
 - منازعه زد و خورد است ، آتش بس کنید.
 - منازعه عدم توافق است ، حل مشکل کنید.
 - منازعه آتش است ، از آن استفاده مثبت کنید.
 - منازعه پیوست با انسان است ، باید از آن استفاده بهتر کنید.
 - مناره صعود و نزول زندگی است ، از آن به احتیاط عبور کنید.
 - منازعه آمد آمد روزگار است ، از آن نباید رو گردانی کرد.
-
-

فصل دوم

خشونت

خشونت چیست؟ اغلب مردم بین منازعه و خشونت فرق نمیگذارند، درحالیکه چنین نیست قسمیکه گفته شد منازعه اختلاف نظر یا عدم توافق روی اهداف معین است که یک امرطبیعی اجتناب ناپذیر میباشد. اما خشونت فاصله بین احتمال و واقعیت را زیاد میسازد. درنتیجه خشونت انسانها جان، مال و ارزشهای انسانی خود را ازدست میدهند. ویا اینکه درمقابل انسان ازحقوق وی چشم پوشی شده وبه زشت گوئی ویا زشت رفتاری مواجه میگردد.

خشونت یک کلمه عربی است که در لغت خشن شدن ، درشت شدن (ضدنرمی) راگویند.

تعریفات خشونت: بکاربرد هرنوع روش ناپسند غرض رسانیدن ضرر به دیگران را خشونت گویند. بنابراین خشونت تنها ابراز خشم و غضب نبوده بلکه ساحه وسیع را دربر میگیرد. اساس خشونت راضرر رسانیدن به دیگران تشکیل میدهد. خواه ضرر مادی باشد یا معنوی، یا جسمی باشد یا روانی وی به اشکال دیگر صورت گیرد.

خشونت عبارت از برخورد زشت و ناسالم با جانب مقابل است که باعث ایجاد غصه و قهر میگردد.

خشونت عبارت از آن نوع عمل فردی یا گروهی است که باعث صدمه فیزیکی یا روانی گردیده ارزش های دیگران را صدمه برساند. خشونت عبارت از رفتار و برخورد نامطلوب فرد یا گروه با فرد یا گروه دیگر است.

الف - انواع خشونت :

خشونت مستقیم (خشونت فیزیکی)

خشونت غیرمستقیم (خشونت کلتوری و خشونت ساختاری)

- **خشونت مستقیم**: خشونت مستقیم خشونتی است که به صورت آشکار دیده میشود. مانند لت و کوب ، تهدید ، تعذیب، شکنجه ، قتل و غیره .

- **خشونت غیرمستقیم** : خشونت غیرمستقیم خشونتی است که به چشم دیده نمیشود اما اثرات آن میتواند احساس گردد. مانند بی تفاوتی و عدم همکاری و تاکید روی تفاوت ها، قومی، زبانی، منطقوی و غیره.

خشونت غیرمستقیم به دونوع است:

- خشونت کلتوری (اجتماعی)

- خشونت ساختاری

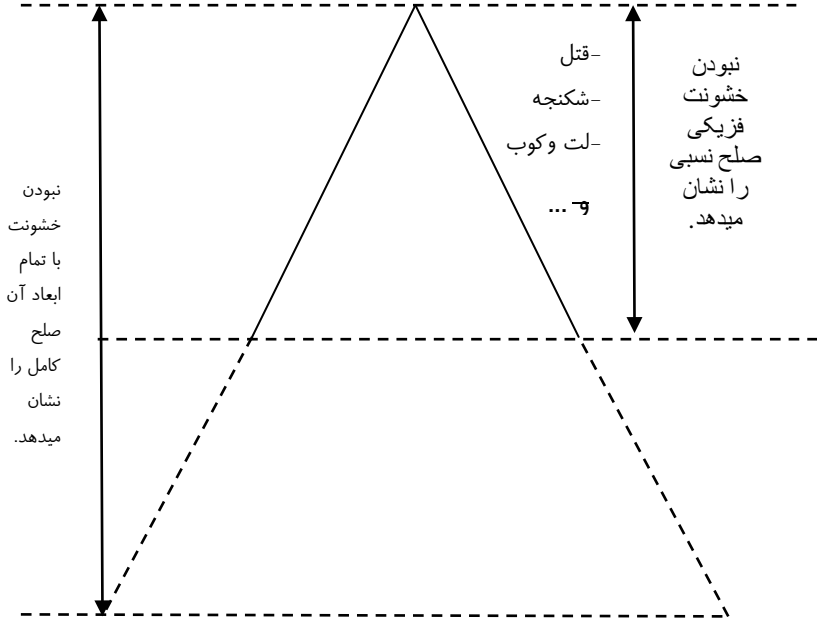
خشونت کلتوری :

خشونت کلتوری مشتمل است بر رسم و رواج های منفی ، پایمال ساختن فرهنگ و ارزش های دیگران ، پیروی از عنعنات خرافاتی و امثال آن.

خشونت ساختاری یا سازماندهی شده:

خشونت ساختاری دربرگیرنده نا برابری در توزیع و تقسیم منابع مادی و معنوی بین کتله های اجتماعی است مانند: خدمات صحی ، تعلیم و تربیه و سایر تسهیلات ویا جلوگیری از رشد و انکشاف فرد یا گروه میباشد. مثلاً دریکی از قریه جات چندین کلینیک صحی احداث گردیده در حالیکه در قریه مجاور آن هیچ کلینیکی وجود ندارد که در حقیقت افراد ساکن این قریه به طور غیرمستقیم مورد خشونت قرار گرفته اند.

خشونت فزیکي



خشونت ساختاری

بعضی مثال ها درمورد خشونت ساختاری:

- ایجاد موانع جهت انکشاف و پیشرفت فردی و گروهی.
- توزیع غیر عادلانه منابع مادی و معنوی بین کتله های اجتماعی میباشد مانند خدمات صحی، تعلیمی و اجتماعی میباشد حکومت های ضعیف و منفعت جو.

خشونت کلتوری

بعضی مثال ها درمورد خشونت کلتوری:

- تاکید بالای تفاوت های قومی، منطقی، گروهی و زبانی، تبعیض نژادی، افراط گرایی در دین یا مذهب، تبعیض در جنس، لسان سایر ارزش های فرهنگی (کلتوری) و انجام دادن اعمالی که منجر به فقر ظلم و فشار میگردد. تاکید روی رسوم و عنعنات غیر شرعی.

انواع خشونت در سطوح مختلف اجتماع

انواع خشونت سطوح	فیزیکی	کلتوری	ساختاری
خانواده	<ul style="list-style-type: none"> - زدن - کاربه زوربالای اطفال - تهدید - حبس یا بندی کردن - محروم نمودن از غذا (تحریم غذائی) 	<ul style="list-style-type: none"> - محروم ساختن دختران از تحصیل - اجازه ندادن اطفال برای بیان نظریات شان. - ارزش دادن به عنعنات ناسالم باستانی - خرافات پرستی - برتری دادن پسران نسبت به دختران 	<ul style="list-style-type: none"> - بی تفاوتی - عدم آزادی در بیان نظریات - نشناختن حقوق دیگران - فقر به سطح خانوادگی - سو تغذی
مکتب	<ul style="list-style-type: none"> - زدن - استعمال چوب - گذاشتن نامهای خراب - شکنجه - جزا دادن - حبس - اذیت جنسی - سو استفاده از قدرت 	<ul style="list-style-type: none"> - پیام های نفرت انگیز - سیستم تدریس یکجانبه - تلقی نمودن شاگردان بحیث کاغذ سفید. - تعصب و تبعیض 	<ul style="list-style-type: none"> - موضوعات درسی با پیام های پراز خشونت - موضوعات مغلق که برای شاگردان قابل فهم نباشد. - نصاب تعلیمی مختلف - نبودن تسهیلات برای تمام شاگردان

<p style="text-align: center;">اجتماع</p>	<ul style="list-style-type: none"> - تهدید - تجاوز جنسی - سوء استفاده از قدرت - قتل - زدن - شکنجه - جداساختن - تفرقه 	<ul style="list-style-type: none"> - ازدواج اجباری - مصارف گراف برای عروسی و فاتحه گیری - اجازه ندادن زنها و اطفال بخاطر تصمیم گیری - تبعیض قومی - فرقی گذاشتن میان زن و مرد. - محروم ساختن زنان از حقوق میراث 	<ul style="list-style-type: none"> - بی تفاوتی در مقابل دارائی عامه - فقر - بهره برداری - ندادن حقوق
<p style="text-align: center;">حکومت</p>	<ul style="list-style-type: none"> - قتل - گرفتاری - زدن - شکنجه - قطع اعضاء - تخطی از حقوق بشر تجاوزات - تخریب مناطق مسکونی - تجاوز جنسی و داد و ستد آن - قاچاق مواد مخدره 	<ul style="list-style-type: none"> - منع آزادی بیان و وسایل اطلاعات جمعی - تبعیض در انتخاب کارمندان دولت - دادن حقوق کمتر برای زنان در حکومت - فقیر، فقیر است بخاطر سرنوشت و تقدیر شان - انتخاب شخصی بر خلاف انتخاب عمومی 	<ul style="list-style-type: none"> - دادن چانس کمتر بمردم جهت اشتراک در ساحات اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی تعلیمی و صحتی. - تنبیه نمودن - استثمار - توزیع غیر عادلانه منابع - محروم ساختن مردم از حقوق مدنی، سیاسی و اقتصادی - فقر

ب - راه های رفع خشونت

پابند احکام الهی باشیم و ننگ بی جا نداشته باشیم.
نفع و ضرر اجتماع را نفع و ضرر خود بدانیم و در مورد احساس
مسئولیت نماییم.

متوجه باشیم که از دست و زبان ما کسی ضرر نبیند.
در امور زنده گی و به مقابل تمام مردم عدالت را در نظر
بگیریم.

حقوق و واجبات خود را بشناسیم.
توجه به تعلیم و تربیه سالم اطفال و نوجوانان خود داشته باشیم.
ابعاد خشونت را از طریق جراید انتشار دهیم.
خشونت و ابعاد آنرا در مکاتب تدریس نماییم.
کار را به اهل کار بسپاریم.

از طریق رادیو و اطلاعات جمعی موضوع را به گوش مردم
برسانیم.

با اقارب خود موضوع را در میان گذاریم و به کمک آنها و ملا
امامان مساجد شورا های محلی را که سران اقوام و ممتنذین
شامل باشند تشکیل دهیم تا در رفع خشونت ها و رفع عنعنات
نا پسند یده تصمیم بگیرند.

خشونت چیست؟

- خشونت ضرر رساندن است ، از آن جلوگیری کنید.
 - خشونت ضرر رساندن مادی است ، جبران خساره کنید.
 - خشونت ضرر جسمی است ، از آن حذر کنید.
 - خشونت ضرر معنوی است ، آن را اعاده کنید.
 - خشونت ضرر روانی است ، آن را علاج کنید.
 - خشونت بر خورد زشت است ، از آن دوری کنید.
 - خشونت کیسینه ورزی است ، آن را رفع کنید.
 - خشونت مانع پیشرفت است ، با آن مبارزه کنید.
 - خشونت عملکرد منفی است ، آن را مثبت کنید.
 - خشونت ازدواج اجباری است ، پابند به احکام الهی باشید.
 - خشونت تعصب قومی است ، آن را رفع کنید.
 - خشونت عنعنات ناپسند است ، افهام و تفهیم کنید.
 - خشونت به انواع مخفی تلف است ، آن را بشناسید.
 - خشونت بی عدالتی است ، قضاوت و عدالت کنید.
 - خشونت جزا دادن بی مورد است ، از آن اجتناب کنید.
 - خشونت قهر است ، خود را کنترل کنید.
 - خشونت توهین و اهانت است ، اعاده شخصیت کنید.
 - خشونت ضرب و جرح است ، آن را تداوی کنید.
 - خشونت گرم است ، از آن نفرت کنید.
-
-

خشونت ع_____دم انکشاف است ، از آن پرهیز کنید.
خشونت شک_____نجه است ، احساس مسوولیت کنید.
خشونت تبعیض نژادی است ، در راه رفع آن اقدام کنید.
خشونت خ_____طر است ، از آن احتیاط کنید.
خشونت پن_____هان است ، آنرا آش_____کار سازید.
خشونت وسیله جنگ است ، آن را به صلح تبدیل کنید.

تعصب

زشت و زیبایی که دیدی دست رد بروی مزین
عیب صنعت درحقیقت غیبت صنعتگر است

تعصب در لغت به معنی تنگ نظری دیگران را حقیر پنداشتن قوم پرستی تکبر ذهنی و غیره است.

تعصب در اصطلاح عبارت داشتن قضاوت و مفکوره منفی در برابر یک گروه بدون در نظر داشت حقایق میباشد. و یا برخورد نا مناسب با یک گروه بدون در نظر داشت تفاوت های فردی و همچنان تعصب در عمل تبعیض را گویند.

تعصب در دین اسلام ناجایز است . خداوند(ج) در قرآن کریم میفرماید: بدون شک آفریدیم شما را از یک مرد و از یک زن و گردانیدیم شما را قبیله ها و طایفه ها تا با یکدیگر معرفت حاصل کنید . به تحقیق عزیزترین شما نزد الله (ج) متقی ترین شما است.

از آیات قرآن عظیم الشان نتیجه میگیریم که متفاوت بودن قبیله ها زبانها مناطق و غیره..... بخاطر شناخت بهتر انسانها است نه به خاطر جنگ اختلاف و فرقه پرستی.

حضرت محمد (ص) میفرماید:

از ما نیست کسیکه بر عصبیت دعوت میکند و در جای دیگر میفرماید: کسیکه به عصبیت دعوت میکند و درین راه میمیرد به مرگ جاهلیت مرده است.

تعصب انواع محرومیت ها بی اتفاقی ها و خشونت ها را بوجود میآورد پس باید از آن دوری کنیم تا مورد رحمت الله (ج) قرارگیریم. تعصب در حالات ذیل بوجود میآید:

- اگر ما در باره دیگر اقوام و گروهها معلومات نداشته باشیم و راجع به آنها تصورات و قضاوتهای نادرست داشته باشیم تعصب بوجود میآید.

- اگر ما راجع به دیگر اقوام و گروهها معلومات کم داشته باشیم و اساس همین معلومات کم خود قضاوت نادرست کنیم تعصب به وجود میآید.

- اگر ما درباره اقوام و گروههای دیگر معلومات غلط داشته باشیم و به اساس معلومات غلط خود در باره آنها قضاوت کنیم تعصب بوجود میآید.

اولین متعصب شیطان بود که از بارگاه خداوند (ج) رانده شد بخاطریکه نسبت به انسان تعصب داشت.

انسانیکه مورد تعصب قرارمیگیرد خودرا محروم احساس مینماید و در دلش عقده ایجا د میگردد و در صدد گرفتن انتقام میشود. هر موقع که فرصت را مساعد دید از جانب مقابل انتقام خواهد گرفت.

در بسیاری موارد شعله انتقام آنقدر شدید می‌باشد که هنگام عمل انتقام گیری به مرگ عادی دشمن هم قناعت نکرده به خانه و مزارع آنها نیز ضرر میرساند این نوع بی رحمی ها و انتقام گیریها تر و خشک را یکجا می‌سوزاند بنا تا حد توان تلاش صورت گیرد تا جلو تعصبات در جامعه گرفته شود.

الف - راههای رفع تعصبات

- احکام دین مبین اسلام را بالای خود تطبیق نماییم. زیرا تعصب در اسلام جایز نیست.

- احترام به مذاهب ملیت ها و اقوام مناطق مختلف و حقوق آنها داشته باشیم.

- خود و قوم خود را بهترین زیرا ما نمیدانیم که الله (ج) از کی راضی است؟

- روابط حسنه رادر اجتماع با ملیت ها و اقوام مناطق مختلف تامین نماییم.

- علم و دانش را کسب نموده اخلاق اجتماعی رادر خود پرورش دهیم.

- حقوق و وجایب خود را بشناسیم و از عدالت کار بگیریم.

- باید متیقن باشیم که هیچ قوم ملیت و یا مردم یک منطقه به طور کامل خوب یا خراب نمی باشند زیرا جرم فردی است.

معیار تعیین شخصیت انسان از
روی تعصب

- ملیت
- قوم
- لسان
- منطقه
- پول و....

معیار تعیین شخصیت انسان از
روی حقایق

- تقوا
- علمیت
- تجربه
- لیاقت
- صداقت و....



تعصب چیست؟

- تعصب تنگ نظری است ، با دید وسیع نظر کنید.
 - تعصب قوم پرستی است ، احترام به قوم های مختلف داشته باشید.
 - تعصب داشتن قضاوت منفی است ، آن را به قضاوت مثبت تبدیل کنید.
 - تعصب حقیر پنداشتن دیگران است ، اعاده شخصیت کنید.
 - تعصب تکبر ذهنی است ، خود را از لعنت نجات دهید.
 - تعصب مفکوره منفی است ، آن را به مثبت تبدیل کنید.
 - تعصب بیجا در دین اسلام نا جایز است ، از آن جدا پرهیز کنید.
 - تعصب بیجا جهالت است ، خود را از آن نجات دهید.
 - تعصب محصول خشونت است ، در راه رفع آن اقدام کنید.
 - تعصب محصول محرومیت است ، از ترحم کار بگیرید.
 - تعصب نداشتن معلومات در مورد اقوام دیگر است ، معلومات حاصل کنید.
 - تعصب محصول معلومات غلط در مورد دیگران است، در جستجوی واقعیت باشید.
 - تعصب محصول عقده است ، در راه رفع آن اقدام کنید.
 - تعصب مانند مرض سرطان است ، ریشه آن را قطع کنید.
-
-

-
- تعصب در عمل تبعیض است ، از آن خود داری کنید.
 - تعصب وسیله سو استفاده است ، هرگز وسیله آن قرار نگیرید.
 - تعصب مانع پیشرفت است ، از آن اجتناب کنید.
 - تعصب بد نیستی است ، نیت تانرا خوب کنید.
 - تعصب بد بینی است ، دید تان را خوب کنید.
 - تعصب کینه هایی از عوامل تاریخ است ، قلب تانرا از کینه پاک کنید.
 - تعصب عقده های روانی است ، خود را تداوی کنید.
 - تعصب کلید نفاق است ، اتحاد و همبستگی نمایید.
 - تعصب سلاح بی مرمی است ، هوشیار باشید.
 - اولین متعصب شیطان بود ، از آن نفرت کنید.
-
-

مگ های وجود انسان

انسان یک موجود اجتماعی است و در زندگی خود با اقسام خوشی ها و غم ها مقابل میشود . خوشی ها همه زود گذرند ولی غم ها - کینه ها - خصومت ها - بدبینی ها - تعصبات - و غیره برای مدت زیادی باقی میماند. اگر این کینه ها بدبینی ها و غیره به زودی از دل دور ساخته نشوند بعد از مدت زمانی اضافه تر و ضخیم تر میشوند و مانند میکروب های کشنده در وجود ما باقی میماند . از این سبب بنا میماند که مگهای وجود یاد شده است .

همانگونه که مگ ظرفیت چایجوش را کم میسازد حسادت کینه و دیگر مگهای وجود ظرفیت ما را در اجتماع کم میسازد . طوریکه مگ لوله چایجوش را بند میسازد مگهای وجود هم روابط حسنه ما را با اطرافیان ما مسدود میسازد . طوریکه چایجوش از اثر مگ صدا پیدا میکند قلب ما هم از اثر مگهای وجود به جوش میاید و ضربان قلب ما هم سریع میگردد . همانطوریکه چای چایجوش منگدار خوش ذائقه نمیباشد هر گاه در قلب و ذهن ما هم مگهای وجود داشته باشد گفتار و رویه ما برای دیگران خوش آیند و پسندیده نمیباشد در حالیکه قلب مومن محل تجلی نور الهی است . چقدر جای تاسف است که این کعبه دل را از مگهای حسادت کینه نفاق و امثال آن مملو سازیم .

رسول الله (ص) میفرماید:

درو وجود انسان پارچه گوشتی است که از فاسد شدن آن تمام وجود فاسد می‌گردد. آگاه باشید این پارچه گوشت قلب انسان است.

طریقه های پاک سازی منگهای وجود انسان

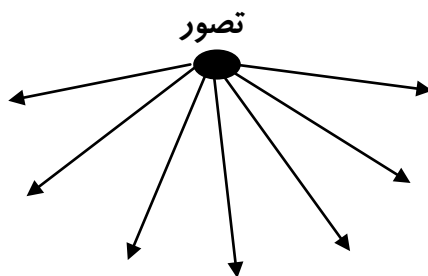
برای پاک سازی منگهای وجود انسان راههای مختلف وجود دارد که قرارذیل میباشد:

- مطابق ارشادات دین مقدس اسلام عمل نماییم .
- توسط مفاهمه و قناعت دادن جانب مقابل میتوانیم انواع منگها را از وجود خود و دیگران پاک سازیم
- در گفتار و عملکرد خود صادق باشیم.
- حسب ارزشهای سالم فرهنگی و اجتماعی قدم برداریم و منافع اجتماعی را نسبت به منافع شخصی مقدم بشماریم.
- عوامل منگ راجستجو نموده و در دور نمودن آن اقدام کنیم.
- خود را در موقف دیگران قرار بدهیم .
- عفو را نسبت به انتقام ترجیح بدهیم .
- مشوره دوستان را در نظر داشته انتقاد پذیر باشیم.
- روحیه خودگذری صله رحم و تواضع را در خود پرورش رهمیم.
- بلاخره یک مسلمان واقعی باشیم.
- با در نظر گرفتن مطالب فوق میتوانیم به اسانی این منگها را از وجود خود دور سازیم. رضایت خداوند (ج) و بندگانش را حاصل نموده و در صلح و صفا زندگی کنیم.

تصورات و برداشت ها

تعریف از نگاه علم منطق: حصول شی در ذهن بدون حکم قطعی بالای آن عبارت از تصور است.

تصور عبارت از برداشت ذهنی و فطری یک شخص از یک شی در محیط ماحولش میباشد. انسانها در برابر موضوعات، حوادث برخورد ها و سایر جنبه های زنده گی تصورات مختلف دارند و مسایل را از دیدگاه خاص خود می بینند. لذا میتوانیم بگوییم که تصور، حدس و گمان انسان ها در مورد مسایل مختلف میباشد. تصورات انسان بیشتر اوقات درست نمی باشد و بعضاً هم درست و بعضاً هم قسماً درست میباشد. همانطوریکه چهره های انسانها ازهمدیگر فرق دارد به همین اساس تصورات و برداشت های انسان ها یک سان نبوده، بلکه متفاوت میباشد یعنی هر انسان مسایل را از دیدگاه خود دیده، ممکن است یک عمل با عکس العمل به اشکال مختلف در ذهن وی خطور کند پس باید این حقیقت را بپذیریم که تصورات و برداشت های دیگران از تصورات و برداشت ما فرق دارد لذا نباید بالای تصورات و برداشت خویش پافشاری کنیم و نباید به اساس تصورات خود فوراً قضاوت نمائیم بلکه بهتر است تا از طریق مفاهمه، صلح آمیز تصورات خود را با تصورات جانب مقابل شریک سازیم. تا از دیگران توقع نداشته باشیم که مانند ما تصورات و برداشت داشته باشد.



الف- تصورات نادرست:

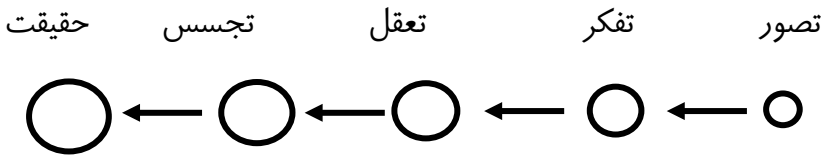
درب برخی حالات موضوع منازعه را تشکیل میدهد: این یک حقیقت مسلم است که تصورات و برداشت های نادرست اغلباً باعث منازعه شدید میگردد. زیرا طرفین از مقاصد و اعمال همدیگر تصور نادرست نموده و مشکل اساسی رادرک نمی نمایند و همچنان هریک از دیدگاه خود جانب مقابل را مقصروملامت میداند. برای حل اینگونه منازعاتی که به اساس برداشت ها و تصورات غلط واقع میشود، لازم است تا در مورد تصورات و برداشت های جانب مقابل فکر نموده با او مفاهمه نمائیم و مشکل را از دیدگاه او ببینیم و باید بالای تصورات خود زیاد اصرار نورزیم زیرا ممکن است تصورات ما نادرست باشد.

قرآن عظیم الشان در مورد تصورات انسانها، موضوع نهایت جامع را به شرح ذیل بیان نموده است:

ترجمه آیت شریف: و شاید که شما خوش نه دارید چیزی را آنکه وی بهتر باشد شما را و شاید که دوست دارید چیزی را حال آنکه وی بد باشد شما را الله (ج) میداند و شما نمیدانید. سوره البقره آیه

ب- چطور میتوانیم از تصویر به حقیقت برسیم؟

برای رسیدن به حقیقت موضوع لازم است تا در مورد تصورات و برداشت های خود و جانب مقابل غور و دقت نمائیم یعنی از عالم حدس و گمان بیرون گردیده به عالم تفکر داخل شویم. زیرا تفکر مانند مشعلی است که زوایای تاریک زندگی را برای ما روشن میسازد. در حالت تصور احساسات بالای انسان غالب می باشد اما در مرحله تفکر عقل به فعالیت شروع نموده، احساسات و هیجانات مغلوب میشود. خلاصه اینکه برای رسیدن به حقیقت اولاً باید در مورد تصورات خود و جانب مقابل فکر کنیم بعداً از عقل استفاده نموده و بعد از مفاهیم با جانب مقابل در جستجوی حقیقت شویم انشاء الله به حقیقت برسیم. این یک شیوه موثری است که ما را کمک میکند تا بطور معقول و پسندیده از دنیای تصورات و برداشت ها، خود را به عالم حقیقت برسانیم. یک نکته را باید بخاطر داشت که هیچگاه در عالم تصورات به قضاوت نپردازیم زیرا قضاوت زمانی سودمند است که به حقیقت رسیده باشیم. اشکال ذیل شیوه رسیدن به حقیقت را واضح میسازد:



طوری‌که در شکل فوق دیده میشود، تصوراتاً از حقیقت دور می‌باشد که به تفکر تعقل و تجسس میتوانیم به حقیقت نزدیک شویم و نباید قبل از رسیدن به حقیقت در مورد کسی یا چیزی بد گمان شویم.

ج- چگونه میتوانیم تصورات جانب مقابل را درک نماییم؟

طوری‌که میدانیم تصورات و برداشت‌های نادرست ما اکثر اوقات باعث ایجاد منازعات میگردد. علت عمده آن اینست که ما بالای تصورات و برداشت‌های خود زیاد حساب میکنیم و در مورد تصورات جانب مقابل اصلاً فکر نمی‌کنیم.

منازعات در برخی حالات از عمل ما نه بلکه از تصورات و برداشت‌های نادرست ما ناشی میشود پس ما باید بالای تصورات خود تاکید نکنیم بلکه کوشش نمائیم تا تصورات و برداشت‌های جانب مقابل را درک نموده یعنی خود را در موقف سمت مقابل قرار داده و از دیدگاه او مشکل را مشاهده نمائیم زیرا تصور هر کس به سطح دانش مهارتها، وضع خانوادگی و محیطی و سایر عوامل بستگی دارد.

بدینگونه بین تصورات اطفال، جوانان و بزرگان هم تفاوت های عمیق موجود است. مثلاً عاشق مهتاب را بروی یار، گرسنه به نان و مرد جنگی به سپر تشبیه مینماید. انسان در زمان طفلی یک نوع تصور، در جوانی تصور دیگر و در کلانسالی در مورد همان موضوع تصور دیگر داشته می باشد. زیرا نظریه تجارب انسان تصورات وی هم فرق میکند.

حسادت

حسادت یک احساس منفی است که تنگ نظری و بدنیته را بوجود میآورد انسانهای که این احساس را دارند حسود نامیده میشوند. انسانهای حسود همیشه در فکر مال و زندگی دیگران میباشند خصوصاً متوجه کسانی هستند که با آنها روابط دارند. اگر شخص حسود بفهمد که یکی از دوستانش مفاد بیشتر حاصل کرده و ثروت خوبتر دارد احساس ناآرامی میکند قسمیکه گفته اند: حسود از فربه شدن دیگران لاغر میشود.

انسانهای حسود باین احساس شان همه راز خودگريزان میسازند و منازعه درونی را در وجود خود ایجاد میکنند و زندگی خود را ناآرام میکنند و هیچ چیزی هم بدست نمی آورند به جز اینکه روابط شان را در اجتماع خراب بسازند و منازعه را بوجود بیاورند. خداوند «ج» در قرآن کریم میفرماید:

ترجمه: بلکه حسد میکنند بر مردم بر آنچه داده ایشان را خداوند «ج» از فضل خود. (النساء)

حضرت محمد «ص» در مورد چنین میفرماید:

ترجمه : از حسد خودداری کنید ، زیرا حسد چنان نیکی هارا می بلعد
چنانکه آتش هیزم را.

همه میدانیم که عزت و ذلت از طرف خداوند «ج» است پس باید بخاطر
مال و زندگی مردم حسد نبریم بخاطر اینکه به جز پشیمانی و خراب
شدن دوستی هاسودی دیگری نخواهد داشت . حسادت زندگی را برای
انسان مانند زندان میسازد . حسادت مانند قفسی است که انسان حسود
خود را بین آن قید میسازد . پس باید از این مرض خطرناک
خود را محافظت نماییم . هرگاه به این مرض مبتلا گردیده باشیم باید
در جستجوی علاج خود شویم و بکوشیم تا در خوشی دیگران احساس
خوشی خود را به تحرک بیاوریم و به نعمت های دیگران به دیده
رواداری و حسن نیت ببینیم تا خداوند «ج» ما را هم به آرزوهای برحق
مابرساند.

فصل سوم

تحلیل منازعات وسایل تحلیل منازعه

تحلیل و تجزیه قدم اساسی به خاطر ریشه یابی عوامل اصلی منازعات می باشند. چون وقتی درگیر منازعه باشیم هیچگاه در مورد رفع علت اصلی آن نمی اندیشیم و کوشش مینماییم که مشکل را در وجود جانب مقابل ببینیم. روی همین ملحوظ حالت منازعه به سرعت بحرانی گردیده و کار از کار میگذرد. در چنین یک حالتی از روی ناچاری به هر سو دست و پامیاندازیم. مانند شخصی که در حال غرق شدن باشد و به خاطر نجات خود به خس و خاشاک دست می اندازد.

هرگاه قابلیت تحلیل و تجزیه منازعه را داشته باشیم می توانیم در ابتدا راه حل مناسب را جستجو نماییم و جهت رفع عامل اصلی آن اقدام نماییم.

منازعه به اقسام مختلف تحلیل میگردد که ذیلا آنرا مورد بحث قرار میدهیم:

الف - تحلیل منازعه توسط مربع:

در این تحلیل منازعه را چنین تعریف مینماییم :
منازعه رابطه ایست بین اهداف و عملکرد هاییکه دو طرف با هم دارند

- اگر اهداف و عملکرد ها با هم موافق باشند بین طرفین مصالحه برقرار است .
 - اگر اهداف متضاد و عملکرد ها موافق باشند بین طرفین منازعه پنهانی وجود دارد .
 - هر گاه اهداف موافق و عملکرد ها متضاد باشند بین طرفین منازعه سطحی یا لفظی وجود دارد.
 - هر گاه اهداف و عملکرد ها متضاد باشند بین طرفین منازعه آشکار وجود دارد .
-
-

هدف

موافق

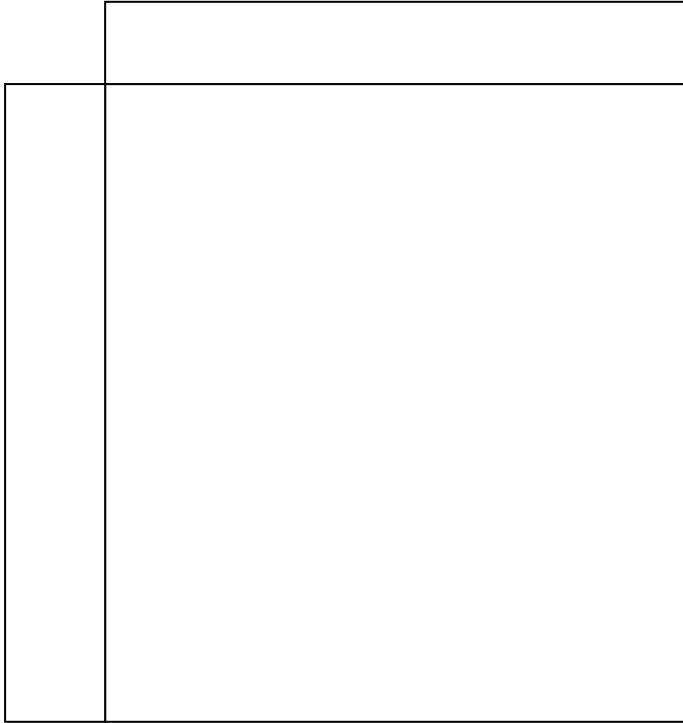
منازعه سطحی

عملکرد

متضاد

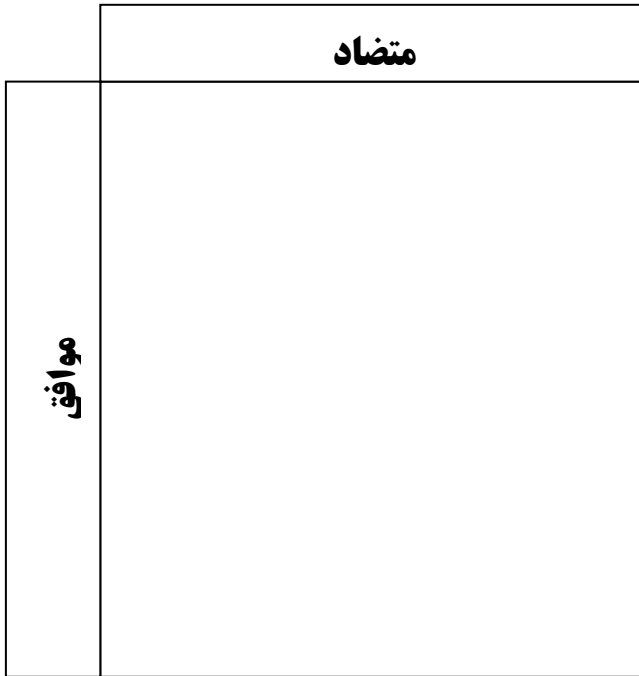
هر گاه اهداف موافق و عملکردها متضاد باشند بین طرفین
منازعه سطحی یا لفظی وجود دارد.

هدف



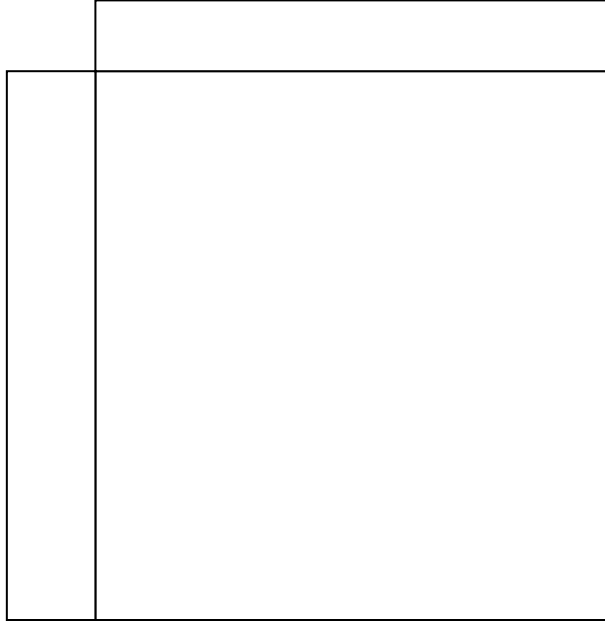
اگر اهداف و عملکردها با هم موافق باشند بین طرفین مصالحه
برقرار است .

اهداف



اگر اهداف متضاد و عملکردها موافق باشند بین طرفین منازعه پنهانی وجود دارد .

هدف



هر گاه اهداف و عملکردها متضاد باشند بین طرفین منازعه آشکار وجود دارد .

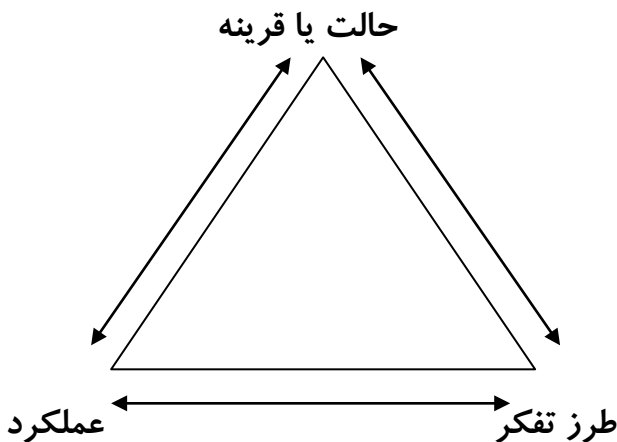
هدف

عملکرد

ب - تحلیل منازعه توسط مثلث

برای اینکه ریشه یک منازعه را در یابیم میتوانیم از تحلیل منازعه استفاده نماییم . هر راس این مثلث مفاهیم جداگانه را احتوا مینماید .



قسمیکه در فوق دیده میشود راس های مثلث توسط تیرها با یکدیگر ارتباط میگیرد . این تیرها بیانگر آنست که راس آن بالای راس دیگر تاثیر می گذارد. هرگاه یک راس مثلث به جهت مثبت تغییر نماید راس های دیگر را نیز به جهت مثبت تغییر میدهد و اگر یک راس آن تغییر منفی نماید راس های دیگر نیز به جهت منفی تغییر می یابد .

حالت یا قرینه

وضعیت قبل از منازعه را نشان می‌دهد . مثلا : فقر - بیعدالتی - تبعیض حقوقی و اقتصادی - حالات روانی و غیره .

در صورتیکه یک انسان در حالات نامساعد قرار داشته باشد . این حالات باعث می‌گردد که انسان برای بیرون رفت از آن فکر نماید یعنی اگر حالت تغییر کند طرز فکر هم تغییر مینماید و بعدا انسان تصمیم می‌گیرد که چه عمل را انجام دهد یعنی باعث تغییر عملکرد نیز می‌گردد .

طرز تفکر

طرز تفکر ناشی از اهداف و عملکرد طرفین میباشد و شیوه تفکر جانبین را در مورد همدیگر ارائه مینماید . مانند کینه - نفرت - حسادت - دشمنی - انتقام جویی و غیره .

مثال : احمد و شکیب با هم یکجا کار میکنند شکیب بسیار مستعد است . احمد که با شکیب حسادت دارد با خود فکر مینماید که شکیب جای وی را خواهد گرفت در نتیجه حالت احمد به جهت منفی تغییر مینماید که در نتیجه باعث عملکرد منفی می‌گردد .

عملکرد

عبارت از عمل و یا عکس العمل طرفین است که در مقابل همدیگر نشان می دهند. مثلا دست و گریبان شدن -زدو خورد - تعذیب- خشونت و غیره

مثال: دست عبدالکریم سهوا به روی نجیب می خورد حالت نجیب فوراً تغییر میکند و خود را متضرر میدانند و فکر میکند که قصدا وی را سیلی زده است. روی این ملحوظ عملکرد منفی را انجام میدهد که بدین ترتیب منازعه دوران مینماید.

وقتی یک شخص عملکرد منفی را انجام میدهد باید تحلیل گردد که قبلاً چه حالت داشته است. شاید حالت قبلی باعث منازعه فعلی شده باشد. هرگاه یک منازعه را توسط مثلث تحلیل نماییم می فهمیم که منازعه از کجا شروع شده و به کجا رسیده است تا مطابق به آن راه حل بهتر و مناسب برایش پیدا نماییم.

ج- تحلیل منازعه توسط نقشه کشی (استفاده از اشکال در

ترسیم)

ترسیم یا تثبیت کردن -یکی از روشهای تحلیل یک حالت برخورد با منازعه است. این کار ما را قادر می سازد تا برخورد و جنگ را به شکل مجسم تثبیت کنیم و طرفین را از مشکل جدا سازیم و روابط بین آنها را به شکل واضح ترسیم کنیم .

ما از نقشه کشی برای مقاصد متعدد استفاده میکنیم مثلا برای فهمیدن بهتر وضع -برای دید روشنتر از حالت - برای واضح شدن موقعیت نیروها - برای یافتن راه حل یا ستراتیژیهای جدید-

برای فهمیدن موقعیت طرفین در گیر یا طرفداران احتمالی {کی ها شامل منازعه اند} - برای یافتن موقف خود ما و یا برای ارزیابی آنچه انجام یافته - هرگاه طرفین با وجود داشتن نظریات مختلف حالت منازعه شان را با هم ترسیم کنند شاید در مورد تجارب و تصور همدیگر چیزهایی بیاموزند .

به خاطر ترسیم وضعیت یک منازعه نکات ذیل را باید به خاطر داشت

-تصمیم بگیرید که چی میخواهید ویا کدام طرز دیدرا میخواهید ترسیم کنید .بهتر است تا همان وضع را از چند نگاه همانطوری که طرفین واقعا تجربه کرده اند نقشه کشی کنیم.

- علاوه بر تشخیص جوانب درگیر منازعه بهتر است تا تصورات یازمندیها - اهراسهای طرفین را نیز ترسیم کنیم . اینکار برای ما از آنچه که طرفهای مختلف را می انگیزد دید وسیعتر میبخشد و شاید در بعضی از سؤفاهمات و تصورات نادرست بین طرفین کمک نماید . و ما را در شناخت اعمال طرفهای که در برابرشان کمتر احساس همدردی داریم یاری رسانیده و مفید باشد . باز هم مهم است که از طرفین پرسیده شود که آیا آنها با نیازمندیها تصورات یا اهراسهای که شما برای آنها توضیح داده اید موافق هستند یا خیر؟

- فراموش نکنید که موقعیت خود را در نقشه ترسیم نموده جابجا سازید . قراردادان خودتان در نقشه یاد آوری خوبیست که ما بخشی از وضعیت هستیم نه در بالای آن حتی هنگامی که ما وضع را تحلیل میکنیم . هر یک از ما با گذشتهء خاصی از جایی آمده ایم به گروههای مشخصی متعلق هستیم نیازها و اهراسهای مختص داریم و به نحوی از انحاء توسط دیگران درک شده ایم .

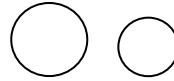
. - ترسیم یا نقشه کشی با گذشت زمان تغییر پذیر است . نقشه کشی بیانگر یک وضع قابل تغییر بوده و عملکرد طرفین را نشان میدهد . این نوع تحلیل باید امکانات جدید را در اختیار قرار دهد

بطور مثال چی باید کرد؟ چه کسی میتواند آنرا به درستی انجام دهد؟ بهترین فرصت برای انجام آن چه وقت است؟ چه نوع کارهای مقدماتی از قبل باید انجام شود؟ و چه نوع ارتباطات بعدی برقرار گردد؟

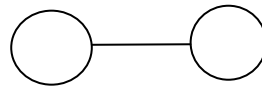
مثالها و اجزا :

در ترسیم یک حالت منازعه از روش و مفاهیم خاصی استفاده میکنیم . شما شاید بخواهید روش خود را ایجاد کنید : اما برای آسانی کار اشکال و اشارات ذیل معمولا مورد استفاده قرار میگیرد:

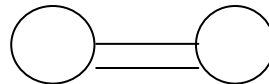
دایره ها طرفین را شامل نشان میدهد که در منازعه ارتباط دارد اندازه های مختلف دایره هابیانگر قدرت طرفین است.



خط مستقیم معرف یک پیوند است و رابطه نسبتاً نزدیک بین طرفین را نشان میدهد



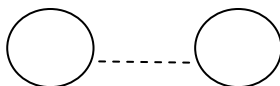
دو خط موازی ارتباطی نمایانگر ائتلاف بین طرفین است.



تیرنمایانگر ارتباط یک جانبه است
که تسلط یک طرف را نشان میدهد



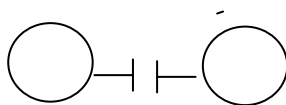
خط نقطه یی بیانگر پیوند غیر
رسمی یا تماس است و یا ارتباط
ضعیف را نشان میدهد.



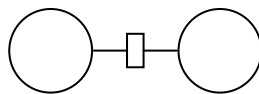
خطوط منکسر از ناسازگاری و
برخورد حکایت میکنند.



دوخط موازی که خط ارتباط دو
طرف را قطع نموده باشد
نمایانگر قطع روابط است.



یک مربع یا مستطیل موضوع
منزعه را نشان میدهد



نیم دایره نقطه ایی جناحهای خارجی
را نشان میدهد که در منزعه علاقه
دارند ولی مستقیماً درگیر نیستند.

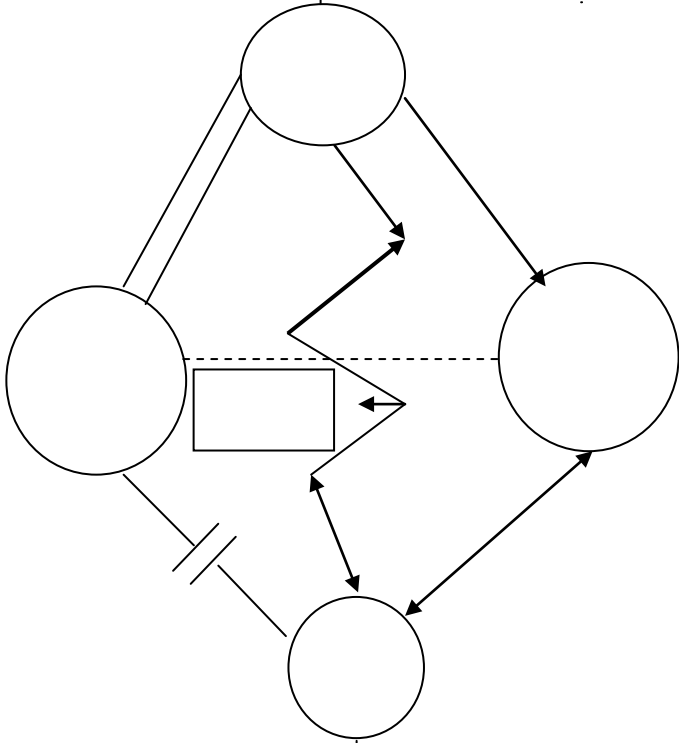


برای این که تحلیل منزعه توسط علامات واضح گردد یک مثال
را در عمل تطبیق مینماییم .

موضوع

گل محمد و فهیم پسران کاکاهستند. آنها به خاطر تقسیم زمین های
میراثی درگیر منزعه اند .
هریک میخواهند زمین های را که آب بیشتر دارند تصاحب نمایند .
در نتیجه این منزعه طرفین خسارات زیادی را متقبل شده اند . فعلاً
هر دو جناح نمیگذارند که بالای زمین کشت صورت گیرد و روابط
خصمانه بین شان وجود دارد .

پسران مامای گل
محمد



خسر خیل فہیم

شکل فوق روابط را بطور ذیل نشان میدهد.

- گل محمد با فهیم به خاطر تقسیم زمین های میراثی روابط خراب دارند .

- فهیم توسط خسر خیل اش و گل محمد توسط پسران مامایش حمایت میشود .

- گل محمد با سلطان محمد رابطه یک طرفه دارد و با حامد خان همدست است.

- بین سلطان محمد و حامد خان نیز رابطه ضعیف وجود دارد. رابطه حامد و فهیم قطع گردیده است.

- رابطه سلطان محمد و فهیم خوب و دو طرفه است.

- بادر نظر داشت روابط فوق میتوانیم برای حل منازعه راه های حل مناسب جستجو نمایم .

فصل چهارم

روشهای حل منازعه

افهام و تفهیم

عبارت از یک پدیده قراردادی اجتماعی است که در آن انتقال محتویات فکری ، نظریات و تجارب یک شخص و یا گروه به شخص و یا گروه دیگر صورت میگیرد.

انسان یک موجود اجتماعیست وافهام و تفهیم بخش اهم زنده گی او را تشکیل میدهد هر کس در زنده گی روزانه خود خواه مخواه روی مسایل مربوطه خود با دیگران افهام و تفهیم میکند .

انسانها در نتیجه ، افهام و تفهیم میخواهند که از مقاصد دیگران آگاه شوند وهم مقاصد خود را به دیگران انتقال دهند.

تفاهم به منظور همفکر شدن ، به همدیگر نزدیک شدن وهمنظر شدن صورت میگیرد .

دانشمندان افهام و تفهیم را وسیله به توافق رسیدن روی موضوعات مورد اختلاف میدانند.

چگونگی افهام و تفهیم روی روابط انسانها تاثیر بس عمده دارد زیرا:

_ امکان دارد که سبب برهم خوردن روابط گردیده، اسباب منازعه را فراهم سازد .

_ امکان دارد سبب تغییر حالت منازعه شود یعنی :

الف : به سوی مصالحه پیش برود.

ب : به سمت جنگ وجدل سوق یابد.

الف – اهمیت افهام و تفهیم

اهمیت افهام و تفهیم در موارد آتی واضح میگردد:

افهام و تفهیم بخش مهم روابط انسانی را تشکیل میدهد .

افهام و تفهیم وسیله اساسی معرف شخصیت و هویت فردی انسانها میباشد.

انسانها همدیگر را از مقاصد خویش ذریعه افهام و تفهیم با خبر میسازند.

انسانها در طی افهام و تفهیم از احوال همدیگر با خبر میشوند.

در طی افهام و تفهیم عوامل منازعات آشکار میگردد.

راه های حل مشکلات از طریق افهام و تفهیم در یافت شده میتواند.

در نتیجه افهام و تفهیم روابط انکشاف پیدا میکند.

در نتیجه افهام و تفهیم علایق انکشاف مییابد.

افهام و تفهیم درست و معقول سبب حل منازعات میگردد.

ب - اصول افهام و تفهیم

افهام و تفهیم دارای یک‌کده اصول قبول شده می‌باشد که اگر در نظر گرفته شود از افهام و تفهیم نتایج مثبت به دست می‌آید ، این اصول قرار ذیل است:

طرف مقابل را به نظر احترام دیدن

به طور طبیعی انسان از مورد احترام قرار گرفتن خوش می‌شود و از آن لذت می‌برد . هر گاه طرف مقابل درک کند که او به دیده احترام نگریسته می‌شود به درستی و خوبی استدلال خواهد کرد، و افهام و تفهیم به شکل خوب آن صورت خواهد گرفت. که طبعاً در این صورت طرفین افهام و تفهیم مقاصد همدیگر را به خوبی درک نموده می‌توانند.

حفظ روابط

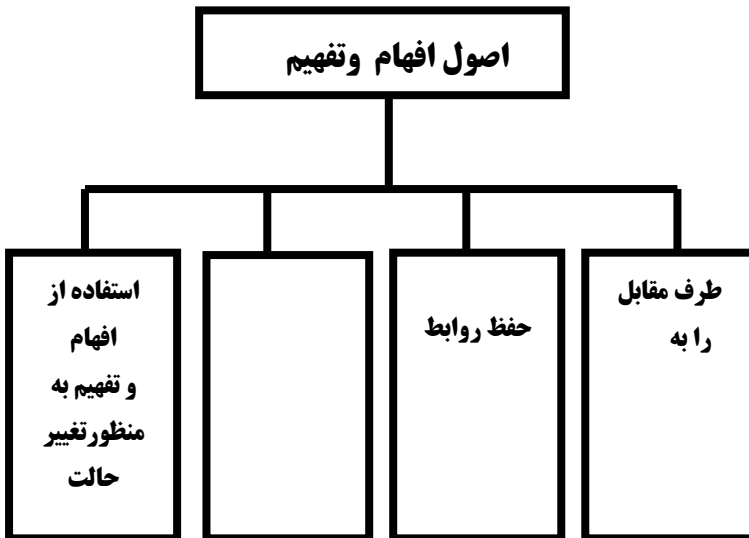
باید سعی شود تا در جریان افهام و تفهیم روابط آسیب نه بیند ورنه انجام افهام و تفهیم نتیجه نیکو نخواهد داشت.

درک همدیگر

اگر جوانب افهام و تفهیم همدیگر را به درستی درک کرده نتوانند امکان موجود است که مقاصد خود را به یکدیگر به درستی انتقال داده نتوانند.

استفاده از افهام و تفهیم به منظور تغییر حالت منازعه

مقصد افهام و تفهیم باید معلوم باشد هرگاه در باره مشکلی افهام و تفهیم صورت میگیرد باید مشکل به جهت مثبت تغییر یابد



ج - افهام و تفهیم درست

تجارب نشان داده که تعداد کمی مردم به افهام و تفهیم دل خوش میکنند، علت این است که اکثر مردم راه درست افهام و تفهیم را نمیدانند نفهمیدن طرز درست افهام و تفهیم نتیجه افهام و تفهیم را ناخوش آیند خواهد ساخت. لهذا کسیکه از افهام و تفهیم قبلی خود نتیجه دلخواه به دست نیاورده باشد به افهام و تفهیم بعدی دل خوش نمیکند.

اما افهام و تفهیم نکردن روی مشکلات موجب افزایش مشکلات بعدی میگردد و به منظور حل این نقیصه و به خاطر رفع ضرورت ها لازم است تا هر کس طرز درست افهام و تفهیم را بیاموزد و بداند که :

چطور ؟ چی وقت ؟ و در کجا با طرف مقابل خود افهام و تفهیم کند ؟

برای این منظور باید نکات آتی را مد نظر داشت:

آماده گی برای روبرو شدن با طرف مقابل

طرفین افهام و تفهیم کننده باید ذهنا آماده باشند ، یعنی با خود بسنجند که چگونه با طرف مقابل صحبت کنند؟ چه بگویند و از کجا آغاز کنند . یعنی اگر افهام و تفهیم به شکل مکالمه صورت میگیرد باید هر دو طرف از لحاظ احساسات و هم از نظر منطق برای افهام و تفهیم آمادگی داشته باشد.

موقع برای روبرو شدن

موقع مناسب در افهام و تفهیم اهمیت به خصوص دارد .لهذا در رابطه به هر موضوع مشخصات و وقت روبرو شدن باهم را باید در نظر گرفت.

محل مناسب برای روبروشدن

غرض بدست آوردن نتایج دلخواه از افهام و تفهیم شرط مهم دیگر محل افهام و تفهیم است. هر گاه محل افهام و تفهیم مناسب باشد نتیجه آن هم بهتر خواهد بود. و بر خلاف اگر محل افهام و تفهیم نامناسب باشد چنانکه در محضر یک گروه و یا شعبه و دفتر رسمی، افهام و تفهیم صورت گیرد نتیجه آن مطلوب به دست نخواهد آمد.

محل مناسب برای افهام و تفهیم جایست که فضای آن آرام و غیر رسمی باشد. تا افهام و تفهیم بدون کدام تشویش و اضطراب و وسواس صورت گیرد.

اجازه خواستن

در جوامع شرقی و بخصوص در جامعه ما صحبت بدون مقدمه خوشایند نمیباشد، بلکه بعضاً بی ادبی تلقی میشود. هر گاه از طرف مقابل اجازه خواسته شود که داخل موضوع شود او خوشحال خواهد شد پس بهتر است قبل از آغاز صحبت بالای موضوع، از طرف مقابل اجازه خواسته شود و نظر او مطالبه شود که چه وقت و کدام محل را برای افهام و تفهیم مناسب میدانند.

اظهار احساسات و عقاید

در افهام و تفهیم باید هر یک از طرفین مستقیماً احساسات، خواسته ها و علایق خود را آشکار سازند نه اینکه احساسات شخص یا اشخاص دیگر دخیل ساخته شود. مثلاً باید گفته شود که من از سخنان دیروز شما آزرده شدم نه اینکه گفته شود که همه بالای صحبت دیروز شما خندیدند.

قاطعیت روی موضوع و نرمش با طرف مقابل

در افهام و تفهیم باید کوشش شود تا به صراحت روی موضوع تماس گرفته شود. صراحت به هیچ وجه مفهوم زشتی را ندارد، مشروط بر اینکه احترام شخصیت و موقف طرف مقابل مد نظر گرفته شود و با ادب و احترام صمیمانه افهام و تفهیم صورت گیرد.

آماده گی برای شنیدن

آنچنانیکه مامیخواهیم طرف مقابل به خواسته های ما توجه کند آنها هم توقع دارند تا به صحبت آنها به دقت تمام گوش دهیم. هر گاه به صحبت طرف مقابل به خوبی گوش داده شود او در اثر گوش دادن شما احساس خوشی خواهد کرد و هم عقده های او کاهش خواهد یافت، حالت هیجانی اش به حالت عادی تبدیل خواهد شد.

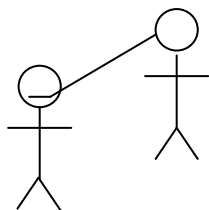
د- شنیدن

عمل شنیدن ادب است یک نوع مهارت و یک هنر است. منحنیت ادب لازم است. تا برای شنیدن حرفهای جانب مقابل آداب درست شنیدن خود را تقویت نماییم. توجه احترامانه و علاقه به درکشخص مقابل لازمی است. اما منحنیت یک مهارت عمل شنیدن مرحله ای را در بر میگیرد. که میتوان از اثر آموزش و تمرین اصلاح و ارتقا یابد. این عملیه شامل شنیدن، فهمیدن و جواب دادن در مقابل گفته های جانب مقابل است. در حالیکه منحنیت هنر، ابتکار فردی را در چگونگی عمل گوش دادن و ارائه جوابهای به شخص مقابل در بر میگیرد. شنیدن خوب باعث عکس العمل خوب شنونده میشود. عکس العمل شنونده واضع میسازد که شنونده واقعا الفاظ گوینده را شنیده و فهمیده است. بعضی از عکس العمل ها، گوینده را وادار به ارائه توضیح بیشتر موضوع میسازد.

سطوح شنیدن

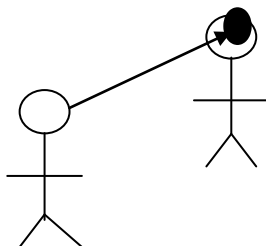
شنیدن با گوش

درین حالت شنونده صرف صدای گوینده را شنیده، ولی حرف های او را درک نمیکنند. درین حالت گوینده اصلاً راضی نبوده و احساس حقارت و اهانت مینماید. امکانات سو تفاهم و ایجاد نا راحتی و یا حتی بروز عکس العمل های شدید بسیار زیاد میباشد.



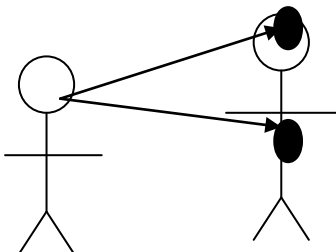
شنیدن با دماغ

درین حالت شنونده حرفهای گوینده (الفاظ و لغات) را شنیده ولی احساس وی را درک نمیکنند. (درنظر باید داشت که بصورت عموم همچو روشها در مکالمات روزمره موجود میباشد، بهتر است کوشش شود تا احساس گوینده نیز درک گردد.)



شنیدن با دماغ و قلب

درین حالت شنونده نه تنها حرفهای گوینده (الفاظ و لغات) را کلاماً میشنود بلکه احساس وی را نیز درک میکند. درین حالت هر دو طرف از همدیگر نهایت راضی میباشند امکانات سو تفاهم و ایجاد نا راحتی درین حالت دور از تصور میباشد.



هـ- صفات یک گوینده خوب

- با نرمی و مهربانی سخن میگوید.
- اول میسنجد بعداً سخن میگوید.
- زیاد سخن نمی گوید.
- علم و دانش خود را به رخ جانب مقابل نمی کشد.
- به شنونده توجه میکند تا از گفته هایش خسته نشده باشد.
- مقصد خود را بطور واضح و مودبانه بیان میکند.
- با گفتن کلمه شاید به جانب مقابل احترام می گذارد.
- به حالت روانی و احساسات طرف مقابل توجه میکند.
- سن و سال و موقف اجتماعی طرف مقابل را در نظر میگیرد
- حاشیه روی نمی کند.
- به فشار صدای خود توجه میکند.
- علاقمندی طرف مقابل را جلب میکند.
- نظریات خود را به طرف مقابل تحمیل نمی کند.

و- صفات یک شنونده خوب

- دقیقاً به گوینده توجه میداشته باشد.
 - قبل از ختم یک موضوع ، موضوع دیگر را طرح نمیسازد.
 - سخنان گوینده را قطع نمیسازد.
 - دفعتاً و بدون اجازه محل را ترک نمی کند.
-
-

-
- در صورت ضرورت از گوینده وضاحت میخواهد.
 - در وقت شنیدن خود را به چیزی دیگری مصروف نمیسازد.
 - در وقت شنیدن بطرف گوینده بطور مودبانه نگاه میکند.
 - سخنان گوینده را با علاقمندی میشنود.
 - در جریان صحبت گوینده کلمات و یا حرکت تاییدی را اظهار میکند.

ز- موانع افهام و تفهیم

عکس العمل نا درست

گوش ندادن به سخنان جانب مقابل

تمسخر نمودن

بی اعتنا بودن در برابر جانب مقابل

از خشونت کار گرفتن

شخصیت خود را در برابر جانب مقابل تبارز دادن

به وضاحت صحبت نکردن

قبل از ختم موضوع ، موضوع دیگری را در میان گذاشتن

موقف اجتماعی طرف مقابل را نا دیده گرفتن

بی احترامی در برابر جانب مقابل

انتقاد تند و مستقیم

تحمیل نمودن نظریات

فاصله زیاد و....

ک- (چرا مطلب خود را همانده نتوانسته و یا مطلب جانب

مقابل را نمی فهمیم؟؟؟)

موانع افهام و تفهیم بصورت متداوم در مکالمات روزمره مورد استفاده قرار میگیرد که توسط ما آگاهانه و یا نا آگاهانه به جانب مقابل تحمیل میشود. لطفاً به شیوه های ذیل توجه نمایید که شما به کدام یکی از روشها قسماً برخورد ه اید و یا کدام یک از اقارب ، دوستان و یا آشنایان شما آنها را بکار میبرند:

تهدید: "...اگر تو اینکار را نکردی ، باز نتایجش را بزودی میبینی...!!!"

انتقاد: "...از تو همیشه همی کار است... تو همیشه فقط شکایت

میکنی و بس...!!!"

دشنام: "...تو احمق هیچ گپ را نمیفهمی...!اینرا فقط کدام آدم

جاهل میگوید...!!!"

حتماً و باید: "...تو باید اینرا قبول کنی که ...حتماً اینکار را خلاص

میکنی...!!!"

تحقیق: "... این چقدر وقت ترا گرفت... فکر نمیکنی که زیاد

است...!!!"

توصیف بخاطر فریب دادن: "... تو بسیار در گزارش نوشتن لایق

هستی...چه میشود که همی گزارش مرا هم نوشته کنی...؟"

تاکید روی حرف خود: " ... این گیها را بگذار ، گوش کن که مه

چه میگم... !!!"

تغییر موضوع: "...جالب است ، راستی دیشب رادیو کابل گفت

که... !!!"

تحقیر: "... تو راستی در این کار ها ضعیف هستی ، باید با من

مشوره میکردی ... !!!"





روشهای طرفین منازعه در زندگی روزمره

مردم طوریکه غرض پیشبرد امور روزمره خود پلان ساخته و تدبیر می
سنجند ولی در حالت منازعه برای خود پلان دقیق نمیسازند. با آن
عمل و عکس العمل طرفین منازعه نمایانگر روش آنها در منازعه
است. روش هر کس بیانگر توقعات او میباشد.

در نتیجه تحقیقاتی که به عمل آمده پنج روش برخورد بامنازعه میان
طرفین منازعه شناخته شده

است که قرار ذیل اند:

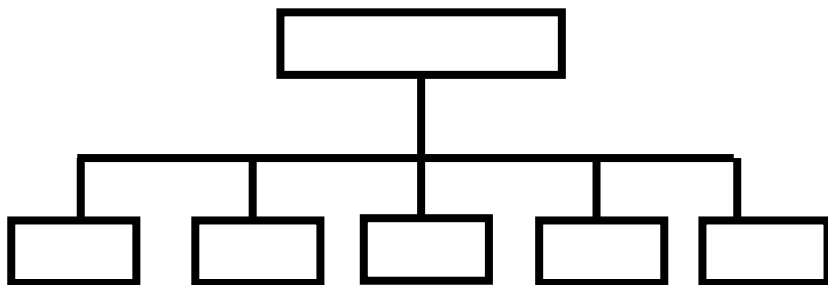
الف - روش کنترل

ب- روش پذیرش

ج- روش سازش

د- روش اجتناب

ه- حل مشکل



یادداشت:

همراه با توضیح مختصر درمورد هر یک از ارزشهای یاد شده جنبه
های مثبت و منفی آنها نیز ضمیمه میگردد.

الف- روش کنترل

این روش در جهت مخالف روش پذیرش قرار داشته و خصلت زورگویی در آن دیده میشود. هر طرف منازعه میخواهد که مقصد خود را بدون موافقه طرف مقابل به دست آورد. درین روش بدست آوردن مقصد هدف اطراف درگیر درمنازعه بوده به خواسته های طرف مقابل اهمیت داده نمیشود. هرگاه خطر فوری متوجه باشد استفاده از این روش موثر واقع شده اما در بعضی موارد این روش اختلافات را شدت میبخشد.

جنبه های منفی	جنبه های مثبت
-درین روش روابط باهمی آسیب می بیند. -زمانی مضر است که طرف مقابل به آن راضی نباشد. -این روش بردوباخت داشته چاره دیگر ندارد -اختلافات را شدت میبخشد.	-این روش زمانی مفید است که طرفین به آن توافق نموده باشد و رقابت علامه قوت پذیرفته شود. مثل مسابقات ورزشی. -هرگاه هدف نظر به روابط ذات البینی مهم باشد در آن صورت این روش مفید است . -زمانی که خطر بسیار جدی باشد .

-در صورتیکه یک طرف از روش کنترل کار بگیرد برای جانب مقابل استفاده از روشهای پذیرش و یا اجتناب بهتر است.

ب- روش پذیرش

درین روش طرفین منازعه به روابط خویش نظر به خواسته هایشان بیشتر اهمیت میدهند به این معنی که یک طرف از پذیرش کار گرفته و خواست های طرف مقابل را میپذیرد

جنبه های منفی	جنبه های مثبت
<p>- درامرحل منازعه ابتکاری صورت نگرفته استعدادهای ذهنی عاطل و بیکاره باقی میماند.</p> <p>- روابط آزموده نمیشود لذا به آن طریقه حل کاذب گفته میشود.</p> <p>- جلو رقابت ها گرفته میشود که موجبات پیشرفت رامساعد می سازد .</p> <p>- به عداوت ها تداوم میبخشد.</p> <p>- باعث تآثر وعدم احترام به خود میگیرد.</p>	<p>- هر گاه روابط نظر به خواسته ها بیشتر اهمیت داشته باشد درین روش روابط بخوبی حفظ میشود .</p> <p>- هر گاه کدام طرف خساره میبیند و تاوان و خساره درحد اقل قرار داشته باشد.</p> <p>- هر گاه موضوع برای یک طرف بسیار مهم باشد و از مقصد خود هرگز دست بردار نمی شود گذشت مفید تمام خواهد شد.</p>

ج- روش سازش

درین روش طرفین منازعه می خواهند که چیزی به دست آورده و چیزی را از دست بدهند یعنی با هم سازش مینمایند.

جنبه های منفی	جنبه های مثبت
- حل منازعه به طور اصولی و قابل قبول صورت نمیگیرد.	- درمدت کوتاه اهداف بسیارمهم به دست آمده میتواند.
- شرایط تبارز نظریات جدید میسر نمیشود.	- تساوی قوا را تقویه میکند.
- زمینه ابتکار عمل در آن وجود ندارد.	- اگر سایر روشها بی نتیجه بماند این یگانه راه حل خوانده میشود.
- مانع دریافت راه حل دیگر میگردد.	

د- روش اجتناب

درین روش یکی یا هر دو طرف منازعه سعی میکنند تا نسبت به منازعه بی تفاوتی نشان بدهندومی خواهند خود را بی پروا جلوه دهند و نمی خواهند تا موضوع مورد منازعه مطرح شود.

نمونه چنین روشها در خانواده ها بین زن و شوهر زیاد دیده میشود چنانکه یکی به قهر شود طرف دیگر موضوع را به مزاح تیر میکند و یا اصلا آن را جدی نمیگیرد و خود را نسبت به آن بی تفاوت نشان میدهد

جنبه های منفی	جنبه های مثبت
<p>- گاه گاهی بی اعتنائی یک طرف به موضوع مورد منازعه سبب احساساتی شدن طرف مقابل میگردد.</p> <p>- معمولاً درین حالت ریشه های منازعه عمیق تر شده به سر حد خطرناک میرسد.</p> <p>- دیگران از تداوم منازعه نفع میبَرند.</p> <p>- احساس منفی بین طرفین وجود خواهد داشت</p> <p>- میتواند مشکل را بزرگتر سازد.</p>	<p>- وقت انسان بخاطر منازعه ضایع نمیشود بلکه فکر خود را در مورد سایر جنبه های به میان آمده منازعه و عوامل به وجود آورنده آن به کار میبرد.</p> <p>- راه موعثر به خاطر جلوگیری از مداخله دیگران در زنده گی شخصی میباشد.</p> <p>- راه خوب پیشگیری از زیانهای وارده ناشی از منازعه میباشد .</p> <p>- اگر فکر میشود که از منازعه موجود نفعی متصور نیست این روش مفید تمام میشود .</p> <p>- در صورتیکه موضوع منازعه جزیی باشد .</p> <p>- سبب تغییر مفکوره میشود.</p>

هـ- روش حل مشکل (برد برد)

این روش نظر به سایر روشها در حل منازعه و ایجاد روابط بهتر بین طرفین بسیار مفید است .

درین روش سعی میشود تا طرفین منازعه به یک راه حل قابل قبول برسند برای این منظور هر دو طرف منازعه با رعایت اخلاق ابتکارات خود را جهت حل منازعه به کار میبندند تا به اهداف خود نایل آیند .

جنبه های منفی	جنبه های مثبت
<p>-این روش وقت و دقت کافی میخواهد.هرگاه یکی آن کم شود هر دو طرف با مشکلات مواجه خواهندشد.</p> <p>-برای افراد چالاک شرایط استفاده جویی میسر میشود.</p> <p>-هرگاه طرفهای منازعه بیشتر از دو باشند به همان اندازه به دقت بیشتر ضرورت است زیرا هر فرد میتواند خواسته های دیگران را با موانع مواجه سازد.</p> <p>-وقت زیاد کار دارد.</p>	<p>-درین روش تشدد به وجود نمی آیند.</p> <p>-راه حل مشکلات به اساس ابتکارات طرفین منازعه روشن میشود.</p> <p>-هر دو طرف احساس میکنند که حل مسئله روی واقعیتها استوار است .</p> <p>-درین روش هر دو طرف به خاطر رسیدن به توافق به تلاش خود ادامه میدهند.</p> <p>-مسایل و روابط در خور اهمیت میباشد.</p> <p>-ریشه های منازعه از بین برده میشود.</p>

روشهای حل منازعه در زندگی روزمره

کنترول	توجه بیشتر به اهداف	حل مشکل (روش بردبرد)
توجه کمتر به روابط	سازش	توجه بیشتر به روابط
اجتناب	توجه کمتر به اهداف	پذیرش

شیوه های مختلف حل منازعات

منازعه جز زندگی است و ما نمیتوانیم منازعات را از زندگی دور سازیم ولی میتوانیم برای حل منازعات و تغییر منازعات به جهت مثبت از شیوه های مختلف کار بگیریم برای حل منازعات کدام فورمول واحدی وجود ندارد . منازعات مختلف راه های حل مختلف را ایجاد میکند . درین مبحث شیوه های مختلف حل منازعات تشریح گردیده است . تا راه های حل مناسبی انتخاب گردد که عاری از خشونت باشد و نیازمندی طرفین منازعه را بر آورده ساخته، روابط و مناسبات را تقویت نماید . شیوه های که برای حل منازعات استفاده میشود قرار ذیل است:

زور

زور معمولاً خشونت میباشد طوری که یک شخص یا یک گروه نظریات خود را بالای شخص دیگر یا گروه دیگر به زور میقبولاند و جانب مقابل چون ضعیف است قبول میکند . ظاهراً منازعه حل میگردد ، ولی در فکر شخص ضعیف نفرت عمیق پیدا میشود و هر وقتیکه دستش برسد و قدرت پیدا کند ، دو باره داخل منازعه خواهد شد و درغیر آن برای همیشه از او نفرت میداشته باشد. از اینرو شیوه زور را سرکوب منازعه میگویند.

قضاوت

قضاوت زمانی مطرح میگردد که دو گروه درگیر منازعه به مرجع سومی یعنی قضا مراجعه نمایند ، قاضی دارای پشتوانه قضایی

وقانونی بوده بعد از استماع دعوا طرفین به اساس شواهد، حارنوالان وپروسه قضایی مطابق حکم قانون فیصله مینمایند . ممکن از این فیصله یکطرف راضی نباشد و خود را حق به جانب بداند که در نتیجه منتظر فرصت برای گرفتن انتقام میباشد و بعضی اوقات اگر درست قضاوت گردد سبب حل منازعه میگردد.

حکمت

حکمت شیوه دیگری است که به وسیله حکم (شخص متنفذ) عملی میگردد. طوریکه طرفین منازعه به مرجع سومی یعنی حکم مراجعه می کنند . حکم دارای پشتوانه ، مسلکی و مردمی بوده ،دعوی طرفین راشنیده بعد از آن فیصله میکند . به اساس حکمت بعضاً منازعه ظاهراً خاموش ساخته میشود اما ریشه های آن پا بر جا بوده عقده ها به حال خود باقی میماند اگر مشکل طرفین بصورت درست و عادلانه از طرف حکم حل گردد منازعه ودعوی شان نیز حل میگردد.

- میانجیگری

میانجیگری زمانی مطرح می شود که طرفین از شخص یا اشخاص سوم کمک بخواهند تا آنها رابه مذاکره بکشانند . البته در میانجیگری قضاوت ویا داوری صورت نگرفته ، بلکه طرفین منازعه تشویق میگردند تامشکل خود را خود شان حل نمایند ومیانجی صرف زمینه مفاهمه ومذاکره رابین طرفین مساعد میسازد.

مذاکره

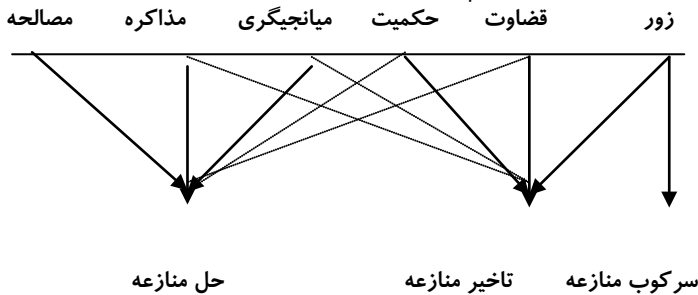
مذاکره بدون موجودیت گروپ سوم صورت می گیرد. هر دو طرف میکوشند تا خود شان مشکلات شان را حل نمایند . اما معمولاً طرف قوی میکوشد تا طرف ضعیف را تحت تاثیر خود بیاورد و راه حل را بروی بقبولاند

مصالحه

درین حالت کوشش میشود تا مشکل طوری حل گردد که روابط طرفین از طریق دریافت حل مشکل به طور سودمند تغییر کند و روابط شان بهتر از گذشته تحکیم یابد .

درین روش طرفین هر کدام تلاش میورزند تا برای منازعه شان راه های حل متعدد را دریافت نمایند و بر ضایت همدیگر راه حل دایمی را انتخاب و تطبیق نمایند .

آشتی : زمانی مطرح میگردد که طرفین تصمیم آگاهانه اتخاذ میکنند تا روابط جدید و خوبتر بنا نمایند . قابل یاد آور نیست که راه های حل منازعه باید همیشه شکل سازنده داشته و همچنان درهنگام حل منازعات باید متوجه بود که منازعات را به صورت ریشه ای تحلیل و بررسی نمایم.



مذاکره

مذاکره بخش مهم زندگی روزمره ما را تشکیل می‌دهد ، به گونه مثال اگر می‌خواهیم خانه رابه کرایه بگیریم ، مجبور هستیم تا بامالک خانه در مورد کرایه وسایر شرایط آن مذاکره کنیم ویا در مورد ارسال اموال تجارتي به خارج ، مذاکره نماییم .

بالاخره هر کس می‌خواهد در تصامیمی سهم داشته باشد که در زندگی بالایش تاثیر دارد . مردم معمولاً تصامیمی را که از طرف دیگران بالای شان تطبیق می‌گردد ، نمی پذیرند .

مذاکره درمورد آنچه از دیگران توقع دارید یک وسیله عمده واساسی است .

درفران عظیم اشآن چنین خطاب گردیده است:

ترجمه : از الله«ج»بترسیدوبه اصلاح آورید آنچه میان شماست (به دلیل وبرهان) (الانفال)

دلیل وبرهان بطور سریع مفهوم مفاهمه ومذاکره رابیان میکند . برای رفع مشکل ویا منازعه با جانب مقابل باید راه تفاهم مثبت را اختیار نمود وبدون ضیاع وقت با اوداخل مذاکره گردیم .و کوشش نمایم تا نتیجه مذاکره عادلانه ، منطقی ، دایمی وقابل قبول برای ماوجانب مقابل باشد .

الف – تعریف مذاکره

باکسی دریک امری گفت وشنود کردن رامذاکرده گویند .

تعریف اصطلاحی مذاکره :

مذاکره عبارت از گفت و شنودی است بین طرفین منازعه (بدون مداخله شخص یا اشخاص ثالث) بخاطر ایجاد تفاهم و رسیدن به یک هدف مشترک .

ب- رهنمود های مذاکره

برای اینکه مذاکره نتیجه موفقانه رادرقبال داشته باشد ، لازم است رهنمود های ذیل رادرنظر بگیریم :

- جهت دریافت راه حل برای مشکل موجود .
 - دربرابر شخص (طرف مقابل) از نرمش کار بگیریم .
 - به نیازمندی ها بیاندهشیم نه به موقف ها .
 - بالای نقطه نظر های مشترک تاکید نماییم .
 - آنچه مورد توافق قرار میگردد ، بسیار واضح بیان کنیم و تحریرداریم .
 - درمدت زمان قبول شده عملی گردد.
 - تحت تاثیر آوردن روش دیگران ، که مربوط میشود به رویه و روش خودما.
 - اگر بایک حریف مشکل تراش ، مقابل باشیم ، سوالات راتغییر داده وحالات حل مشکل رابوجود بیاوریم .
 - درپیداکردن راه های حل مناسب مبتکر باشیم .
-
-

ج- مراحل مذاکره

یک مذاکره عموماً دارای سه مرحله می باشد :

-آماده گی

-صحبت بالای موضوع

-اختتامیه

به مثلث ذیل توجه نموده و آنرا از طرف پایین به طرف بالا تعقیب کنید

مثلث قناعت و خرسندی



مدانیم که اکثراً منازعات در نتیجه تقابل اهداف و یا عدم موافقت بین طرفین روی نیازها و ضرورتها به میان می‌آید که طرفین خواستار برآورده شدن آنها می‌باشند. هر طرف در یک موقف قرار می‌گیرد و به مقابله‌ی پردازد تجارب نشان داده است که هر قدر به موقفها پافشاری گردد خواسته‌ها و نیازها مخفی مانده و حل موضوع مشکل می‌گردد. زیرا خواسته‌ها و ضرورتها در عقب موقفها قرار دارد. بناءً در وقت مذاکره جهت حل مشکل و برآورده شدن نیازهای طرفین اصول کلیدی ذیل مدنظر گرفته شود.

- مردم را از مشکل جدا نمایید.

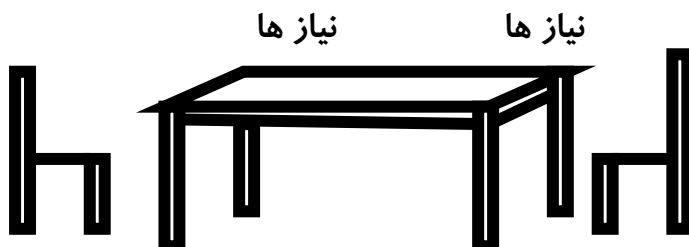
- توجه به برآورده شدن نیازها باشد نه موقفها.

- قبل از فیصله امکانات مختلف حل را جستجو نمایید.

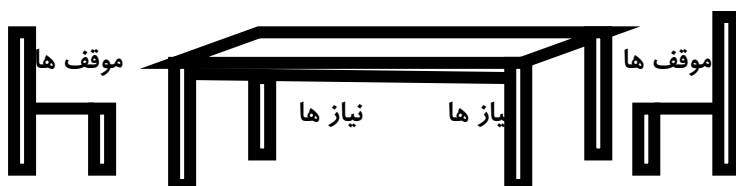
- کوشش نمایید که نتیجه معیاری باشد.

شکل ذیل موقعیت مشکل، نیازها و موقفها را نمایش میدهد که در مراحل مختلف مذاکره موقعیت آنها تغییر مینماید و مشکل حل میگردد.

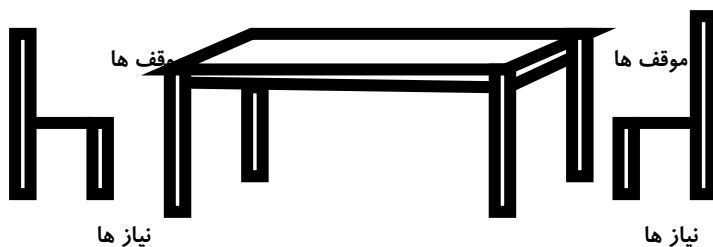
مذاکرات شفاف صحبت روی نیازمندی



مذاکرات موقف گیری و گریز از نیازمندی



مذاکرات موقف گیری و نیازمندی



میانجیگری

میانجیگری عبارت است از مداخله یا شامل شدن شخص یا اشخاص ثالث بخاطر ایجاد تفاهم بین طرفین منازعه تا با هم مذاکره نموده بطور مشترک مشکل شانرا حل نمایند .

میانجیگری آنقدر اهمیت دارد که خداوید«ج» درقرآنکریم به مسلمانان چنین فرموده است :

انماالمؤمنون اخوه فاصلحوابین اخویکم . (سوره الحجرات)

ترجمه : جز این نیست که مومنان برادران اند پس صلح کنید میان دو برادر خود.

از آیت شریف فوق واضح میگردد که صلح آوردن بین طرفین ، حکم خداوند «ج» است . هرگاه میان مسلمانان ولو دونفر هم باشند منازعه ایجاد شود صلح کردن وظیفه اسلامی و اخلاقی ما میباشد. بنابراین نباید بی تفاوت بمانیم هرگاه بی تفاوتی کنیم در حقیقت از حکم خداوند «ج» شانه خالی می نماییم خداوند برای ما حکم فرموده که صلح کنید در میان دو برادر خود اما طریقه های آوردن صلح رابه خود ماسپرده است تا با استفاده از عقل ومنطق خود در پرتو ارشادات دین مقدس اسلام صلح را بین طرفین ایجاد وتقویت نماییم .

حضرت پیامبر اسلام(ص) میفرماید :

کسیکه میان دو گروه اصلاح میاورد الله «ج» برای اصلاح کننده در هر سخن مزد و ثواب غلامی رامی دهد که آزاد کرده باشد . روایت از انس بن مالک (رض)

و در حدیث دیگر آمده است که میفرماید : هر کس برای اصلاح بین مردم به نیت خیر دروغ گوید ، دروغگو نیست . (بخاری)

باید بخاطر داشته باشیم که میانجیگری تنها نصیحت کردن نمیباشد بلکه ضرورت است تامهارت‌های آنرا بیاموزیم و از طریقه های مختلف کار بگیریم .

وقتیکه میانجیگری می کنیم درحقیقت حکم خداوند «ج» را عملی می کنیم که از یکطرف ثواب حاصل می کنیم و از طرف دیگر کینه و کدورت را میان طرفین به صلح و اخوت مبدل میسازیم .

باید متوجه باشیم که میانجی از حکم کردن ، قضاوت کردن و فیصله کردن پرهیزد . میانجی فقط زمینه ، مذاکره و رسیدن به تفاهم را بین طرفین مساعد سازد . اگر خود میانجی قضاوت یا فیصله کند امکان دارد طرفین یا یکی از طرفها آنرا نپذیرد و یا بالای خود تحمیلی فکر کند که در اینصورت امکان ادامه مذاکره و موفقیت میانجی در وظیفه یکه به دوش گرفته ضعیف خواهد شد . هرگاه دریافت راه های حل به ابتکار و رضایت طرفین منازعه صورت گیرد آنها خود را در پروسه راه حل سهیم دانسته در تطبیق آن احساس مسوولیت می نمایند . میانجی باید بیطرفی خود را حفظ نماید و مراحل میانجیگری را مدنظر داشته باشد .

الف- صفات ، مهارت هاو فعالیت های میانجی

میانجی باید باحوصله وفعال باشد و از عقل و منطق خود استفاده درست نماید.

میانجی بایدتیز بین وواقع بین باشد تامشکل اساسی راکشف نماید.

میانجی باید گوشهای شنو داشته باشد یعنی درسطح اول شنیدن قرارگیرد .

میانجی باید خوش گفتار اماکم گفتار باشد.

میانجی باید دست های توانا وخیر رسان داشته باشد .

میانجی باید پایهای استوار ومستحکم برزمین داشته باشد.

میانجی باید موقف طرفین منازعه رادرک نماید .

میانجی باید باطرفین درگیر صحبت های خصوصی وجداگانه داشته باشد وآنها رابرای مذاکره ورسیدن به صلح وآستی تشویق نماید .

میانجی باید خواسته ها ونگرانی های طرفین منازعه رابه یکدیگر انتقال دهد.

میانجی باید مشکل را ملامت کند نه شخص را .

میانجی نباید قضاوت وفیصله نماید.

میانجی باید از طرفین تعهد بگیرد تا در جریان مذاکره از حملات لفظی، ملامت کردن، از گذشته یاد کردن، شکایت کردن، تهدید کردن و امثال آن بپرهیزد.

میانجی باید پیام های منفی طرفین را در جریان صحبت های خصوصی به پیام مثبت تبدیل نماید و به جانب مقابل انتقال دهد.

ب- جریان میانجیگری رویاروی

بیانیه افتتاحیه توسط میانجی

خوش آمدید، معرفی و استفاده از کلماتیکه طرفین مذاکره را تشویق کند.

هدف میانجیگری برای طرفین توضیح گردد.

توضیح جریان میانجیگری و نقش میانجی.

معلومات ضروری در مورد پروسه میانجیگری، وقفه چای، نماز و وقفه های دیگر در جریان مذاکره.

متعهد شدن طرفین درگیر به پروسه میانجیگری

ا ابراز علاقمندی دو طرف در سهمگیری و جستجوی یک راه حل.

قبول کردن میانجی توسط اطراف درگیر.

سپردن تعهد در برابر مقررات وضع شده که شامل راز داری ، قطع نکردن صحبت ها، بکارنبردن کلمات رکیک و غیره .

بیان نمودن موضوعات اصلی منازعه توسط طرفین منازعه بدون

اینکه صحبت هایشان اخلال گردد

هریک از طرفین منازعه بنوبت و بدون اینکه از جانب دیگر اخلال شود ، صحبت نماید.

میانجی باید در مطابقت با مقررات قبول شده ، نحوه وقت تعیین شده برای صحبت ، پروسه میانجیگری را پیش ببرد. میانجی طرفین را بخاطر ابراز حقایق نه به منظور حمله بالای جانب مقابل تشویق نماید.

میانجی نکات مهمی را که طرفین در جریان صحبت های شان یاد آور شده اند ، تکرار و خلاصه کرده تا حقایق واضح شده و جانب مقابل آنرا بخوبی درک نماید.

از طرفین تقاضا گردد تا جملات خشم آلود شانرا متوجه یکدیگر ن سازند.

تشخیص مسایل و تعیین اجندای مذاکره

از بیانیه های ایراد شده ، مخالفتها ، معضلات ، برخورد ها ، و غیره استخراج گردد.

مطابق به اولویت ها و میزان مغلق بودن ، موضوعات دسته بندی گردد.

بالای اجندایی که همه مسایل در آن گنجانیده شده و قرار است حین مذاکرات طرح شوند، موافقت به عمل آید.

ایجاد زمینه مساعد برای تبادل نظر بخاطر یافتن چاره های دیگر

طرفهای درگیر در مورد ضرورت ها و سودمندی های هر مسله ، تشویق گردد.

در صورت ضرورت ، میانجی میتواند جلسات جداگانه با طرفهای درگیر دایر نماید.

برای انتخاب راه های حل ، به خاطر حل مسایل اختلافی از طرفین نظر خواسته شود.

بدون قضاوت کردن راه های حل انتخابی که پیشنهاد میشود فهرست گردد.

یافتن راه های حل

تشخیص ضرورت های مشترک و سازگار.

ارزیابی چاره های دیگر در رابطه به ضرورت ها و علایق دو طرف.

واضح ساختن پیشنهادات ، حرکات مسالمت آمیز و آشتی جویانه هر یک از طرفین.

تشویق طرفین بخاطر ابتکار دریافتن راه های عادلانه و دایمی.

دستیابی به نتیجه نهایی

میانجی نکات موافقتنامه را با طرف های درگیر بررسی نماید.
موافقت طرفین به منظور تغییر رویه شان در برابر یکدیگر و
اقدامات عملی اخذ گردد.

تعیین نوع توافق (تحریری یا شفاهی) در اختیار جناح های
درگیر .

تطبیق موافقتنامه در عرصه های مختلف نظارت گردد.

بیانیه اختتامیه توسط میانجی

موافقتنامه و آنچه را که طرفین بدست آورده اند مورد بررسی
مجدد قرار گیرد.

طرفهای درگیر را بخاطر حل موفقانه معضله تبریک بگویید.
در صورت ضرورت دایر کردن جلسات بعدی و تعقیب
موضوعات واضح گردد.

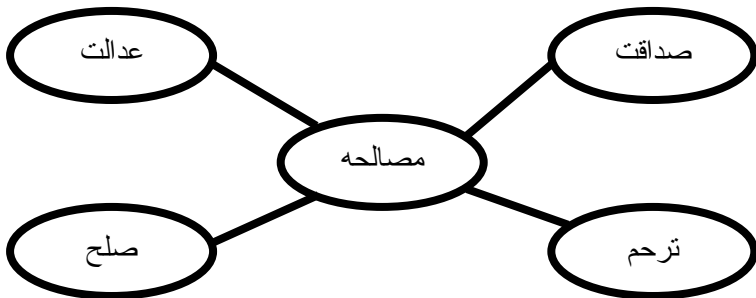
مصالحه

کلمه مصالحه به معنی آشتی کردن و صلح آوردن است که میتوانیم آنرا طور ذیل تعریف نماییم:

تعریف مصالحه: مصالحه عبارت از عملیه است که طرفین بطور رضاکارانه روابط از هم گسیخته شانرا دوباره احیا میکنند.

روابط متضرر شده و یا قطع شده افراد که محصول منازعات و جنگها بوده در نتیجه آشتی مجدد احیا میگردد. آشتی بوجود آورنده روابط انسان است که مردم را با رشته های عاطفی و روانی به یکدیگر پیوند میدهد. جوانب منازعه به وسیله رشته های صداقت، ترحم، عدالت و صلح با هم وصل میشوند که این رشته ها بنام چهار اصل مصالحه یاد میگردد.

الف - چهار اصل مصالحه:



- **صداقت:** یعنی بیان حقایق به شکل صادقانه صورت میگیرد و طرفین از گذشته اظهار ندامت نمایند.

- **عدالت:** اگر برای طرفین ضرر مادی و یا معنوی رسیده باشد، باید اعاده حقوق به طور عادلانه صورت گیرد.

- **ترحم:** اگر یکطرف نمیتواند حقوق جانب مقابل را کاملاً اعاده نماید، برای جانب دیگر لازم است که از ترحم کاربگیرد و بخشش نماید.

- **صلح:** برای مصالحه فضای صلح آمیز و آزادی کامل ضرورت است تا طرفین ازدل و جان یکدیگر را ببخشند و روابط از هم گسیخته شانرا دوباره احیاء نمایند.

برای اینکه مصالحه واقعی صورت گیرد، برای اشخاص متاثر شده از منازعه لازم است تا اهمیت و ضرورت روابط برای زندگی آینده شان را درک نمایند. و از زندگی اندوهناک گذشته اظهار ندامت نموده و برای آینده امید واری نشان دهند.

آشتی در اصل رشته وصل بین پریشانی زمان ماضی و امید های آینده میباشد. اشخاص متاثر شده از منازعه باید باهم بنشینند و آزادانه باهم درد دل نمایند و از غم های خود قصه کنند.

البته تنها دانستن تجارب تلخ همدیگر سبب آشتی نمیشود بلکه تصدیق تجارب تلخ در مقابل همدیگر نیز ضروری است که این عمل موجب درک احساسات طرفین میگردد که در نتیجه سبب اصلاح شخصی و احیاء روابط میگردد که این روابط مفید و دلخواه خواهد بود.

در صورت ضرورت، میانجی‌ها باید برای این مفکوره زمینه‌سازی کنند تا طرفین به آینده خود متوجه شوند و سرنوشت مشترک را پیش چشم مجسم سازند و با در نظر داشت چهار اصل مصالحه با یکدیگر آشتی نمایند، و روابط از هم گسیخته شانرا دوباره احیاء نمایند.

ب - مصالحه از دیدگاه دین مقدس اسلام

خداوند (ج) در قرآن کریم میفرماید:

واصلحو ذات بینکم ترجمه: و صلح بیاورید میان تان.

درین مورد حضرت محمد "ص" میفرماید:

ترجمه: کسیکه در برابر برادر مسلمان خود کینه را اضافه از یکروز نگهمیدارد، حسناش معلق میماند.

از ترجمه آیه شریف و حدیث مبارک بر می آید که برای آشتی کردن و صلح آوردن میان مردم حکم گردیده است که برای ما لازم است که پابند احکام شریعت اسلامی باشیم.

ج - طریقه های مصالحه در جامعه ما

در جامعه افغانی مصالحه به طریقه های مختلف صورت میگیرد که در نتیجه احیاً روابط صورت میگیرد. چند مثال از این طریقه ها قرار ذیل ذکر می شوند:

- کسانی که از همدیگر نا راضی هستند در مراسم خوشی با یکدیگر یکجا میشوند و دو طرف مستقیماً با یکدیگر مصالحه میکنند و یا

هم توسط اشخاص دیگر برای آشتی تشویق میشوند و مصالحه میکنند.

- در ایام عید طرفین بخاطر آشتی به خانه یکدیگر میروند و مصالحه میکنند.
 - با ارسال تحایف زمینه آشتی را مساعد میسازند.
 - با دعوت نمودن از طرف جانبین مصالحه صورت میگیرد.
 - با در نظر داشت احترام به بزرگان مصالحه صورت میگیرد. طوریکه طرفی که سنش خورد است به خانه کسی که سنش بزرگ است جهت مصالحه میرود.
 - چند نفر ریش سفید به خانه کسی که متضرر شده است، جهت مصالحه میروند.
 - کسیکه مرتکب رسانیدن ضرر به طرف مقابل شده است متضرر را جهت مصالحه به خانه خود دعوت مینمایند.
 - زنها برای کسیکه متضرر شده است چادر خود را هموار میکنند و به این طریق مصالحه و بخشش صورت میگیرد.
 - از موضوعات فوق بر می آید که مصالحه ارزش دینی و دنیوی دارد. پس کوشش نماییم که همیشه با مردم روابط نیک داشته باشیم، دیگران را برای احیای روابط شان تشویق نماییم. و در صورت ضرورت برای احیای روابط میانجیگری نماییم تا رضایت خداوند "ج" و بنده گانش را حاصل نماییم.
-
-

د - روشهای مصالحه در کشورهای مختلف جهان

در کشورهای مختلف از روشهای مختلف جهت رسیدن به مصالحه استفاده به عمل آمده. که در ذیل مختصراً به بعضی از این روشها نظری می افکنیم:

جبران خساره: یکی از این روشها است که به پرداخت نقدی ویا جنسی در مقابل خساره برای شخص منبضرر میتوان به مصالحه رسید. این روش گرچه یکی از روشهای ساده و مروج است اما میشود استفاده سوء نیز از این روش صورت گیرد طوری که بعضی افراد با استفاده از سرمایه خویش خساره میرسانند و جبران میکنند بناً این سوء استفاده نه تنها رسیدن به مصالحه با استفاده از ثروت خویش کمک نمینماید بلکه میزان جرایم در اجتماع افزایش مییابد .

انداختن ملامتی بالای جناح سوم : روش دیگری است که سبب میشود ، با انداختن ملامتی بالای جناح سوم ، جناح اول و دوم یعنی طرفین منازعه به مصالحه برسند اما با جناح سوم که ملامتی به آن انداخته شده ، احتمال کاهش روابط میرود.

معذرت خواستن : روش دیگری است که یکی از بهترین روشها است مشروط بر آنکه اغراض منفعت جویانه در آن نهفته نباشد. و این روش روی اصول صداقت ، طرح وعدلت استوار باشد.

حقوقی : روشی است که طرفین با مراجعه به مراجع حقوقی به منازعه خویش خاتمه می بخشند اما این روش به ندرت میتواند بین طرفین

مصالحه را ایجاد نماید چون به شواهد و اسناد متکی است و احساسات فردی را در نظر ندارد. و از جانب دیگر مجرم را مجازات مینماید اما بعضی اوقات به فرد متضرر توجه نمیشود. و از جانبی هم در جریان مجازات برای مجرم احتمال پیدایش عقده متصور است که باعث منازعات بعدی خواهد شد.

روش بودیزم: روش دیگری که در بعضی کشورها به کار میرود ، در این روش تمام افراد اجتماع مانند ساکنان یک کشتی محسوب میشوند که هر گاه فردی مرتکب جرم میشود تمام افراد که با وی ارتباط دارند مسئول شمرده میشوند چون در قسمت تریه این فرد توجه نداشته اند. این روش با مثال کشتی سوراخ و ساکنان آن واضحتر میگردد. هر گاه کشتی سوراخ شود باعث غرق شدن همه ساکنان آن میگردد. که همه ساکنان کشتی مطابق مسئولیت اجتماعی و وظیفوی که دارند مسئول غرق شدن کشتی هستند که چرا در رفع این نقیصه توجه نکرده اند. بطور خلاصه این روش بیشتر به اخلاق فردی توجه دارد و میخواهد با رشد اخلاق فردی به اخلاق اجتماعی متصل شده به مصالحه برسند.

روش افریقای جنوبی (روش کمیسیون حقیقت جوئی): این روش که بنیان گذاران آن نلسن ماندیلا و دیکلرت میباشد کمیسیونی را به وجود آوردند و از طریق این کمیسیون خساراتی که به همدیگر رسانیده بودند واضحاً بیان میداشتند و از آن نتیجه گرفتند که عملکرد های گذشته شان چه سود و زیان داشته است. (رسیدن به مصالحه از طریق اظهار حقیقت).

روش تجلیل از روز ماتم مشترک (روزندامت مشترک): این روش در بعضی از کشورها مروج است که روزی را به نام ماتم مشترک یاد نموده و مردم باگردهمایی‌ها از آن یاد نموده و در این روز همه از خسارات مادی و معنوی که در جریان جنگ دیده اند یاد آوری مینمایند، مانند ازدست دادن فرزندان، تعداد بیوه‌ها و یتیم‌ها، از بین رفتن افراد متخصص، داکتران، انجینیران، معلمین..... و خسارات دیگر گذشته‌ها ندامت میکشند.

روش اعمار مجدد: در این روش یک تعداد افراد سرمایه دار سرمایه خویش را در اختیار مردم میگذارند و از طریق مصروفیت و بلند بردن سطح اقتصادی مردم بخصوص افراد مسلح به مصالحه میرسند.

روش پانا پانا: این روش شکل پیشرفته بودیزم است که با بیدار ساختن ذهن فرد در قسمت جرمی که انجام داده به مصالحه میرسد. در این روش نیز افرادی که با مجرم ارتباط دارند همه مسئول شناخته میشوند مثلاً معلم که درس را آموزش داده مسئول است چون نتوانسته در سلوک وی تغییر مطلوب وارد نماید.

روش ابتکاری: روش دیگری است که افراد با ابتکار بین طرفین مصالحه مینمایند. که نمونه‌های بارز آن در سطوح مختلف اجتماع به وضاحت به مشاهده میرسد. و بهترین مثال آن ابتکار حضرت محمد(ص) در منازعه حجرالاسود میباشد.

بخش دوم

آگاهی خودی

آئینه شخصیت :

شخصیت عبارت از مجموع خصوصیات ، عادات ، سلوک و طرز فکر ، سطح دانش و دیگر اوصاف ذاتی و معنوی یک انسان میباشد.

آئینه شخصیت به ما کمک میکند که شخصیت خود و دیگران را صلح آمیز بسازیم . آئینه شخصیت چهار بخش دارد: ساحه آشکار ، ساحه کور ، ساحه مخفی و ساحه تاریک.

ساحه آشکار:

ساحه آشکار شخصیت ما هم به خود ما معلوم است وهم بدیگران. بطور مثال: شغل و عمل کرد های ظاهری ما که برای خود ما و دیگران معلوم است.

ساحه کور:

ساحه کور شخصیت ما به خود ما نامعلوم است اما بدیگران معلوم است.

بطورمثال ما حرفهای دیگران را به علاقه مندی گوش نمی کنیم و خود ما زیاد حرف میزنیم. این عیب برای خود ما معلوم نمی شود اما برای

دیگران معلوم است. پس ما باید در مورد خود از دیگران معلومات بگیریم تا ساحه کورشخصیت خود را برای خود آشکارسازیم و دررفع نواقص خود بکوشیم.

ساحه مخفی:

ساحه مخفی شخصیت ما به خود ما معلوم است اما به دیگران معلوم نیست.

بطورمثال وضع اقتصادی ما خوب نیست اما به دیگران طوری نشان میدهیم که بسیارپولدار هستیم اگر ساحه مخفی شخصیت خود را آشکارنسازیم، ممکن است دیگران روزی ازوضع اصلی ما خبر شوند و آنوقت نزد آنها دروغگو وبی اعتبار معرفی میشویم.

ساحه تاریک:

ساحه تاریک شخصیت ما نه به خود ما معلوم است و نه به دیگران، درین ساحه استعداد ها و ظرفیت های نهانی شامل میگردد. خلاصه اینکه هرگاه ساحه آشکارشخصیت ما وسیع شود ما بطرف صلح وهمکاری نزدیک میشویم واگر ساحات دیگرشخصیت ما وسیع شود ما را بطرف منازعه وجارو جنجال میکشاند.

طوریکه میدانیم عیب ونقص خودرا خود ما دیده نمی توانیم اما درصورتیکه ازدیگران خواهش کنیم حتماً برای ما خواهند گفت و ما باید در صدد اصلاح شویم. به همین ترتیب دیگران نیز نمیتوانند تمام نکات ضعیف خود را بدانند پس برای ما لازم است بطور دوستانه و

خصوصی نکات ضعیف شانرا برای آنها بگوییم. تا ساحه آشکار شخصیت شان بزرگ شود. برای بزرگ ساختن ساحه آشکار به مفاهمه ضرورت داریم برای اینکه مفاهمه درست با دیگران نماییم باید فضای اعتماد رابه وجود بیاوریم تا دیگران بتوانند بدون تشویش و هراس نظریات خود را بگویند.

معلوم به

معلوم به

دیگران

دیگران

نامعلوم
بشخص

معلوم به
شخص

نامعلوم
بشخص

معلوم به
شخص

نامعلوم به

نامعلوم به

دیگران

دیگران

ساحه آشکار	ساحه کور
ساحه مخفی	ساحه تاریک

هرگاه ساحه آشکار شخصیت انسان وسعت پیدا کند
ساحات دیگر را تحت تاثیر خود قرار میدهد یعنی تمام
نواقص و کمبودی های که در وجود ما است اصلاح
میگردد زمینه اعتماد ایجاد گردیده دوستی و صمیمیت
بوجود میآید.

خودبینی و اجتماع بینی

انسان در مرحله، کودکی چنان تصور مینماید که تمام جهان

در خدمت اوست لذا از دیگران توقع مینماید تا تمام خواسته ها و آرزوهایش را برآورده سازند. تقریباً تمام کودکان دارای همین خصلت میباشند. آنها در مورد همکاری آداب، مقررات، مسئولیت ها و.... چیزی نمیدانند و تنها به خود توجه دارند و بخود می بالند و دیگران را خدمتگار خود میپندارند.

متأسفانه تعدادی از انسان ها از لحاظ جسمی رشد میکنند اما از لحاظ ذهنی خود را در همان مرحله کودکی نگه میدارند، یعنی خود بین میباشند که باعث منازعات خانواده گی و اجتماع میگرددند. آنها نه تنها خود بلکه اطرافیان خود را نیز در منازعه و جار و جنجال ها در گیر میسازند. اینگونه اشخاص همیشه متوجه منافع شخصی و نفسی خود بوده منافع و حقوق دیگران را نا دیده میگیرند. آنها اغلب اوقات حالت خطرناک تری را بخود میگیرند طوری که تنها به منافع شخصی، خانواده گی و قومی خود می اندیشند اما منافع اجتماعی و ملی را نا دیده میگیرند. این اشخاص همواره از دیگران توقعات زیاد میداشته باشند. این نوع انسان ها مانند جرعه آتش هستند که در همه جا شعله های آتش منازعه را مشتعل میسازند زیرا دارای مزاج طفلانه میباشند.

هر گاه انسان در مرحله خود بینی قرار داشته باشد باید هر چه زود تر خود را نجات بدهد در غیر آن تا آخرین مرحله زنده گی در حالت خود بینی خواهد ماند . بهترین راه بیرون رفت از این مرحله مفاهمه سالم با دیگران و تفکر در مورد تعلقات خود با دیگران میباشد و اینکه این تعلقات یا روابط چه اهمیت و ارزش برای ما و اطرافیان و اجتماع ما را در بر دارد.

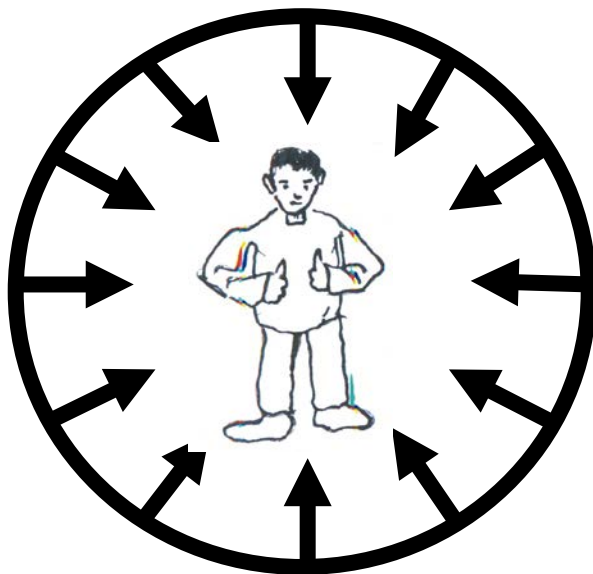
بطور مثال ما به خانواده متعلق هستیم و دارای حقوق و مسوولیت هایی میباشیم. علاوه بر آن اعضای خانواده از ما توقعاتی دارند . به همین ترتیب در مورد داشتن روابط با اهالی منطقه خود فکر نماییم و مسوولیت های خود را در برابر آنها مد نظر داشته باشیم . به همین ترتیب در برابر اداره، همسایگان، اقارب، دوستان و بالاخره هموطنان مسوولیت های خود را ادا کنیم. علاوه بر آن ضروریات، موقف ها و احساسات دیگران را درک کنیم. با توجه و تطبیق این موضوعات ما از حالت خود بینی بیرون میشویم و به حالت اجتماع بینی یا صلح میرسیم. که زمینه همکاری، اعتماد، اتحاد و اخوت مساعد میگردد. حتی می توانیم پا به فراتر بمانیم و در مورد جهانی که در آن زیست مینماییم تفکر نماییم ، تا مانند مخترعین بزرگ مصدر خدمت به جهان گردیم و نام ملت و میهن خود را در سراسر جهان درخشان سازیم.

خلاصه اینکه با مفاهمه تفکر سالم در مورد دیگران و اینکه چگونه به آنها مصدر خدمت گردیم میتوانیم از حالت خود بینی خارج گردیم. که

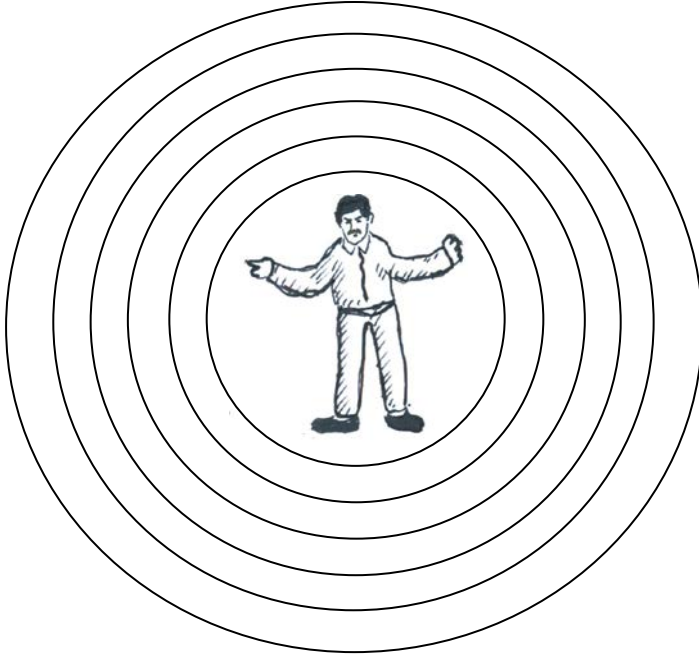
بدین ترتیب نه تنها خود بلکه اطرافیان و اجتماع خود را نیز آسوده و صلح آمیز میسازیم.

در دین مقدس اسلام نیز بطور واضح هدایت داده شده که انسان باید مسوولیت های خود را نا دیده نگیرد. در نظر گرفتن مسوولیت ها بدون شک ما را متوجه اطرافیان و اجتماع ما میسازد که در نتیجه از حالت خود بینی خارج میشویم.

خود بینی



جهان بينى



خود بینی و جهان بینی از دید گاه شاعر

مبری گمان که یعنی به _____ رسیده باشی
تو ز خود نرفته بیرون به کجا رسیده باشی
نه تر نمی نه و _____ دی نه تپیدنی نه جوشی
به خم سپهر تا کی می نا رسیده باشی
سرت اربه چرخ ساید نخوری فریب _____ عزت
که کمان کف غباری به هوا رسیده باشی
به هوای خود سری ها نروی زره که چون شمع
_____ ناز تا ببالد تهی پا رسیده باشی
نگهی جهانوردی قدمی ز خود ب_____ بیرون آر
که ز خود اگر گذشتی همه جا رسیده باشی
(ب_____ دل)

حقوق و وجایب

حقوق جمع حق بوده و حق به معنی عدل و انصاف، ملکیت، حصه، ضد باطل و همچنان حق یکی از نام های باری تعالی است.

در باره حق تعریفات مختلف وجود دارد که یکی آنها چنین است:

حق عبارت است از: تسلط مادی و معنوی یک شخص بر یک شی و یا بالای شخص دیگر. مشروط بر اینکه تسلط مشروع و قانونی باشد. به طور مثال ما از کتابفروشی یک کتاب را خریداری می کنیم پس کتاب حق ماست و ما بالای آن تسلط مادی داریم. تسلط مادی به این معنی که کتاب مادتا و جسمآ در اختیار ما است. می توانیم آنرا نزد خود نگهداریم و یا کسی دیگری را بخشش بدهیم. تسلط معنوی به این مفهوم است که میتوانیم نام خود را در یک گوشه آن بنویسیم تا همه بدانند که کتاب ملکیت ماست و به ما تعلق دارد.

در تعریف حق گفتیم که تسلط باید مشروع و قانونی باشد. اگر خدای ناخواسته ما کتابی را سرقت کنیم و یا به زور حاصل میکنیم در این صورت تسلط مشروع و قانونی نبوده و کتاب حق ما نمیشود. این نوع تسلط در حقیقت تجاوز بر حقوق دیگران بوده که باعث منازعات شدید میگردد.

هرگاه ما حقوق خود را بشناسیم وطریق مشروع وقانونی بدست آوردن حقوق خود را بکاربریم بطرف صلح وهمکاری نزدیک میشویم.

ما باید به حقوق دیگران نیز توجه داشته باشیم و آنرا احترام کنیم. زیرا همانطوریکه حقوق و منافع ما برای ما اهمیت دارد حقوق و منافع دیگران نیز برای آنها دارای اهمیت میباشد. هرگاه حقوق دیگران را نادیده بگیریم و یا بر حقوق دیگران تجاوز کنیم زمینه برای منازعه مساعد میگردد.

ما باید متوجه باشیم که علاوه بر حقوق دیگران وجود ما هم بالای ما حق دارد حضرت محمد (ص) میفرماید: ان لبدنک الحقا. ترجمه: به تحقیق اعضای بدن شما بالای تان حق دارد.

نظر به حدیث شریف میتوانیم از اعضای بدن خود استفاده درست کنیم که حقوق آنها را ادا کنیم اگر استفاده نادرست کنیم بر حقوق آنها تجاوز میکنیم به طور مثال اگر از زبان خود به خاطر غیبت، تهمت، شیطانی، تمسخر و توحین دیگران استفاده کنیم علاوه از اینکه حقوق اعضای بدن خود را مراعات نکرده ایم بر حقوق دیگران نیز تجاوز کرده ایم.

الله (ج) میفرماید: (لقد کرمتنا بنی آدم) ترجمه: به تحقیق ما انسان را کرامت دادیم نظر به آیت شریف الله (ج) برای ما حق اشرف المخلوقات بودن و کرامت داشتن را اعطا کرده است.

پس ما باید از حقوق اعطا شده قدر دانی کنیم و کاری نکنیم که به دیگران ضرر برسد و باعث منازعه و جوارو جنگال گردد.

موضوع دیگر وجیبه است. وجیبه که جمع آن وجایب است به معنی مکلفیت، مسوولیت و وظیفه و غیره می باشد وجیبه تعریف های مختلف دارد که یکی آن چنین است.

وجیبه عبارت از وظیفه و مکلفیت انسان است در برابر خودش و دیگران ما باید وجایب خود را بشناسیم و به صورت درست ادا نماییم تا از منازعات جلوگیری شود.

اما متأسفانه در اجتماع ما همیشه بالایی حق خود زیاد فکر میکنیم و بالایی اجتماع دولت خانواده خود تأکید به اعاده حقوق میباشیم. این کار بجا است اما متأسفانه که هیچ یک ما متوجه وجایب خود نیستیم و اکثر در مقابل فامیل اجتماع دولت و جهان وجایب خود را فراموش میکنیم. حقوق و وجایب در حقیقت مکمل همدیگر اند در صورتیکه هر دو مساوی به پیش نرود. فراموش نمودن وجایب توسط دیگر حقوق ما پایمال میگردد و در صورت فراموش کردن وجایب توسط خود ما حقوق دیگران پایمال میگردد.

بخش سوم

صلح

الف - تعریف صلح:

صلح عبارت از فضای آرامش جامعه است که دران مصئونیت ، عدالت و آزادی از طریق همکاری افراد جامعه تامین شده باشد.

صلح کلمه عربی بوده و تقریباً دارای یازده معنی ذیل میباشد:

نفع و فایده

لیاقت

حسن و خوبی

استعداد و کفایت

اصلاح نواقص و کاستی ها

خوبی و خیراندیشی و انجام عمل شایسته

آسایش و نعمت

کثرت چیزی

آشتی

اتحاد و اتفاق

آتش بس

درقرآن مجید کلمه صلح به معنی یازده گانه فوق آمده است. دریجا بحث ما درباره صلح و آشتی، اتفاق و آتش بس است و این هدف آنگاه برآورده میگردد که همه افراد جامعه اصلاح را ازخود غاز کرده و آنچه‌ها را ازخود بدور افکنند که مایه فساد بوده سبب اختلاف، بد بینی و جنگ میشود.

صلح که اساس زندگی بشر را تشکیل میدهد دربر گیرنده یک عده معیار های اخلاقی، ارزشها و حقایق زندگی بوده صرف منحصر به توقف جنگ و خاموشی جنگ نیست.

تعریف ساده و مختصر صلح عبارت از "عدم موجودیت خشونت با تمام ابعاد آن میباشد".

فقه های اسلامی تعریف های متعددی را برای صلح ارایه کرده اند. زیرا ایشان صلح را در رابطه به جنبه های مختلف منازعه تعریف نموده اند. مثلاً صلح در معاملات اقتصادی، صلح در امور خانوادگی، صلح روی ارزشها و غیره و منجمله در رابطه به صلح در هنگام جنگ از نظر علمای دین مبین اسلام تعریف های ذیل وجود دارد:

"صلح در اصطلاح قطع جنگ و تغییر حالت منازعه و پایان دادن به

اختلاف میباشد بشرطیکه تحت عنوان صلح صورت گیرد"

ویا "صلح عهد و پیمانی را گویند که بوسیله آن جنگ و منازعه پایان میابد چه منازعه لفظی باشد و چه جنگ مسلحانه".

- صلح عبارت از فضای آرامش جامعه است که در آن مسئولیت، عدالت و آزادی از طریق همکاری افراد جامعه تامین شده باشد.

- صلح عبارت از موجودیت روابط حسنه، شرکت فعال و همکاری میان افراد و گروه ها برای بدست آوردن اهداف سالم مثل عدالت، امنیت و آزادی.

- صلح عبارت از طرز تفکر واحدین افراد و گروه های متحرک و بااراده میباشد که در جستجوی حفظ ارزشهای امنیت، عدالت و آزادی میباشد.

صلح موضوع بلند تراز قطع جنگ و خاموشی است صلح بخشی اهم فلسفه زندگی است که دربر گیرنده یک عده معیارها و ارزشهای اخلاقی و حقایق زنده گی میباشد.

ب - مفهوم صلح:

خصلت خشونت جوئی از یکسو و در صلح و آرامش زیستن از سوی دیگر صفت های متضادی اند که همانند یکعده استعداد های دیگر در فطرت انسان نهفته است. و این عوامل محیطی اند که گاهی یک جنبه و گاهی جنبه دیگر را تبارز میدهند.

به نظر عوام و حتی به نظر یکعده از متفکرین صلح به نبودن جنگ های مسلحانه اطلاق میشود زمامداران دولتی و صاحبان قدرت حاکمه نیز جنگ را به نبود صلح تعبیر میکنند. ایشان میخواهند تا مکلفیت خود را در امر تامین صلح انجام یافته تلقی کنند اما باید خاطر نشان ساخت که

صلح تنها سکوت و خاموشی مردم نیست بلکه دارای یک عده خصوصیات دیگر نیز میباشد که در موجودیت آن میتوان گفت صلح تامین شده است. یعنی تنها اینکه زندگی انسانها بوسیله تفنگ مورد تهدید قرار میگیرد بلکه اشکال دیگر تشدد اجتماعی نیز موجب تهدید حیات انسان میگردد.

هرگاه در یک نظام اجتماعی تشدد وجود داشته باشد، کسی جرئت ابراز نظر را ندارد، در آنصورت منابع نعمت های مادی در اختیار صاحبان قدرت قرار خواهد گرفت، عدالت اجتماعی زیر پا خواهد شد و صد ها حق تلفی دیگر بوجود خواهد آمد اما با همه اینها کسی جرئت نخواهد کرد صدای اعتراض خود را بلند کند که اینگونه خاموشی صلح نیست زیرا نتایج بعدی چنین نظام اجتماعی بازهم منازعه و گرم شدن آتش جنگ خواهد بود.

صلح سمت مخالف منازعه است. تبدیل منازعه به مصالحه، مستلزم در نظر داشت نکات آتی میباشد:

- باید ریشه های منازعه جستجو شود و رنه روابط حسنه ایجاد خواهد شد.
 - بخاطر تامین صلح جامع و همه جانبه باید تمام جوانب ذیدخل در منازعه سهم بگیرد.
 - بخاطر تامین صلح باید نیازهای اساسی طرفین منازعه در نظر گرفته شود. مثل احترام به شخصیت، موقف و هویت شان.
-
-

- تبدیل روابط از حالت منازعه به مصالحه مستلزم موجودیت عملیه عادلانه ، صادقانه و شفاف میباشد.

ج - اهداف صلح:

هدف اساسی صلح همانا از بین بردن خشونت با تمام ابعاد آن در جامعه است.

دسترسی به صلح سبب تامین آرمانهای ذیل در جامعه میگردد:

- ایجاد روابط حسنه - جلوگیری از سلوک منفی.

- حفظ هویت - ایجاد احترام متقابل

- همکاری بخاطر ایجاد فضای سعادت مند.

د - اصول تطبیقی تامین صلح:

صلح در مقابل منازعه جنبه طبیعی زندگی را تشکیل میدهد.

جنگ و خشونت عملی است که با هیجانات همراه میباشد اما روحیه

صلح ، محصول عقل و منطق بشر است. زمانیکه یک جامعه درگیر جنگ

میگردد آنگاه آرزوی زندگی صلح آمیرا در سر میپروراند و صلح را

ضرورت مبرم حیاتی میداند و برای رسیدن به صلح تلاش میکند، این

تلاش ها زمانی موثر تمام میشوند که در زمینه قدم های اصولی

برداشته شود. دانشمندان مسلکی اصول ذیل را بخاطر تامین صلح

مطرح نموده اند که امکان دارد با بکاربرد آن صلح در جامعه دوام پیدا

کند.

ه - سه عنصر اساسی صلح:

صلح سه عنصر اساسی دارد. این سه عنصر عبارت از مصئونیت، عدالت و آزادی میباشد.

- **مصئونیت:** مصئونیت معانی مختلف دارد که یکی از آن درامن بودن است. یعنی هرگاه مصئونیت نباشد، زندگی انسان به خطر مواجهه میباشد. رویه خشن یکی از اعضای خانواده مصئونیت را در خانواده از بین میبرد. زیرا همه احساس ناآرامی میکند بنابراین مصئونیت از جمله ضروریات اصلی و اساسی انسان میباشد.

- **عدالت:** عدالت مفهوم وسیع دارد، اما بطور ساده عدالت عبارت از عدل و انصاف میباشد. پس زمانیکه عدل و انصاف موجود باشد، روابط انسانها حسنه بوده، باهم همکاری مینمایند و مساوات در بین شان ایجاد میگردد. هرگاه ما به تمام همکاران خود یکسان احترام نداشته باشیم، یعنی یکتعداد را زیاد احترام کنیم و تعدادی دیگری را کم احترام کنیم، در حقیقت در اداره عدالت را مراعات ننموده و به این ترتیب فضای صلح آمیز اداره را به هم زده ایم.

- **آزادی:** معنی لغوی آزادی عبارت از آزاد بودن در کارها (کارهای

مشروع) میباشد. آزادی برای انسان ارزش و اعتبار میدهد تا بحیث اشرف المخلوقات مقامش را در جامعه بشناسد. آزادی باید داخل یک چوکات معین و اسلامی باشد، تا باعث اخلاص دیگران نگردد. خلاصه اینکه مصئونیت، عدالت و آزادی ضروریات معنوی انسان است. اکنون

که مفاهیم مصئونیت ، عدالت و آزادی واضح کردید بهتر خواهد بود تا
پروسه صلح را چنین بیان نمائیم.

پروسه صلح

پروسه صلح شامل مراحل ذیل میباشد:

. **ایجاد صلح:** درین مرحله سعی و کوشش مینمائیم تا نزاع را
در بین طرفین درگیر متوقف سازیم و ایشانرا به صلح و آشتی
تشویق نمائیم.

مثال: دونفر باهم در نزاع و کشمکش اند. ما نزاع شانرا توقف
میدهیم و آنها را به صبر و تحمل و عدم برخورد مجدد تشویق
مینمائیم. که همین مرحله را ایجاد صلح میگویند.

. **حفظ صلح:** حفظ صلح در حقیقت نظارت میان طرفین است
که آیا با توافق صلح پابندی دارند یا خیر و روحیه آشتی بین
شان ایجاد شده است؟ درین مرحله کوشش مینمائیم تا
منازعه دوباره میان شان تکرار نشود و صلح موجود حفظ گردد.

. **اعمار صلح:** عبارت از مرحله ایست که در حقیقت در صلح
حقیقی یا کامل میرسیم. یعنی روحیه همکاری و برادری را
دوباره در بین طرفین ایجاد نموده قلبها را با رشته صلح و
اخوت پیوند میدهیم. ضرور نیست که ما پروسه صلح را
باساس نوبت یعنی اول ایجاد صلح، حفظ و در اخیر اعمار صلح را

همیشه تطبیق کنیم بلکه میتوانیم اول از حفظ صلح ویا
از اعمار صلح آغاز نمائیم به این معنی که امکان دارد در قریه یا
در منطقه ما جنگ وجود نداشته باشد تا ایجاد صلح یا حفظ
صلح را تطبیق کنیم ، بلکه بد بینی، خصومت وامثال آن وجود
داشته که در چنین حالات ما باید در اعمار صلح آغاز نمائیم.

صلح نسبی و صلح کامل

الف - صلح نسبی (مؤقتی):

بعضی هافکر میکنند که هر گاه جنگ نباشد، پس صلح وجود دارد.
اما حقیقت آنست که هر گاه جنگ نباشد، اما عوامل دیگر مانند بد
بینی، بی اعتمادی، انتقام جوئی، عدم همکاری و غیره موجود باشد،
پس در آنجا صلح نسبی وجود دارد نه صلح کامل و حقیقی. هر گاه
صلح نسبی به صلح کامل تبدیل نشود و بهمان حالت دوام کند
بالاخره به برخورد فزیزی و جنگ مصلحانه تبدیل میگردد.

ب - صلح حقیقی (کامل):

صلح کامل آنست که علاوه بر نبودن جنگ عوامل دیگر آن مانند
بی اتفاقی، ظلم، عذاب، تعصب، انتقام جوئی، غیبت، کدورت وامثال
آن از بین برود و جایش را دوستی، صمیمیت، برادری، احترام،
همکاری واتحاد بگیرد و روحیه عفو واحساس همکاری بین طرفین

تقویه گردد. این کار زمای میسر است که ما پروسه صلح را از خود و از خانواده خود آغاز کنیم.

اگر در یک صنف یا خانواده صرف جنگ نباشد فکر میکنیم که صلح حقیقی است در حالیکه این حالت یک صلح نسبی را نشان میدهد. پس صلح حقیقی وقتی برقرار میگردد که ریشه های بد بینی ، انتقام جوئی و کینه برچیده شده و نهال دوستی ، همکاری ، برادری و اعتماد آبیاری و پرورش داده شود.

صلح را از کجا آغاز کنیم؟

ضرور است تا در قدم اول صلح را از خود آغاز نمائیم. یعنی خود سازی در چوکات صلح و اخوت مهم ترین و اساسی ترین گامی است بطرف صلح و همکاری. تازمانیکه خود را اصلاح نسازیم نمیتوانیم دیگران را اصلاح نمائیم. وعظ و نصیحت ما زمانی بردیگران تاثیر میگذارد که ما خود عامل آن نصایح باشیم. یکی از اهداف اساسی دین مقدس اسلام اصلاح جامعه از طریق اصلاح فرد میباشد. پیغمبرانیکه دیگران را براه فلاح ، رستگاری، اخلاق نیکو، خیراندیشی و سایر صفات نیکو دعوت کرده اند خود آنها نمونه و عامل آن صفات بوده اند.

بطور مثال حضرت محمد(ص) نمونه اخلاق عالی و جمیع صفات نیکو بوده اند ما نیز که اطرافیان و هموطنان خود را به صلح و آشتی

دعوت میکنیم. باید خود ما در قدم اول به حیث الگو و نمونه صلح در اجتماع تبارز نمائیم. صلح آمیز شدن ما باعث میشود تا صلح در خانواده، محیط و بالاخره در اجتماع مایجاد گردیده استحکام یابد.

مهارت های صلح آمیز شدن

مهارت های افهام و تفهیم درست را بیاموزیم و عملی نمائیم. منازعات را نادیده نگیریم یعنی در جستجوی راه حل عادلانه و قابل قبول آن باشیم. بخود اجازه ندهیم تا در مورد دیگران تصورات و برداشت های نادرست داشته باشیم. نباید از دیگران توقعات بیجا و بی مورد داشته باشیم. آداب اجتماعی را مراعات نمائیم. در گفتار و عملکرد خود از ابراز خشونت جلوگیری کنیم. نیازمندیها و منافع دیگران را نادیده نگیریم. خود را در موقف دیگران قرار دهیم. حقوق و مسولیت های خود و دیگران را بشناسیم. از مزاح های بیجا و سخن های بیهوده پرهیز نمائیم. نظریه حدیث نبوی (ص) از چهار صفت ذیل که علایم منافقت است باید جداً پرهیز نمائیم، دروغ، غیبت، خیانت در امانت، وعده خلافی.

چطور صلح را از خود، خانواده و اجتماع خود آغاز کنیم ؟

الف - اصلاح خودی :

- با تقوا و با حوصله باشیم و توسط دست و زبان خود به دیگران ضرر نرسانیم .
- عدالت را در نظر بگیریم ، حقوق و وجایب خود را بشناسیم و به قانون احترام کنیم .
- به اطفال شفقت و به بزرگان احترام داشته باشیم و از اعمال نیک دیگران تقلید نماییم .
- عیب دیگران را در وجود خود بیالیم و انتقاد پذیر باشیم .
- تعصبات قومی ، نژادی منطوقی و لسانی را کنار گذاریم .

ب - اصلاح خانواده :

- تعلیم و تربیه اسلامی را در فامیل تقویه نماییم .
 - پلان کاری روزمره داشته باشیم و نظم را در خانه تامین نماییم .
 - نظریات اعضای فامیل را در امورات زندگی در نظر بگیریم .
 - احترام خورد و بزرگ را در نظر گرفته فضای صمیمیت را ایجاد نماییم .
 - خالیت های ساعته اعضای فامیل را زیر نظر داشته باشیم .
-
-

ج - اصلاح اجتماع :

- باهالی منطقه درمسجد ، مکتب و محل کار روابط نیک راتامین نماییم .
 - درمقابل وجایب خود احساس مسوولیت تماییم وبه حقوق دیگران احترام بگذاریم .
 - از رسانیدن ضرر خودداری نماییم ودرمقابل ناملایمات گذشت داشته باشیم .
 - از تعصب و خشونت پرهیز نماییم .
 - در تصمیم گیری اجتماعی بامردم مشوره نماییم ودر حل منازعات از روش های صلح آمیز استفاده کنیم .
-
-

صلح از دیدگاه همه

- مادر گوید : صلح زیباترین آرزووارمان است .
- معلم گوید : صلح کتاب سعادت انسان است .
- متعلم گوید : صلح مضمون زیبا و جاویدان است .
- داستان نویس گوید : صلح بهتر از هزار داستان است .
- داکتر گوید : صلح علاج درد آوارگان است .
- باغبان گوید صلح خوشبو تر از یاسمین و ریحان است .
- حقوقدان گوید صلح بهترین حق برای انسان است .
- زرگر گوید : صلح زیباتر از لوگو و مرجان است .
- کیمیادان گوید : صلح کیمیای سعادت انسان است .
- جهان گرد گوید : صلح مبدأ و اساس جهان است .
- فضانورد گوید : صلح فضای زیبا و بیکران است .
- متصوف گوید : صلح شعار زنده دلان است .
- قانوندان گوید : صلح حفاظت از حقوق انسان است .
- دهقان گوید : صلح دارای حاصل فراوان است .
- عبدالله گوید : زندگی بی صلح همچو زندان است .
-
-

ضمائم

ضمیمه (الف -)

نمونه ای از پلان ورکشاپ
در مورد بخشی از (مصالحه و میانجگری)

مواد	میتود	هدف	مندرجات	مدت
OHP1- OHP2- تخته مارکر فلپ چارت	<p>بعد از گرفتن عنوان مصالحه به طریقه خاص دلخواه شما کلمه مصالحه را روی تخته بنویسید. از اشتراک کننده گان بپرسید که آیا کدام وقتی شده که با یکی از دوستان تان در منازعه قرار گرفته باشید و مدت زیاد همرايش صحبت نکرده باشید؟ بعد از گرفتن مثالها بپرسید: همین یکجا شدن دوباره را چه مینامند؟ (آشتی، مصالحه) کلمه مصالحه را روی تخته نوشته معانی لغوی آنرا از اشتراک کننده گان بدست آورده به اطراف کلمه مصالحه بنویسید! به مصاحبه ادامه دهید. بعد از گرفتن نظریات ترانسپرنسی مصالحه را به نمایش گذاشته روی چهار اصل مصالحه مباحثه نمایید. در اخیر تعریف مصالحه را از اشتراک کننده گان اخذ نموده سپس ترانسپرنسی تعریف مصالحه را به نمایش گذاشته مرور نمایید. موضوع را به کار عملی محول</p>	<p>بلند بردن سطح آگاهی بهره مندان در قسمت مصالحه و عملکرد به آن</p>	<p>مصالحه</p>	<p>دقیقه</p>

	<p>سازید.</p> <p>اولاً یک ورق که در آن کلمه آشتی تحریر شده به روی تخته نصب نمایید و بعداً روی آنرا با کاغذ پنهان نمایید.</p> <p>چهار ورق که در آن اجزا و یا اصل های مصالحه تحریر شده به چهار تن از اشتراک کننده گان که در ورکشاپ حضور دارند داده شود و گفته شود که در جای خویش ایستاده شده و اشتراک کننده گان نظر به انتخاب خویش پهلوی هر یک از آنها قرار گیرد و اشتراک کننده که ورق اجزای مصالحه را در دست دارد میخواند که این اصل چی را به وجود میآورد و در اخیر خواندن آنها سوال شود:</p> <p>اگر صداقت باشد و ترحم نباشد چطور میشود (نظریات اشتراک کننده گان اگر ترحم باشد اما عدالت نباشد چی وجود میآید؟ اگر صداقت و ترحم باشد اما صلح نباشد چطور میشود؟ (نظریات مشترکین) در اخیر از اشتراک کننده گانیکه اوراق مصالحه در دست های شان است خواهش نمایید که در وسط ورکشاپ یکجا</p>			
--	---	--	--	--

<p>جمع شوند و از تمام اشتراک کننده گان نیز تقاضا نمایند هر فرد به نزد شخص برود که قبلاً آنرا انتخاب نموده است. اینجاست که همه با هم مدغم میشوند.</p> <p>سوال شود:</p> <p>از این کار عملی چه نتیجه گرفتید؟ نتیجه میگیریم که در صورت نبودن یکی از اصول مصالحه، مصالحه به وجود آمده نمیتواند.</p> <p>بعد از اخذ نظریات خواهش نمایید که ورق ها را به اطراف ورق آشتی که قبلاً نصب شده است نصب نمایند و از آنها سوال شود:</p> <p>در صورت بودن این چهار اصل چی به وجود میآید؟</p> <p>کوشش شود که کلمه (آشتی) از آنها گرفته شود و بعد از گرفتن کلمه آشتی روی ورق را باز میکنیم و کلمه آشتی را آشکار میسازیم. از همه تشکر نموده و موضوع را جمعبندی مینماییم.</p>			
---	--	--	--

مواد	میتود	هدف	مندیگرا	مدت
OHP1- OHP2- - مارکر - تخته	<p>از دو تن از اشتراک کننده گان خواهش نمایید که یک صحنه از منازعه را طبق خواست خویش تمثیل نمایند. و از یکتن از اشتراک کننده گان تقاضا نمایید که هر گاه منازعه بین آنها شدید شد در بین آنها دخالت نمایند و آنها را دعوت به آرامش و حوصله مندی نمایند.</p> <p>بعد از مباحثه پیرامون تمثیل و گرفتن عنوان میانجیگری عنوان را روی تخته نوشته معانی آنرا از اشتراک کننده گان و بالای تخته و یا فلیپ چارت بنویسید.</p> <p>چند مثال مختصر از میانجیگری های اشتراک کننده گان بشنوید.</p> <p>از اشتراک کننده گان بپرسید که یک میانجی باید دارای کدام صفات باشد؟</p> <p>(روی فلیپ چارت یاد داشت شود)</p> <p>بعد ترانسپرنسی صفات میانجی که به شکل کارتون ترسیم شده به نمایش بگذارید و بالای هر</p>	<p>بلند بردن سطح آگاهی اشتراک کننده گان در رابطه به روش میانجیگری تا عملاً از آن در حل منازعات استفاده نمایند.</p>	<p>میانجیگری</p>	<p>دقیقه</p>

<p>صفت مباحثه نمایید.</p> <p>از اشتراک کننده گان بپرسید که میانجی باید کدام فعالیت ها را انجام دهد.</p> <p>بعد از مباحثه ترانسپرنسی فعالیت های میانجی را به نمایش بگذارید و به مباحثه ادامه دهید.</p> <p>از اشتراک کننده گان که با این عمل که میانجی انجام میدهد خداوند(ج) چه اجر نصیب میگرداند.</p> <p>بعد ترانسپرنسی آیات و احادیث را به نمایش بگذارید که در مورد وظیفه میانجی بیان شده باشد.</p> <p>از اشتراک کننده گان تقاضا نمایید که تعاریفی برای میانجیگری ترتیب دهند.</p> <p>هر دو نفر پهلوئی هم تعاریف خود را شریک سازند.</p> <p>بالای تخته دو فلپ چارت را نصب نمایید و از دو نفر خواهش نمایید که تعریف خویشرا روی فلپ چارت بنویسند.</p> <p>تعاریف را یکبار توسط اشتراک کننده گان بخوانید.</p> <p>ترانسپرنسی تعریف میانجیگری</p>			
---	--	--	--

<p>را به نمایش گذاشته مرور نمایید.</p> <p>کار گروهی :</p> <p>وقت کار گروهی تعیین شود. نام گروهها تعیین شود (نظر به تعداد اشتراک کننده گان) سوال روی تخته نوشته شود. یک میانجی کدام مراحل را در پروسه میانجیگری طی مینماید؟ بعد از کار گروهی موضوعات گروپ خود را به همه اعضای اشتراک کننده گان به خوانش میگیرند.</p> <p>بعد از کار گروهی بالای مراحل میانجیگری روی ترانسپرسی صحبت صورت گیرد. موضوع خویش را جمعبندی نمایید، و بعد از سپاسگذاری موضوع خویش را خاتمه دهید.</p>			
---	--	--	--

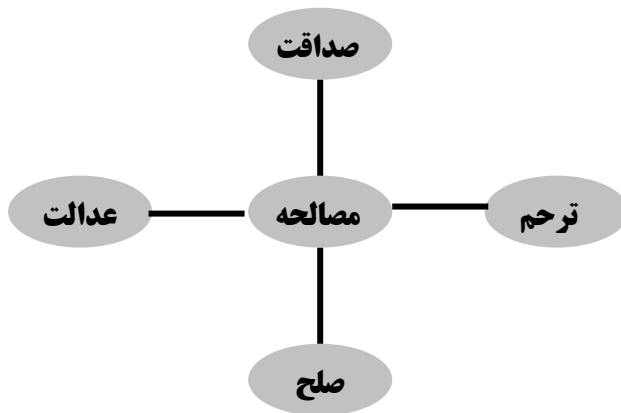
موضوعات تدریس شده قبلی

مصالحه

کلمه مصالحه به معنی آشتی کردن و صلح آوردن است که میتوانیم آنرا طور ذیل تعریف نماییم :

تعریف مصالحه : مصالحه عبارت عملیه است که طرفین به طور رضا کارانه روابطه از هم گسیخته شان را دوباره احیا مینمایند.

روابط متضرر شده و قطع شده افراد که محصول منازعات و جنگ ها بوده در نتیجه آشتی مجدداً احیا میگردد. آشتی به وجود آورند روابط انسانی است که مردم را با رشته های عاطفی و روانی به یکدیگر پیوند میدهد جوانب منازعه به وسیله رشته های صداقت، ترحم، عدالت و صلح با هم وصل میشوند که این رشته ها بنام چهار اصل مصالحه یاد میگردد.



- صداقت : یعنی بیان حقایق به شکل صادقانه صورت میگیرد. و طرفین از گذشته اظهار ندامت نمایند.

- عدالت : اگر برای طرفین ضرر مادی و یا معنوی رسیده باشد، باید اعاده حقوق به طور عادلانه صورت گیرد.

- ترحم : اگر یک طرف نمیتواند حقوق جانب مقابل را کاملاً اعاده نماید، برای جانب دیگر لازم است که از ترحمکار بگیرد و بخشش نماید.

- صلح : برای مصالحه فضای صلح آمیز و آزادی کامل ضرورت است تا طرفین از دل و جان یکدیگر را بخشیده باشند و روابط از هم گسیخته شان را دوباره احیا نماییم.

برای اینکه مصالحه واقعی صورت گیرد برای اشخاص متأثر شده از منازعه لازم است تا اهمیت و ضرورت روابط برای زنده گی آینده شانرا درک نمایند، و از زنده گی اندوه بار گذشته اظهار تأسف نموده و برای آینده امیدواری نشان دهند.

آشتی در اصل اتصال بین پریشانی زمان ماضی و امید های آینده میباشد اشخاص متأثر شده از منازعه باید با هم بنشینند و آزادانه با هم درد دل نمایند و از غم های خود قصه نمایند.

البته تنها دانستن تجارب تلخ همدیگر سبب اشتی نمیشود بلکه تصدیق تجارب تلخ در مقابل همدیگر نیز ضروری است که این عمل موجب

درک احساسات طرفین می‌گردد که در نتیجه سبب اصلاح شخص و احیای روابط می‌گردد که این روابط مفید و دلخواه خواهد بود. در صورت ضرورت میانجی‌ها باید برای این مفکوره زمینه‌سازی کنند تا طرفین به آینده خود متوجه شوند و سر نوشت مشترک را پیش چشم مجسم سازند و با در نظر داشت چهار اصل مصالحه با یکدیگر آشتی نمایند. و روابط از هم گسیخته شانرا دوباره احیا نمایند.

مصالحه از دیدگاه دین مقدس اسلام

خداوند(ج) در قرآن کریم می فرماید : و اصلحوا ذات بینکم.

ترجمه : و صلح بیاورید میان تان.

در این مورد حضرت محمد(ص) میفرماید: کسیکه در برابر برادر مسلمان خود اضافه از سه روز کینه را در دل نگه‌مدارد حسناش معلق میماند. از ترجمه آیت شریف و حدیث مبارک بر می‌آید که برای آشتی کردن و صلح آوردن میان مردم حکم گردیده است که برای ما لازم است که پابند احکام شریعت اسلامی باشیم.

طریقه های مصالحه در جامعه ما :

در جامعه افغانی مصالحه به طریقه های مختلف صورت می‌گیرد که در نتیجه احیای روابط میشود. چند مثال از این طریقه ها قرار ذیل ذکر می‌گردد:

کسانیکه از همدیگر ناراضی اند در مراسم خوشی بایکدیگر یکجا گردیده و دو طرف مستقیماً با هم مصالحه مینمایند و یا با هم توسط اشخاص دیگر برای اشته تشویق میشوند و مصالحه میکنند.

در ایام عید طرفین به خانه یکدیگر میروند و مصالحه میکنند.

با ارسال تحایف زمینه آشته را مساعد میسازند.

با دعوت نمودن از طرف جانبین مصالحه صورت میگیرد.

با در نظر داشت احترام برای بزرگان مصالحه صورت میگیرد طوریکه طرفیکه سنش خورد است به خانه کسیکه سنش بزرگ است جهت مصالحه می رود.

چند نفر ریش سفید به خانه کسیکه متضرر شده است جهت مصالحه میروند. کسیکه مرتکب رساندن ضرر به طرف مقابل گردیده است متضرر را جهت مصالحه به خانه خود دعوت مینماید.

زنهار برای کسیکه متضرر شده است چادر خود را هموار میکنند و به این طریق مصالحه و بخشش صورت میگیرد.

از موضوعات فوق برمیآید که مصالحه ارزش دینی و دنیوی دارد. پس کوشش نماییم که همیشه با مردم روابط نیک داشته باشیم. دیگران را برای احیای روابط شان تشویق نماییم در صورت ضرورت برای احیای روابط میانجیگری نماییم تا رضایت خداوند(ج) و بنده گانش را حاصل گردد.

میانجیگری

میانجیگری عبارت است از مداخله یا شامل شدن شخص یا اشخاص ثالث به خاطر ایجاد تفاهم بین طرفین منازعه تا با هم مذاکره نموده و طور مشترک مشکل شان را حل نمایند. میانجیگری آنقدر اهمیت دارد که خداوند(ج) در قرآنکریم به مسلمانان چنان فرموده است:

انماالمثنون اخوه فاصلحو بین اخیکم. (سوره الحجرات)

ترجمه : جزء این نیست که مومنان برادران اند پس صلح کنید میان دو برادر خود.

از آیت شریف فوق واضح میگردد که صلح آوردن بین طرفین درگیر حکم خداوند(ج) است. هر گاه میان مسلمانان ولو دو نفر باشند منازعه ایجاد شود صلح کردن وظیفه اسلامی و اخلاقی ما میباشد. نباید بی تفاوت بمانیم. هر گاه بی تفاوتی کنیم در حقیقت از حکم خداوند(ج) شانه خالی مینماییم. خداوند(ج) برای ما حکم فرموده که صلح کنید در میان دو برادر خود اما طریقه های آوردن صلح را به خود ما گذاشته است تا با استفاده از عقل و منطق خود در پرتو ارشادات دین مقدس اسلام صلح را بین طرفین ایجاد و تقویت نماییم.

حضرت محمد(ص) میفرماید:

کسیکه میان دو گروه اصلاح میآورد الله(ج) برای اصلاح کننده در هر سخن مزد و ثواب غلامی را میدهد که آزاد کرده باشد.

(روایت از انس بن مالک رض)

و در حدیث دیگر آمده است که میفرماید هر کس برای اصلاح بین مردم به نیت و امید خیر دروغ بگوید دروغگو نیست.

(روایت از امام بخاری رح)

باید به خاطر داشته باشیم که در میانجیگری تنها نصیحت کردن کافی نیست بلکه ضرورت است تا مهارت های آنرا بیاموزیم و از طریقه های مختلف کار بگیریم.

وقتیکه میانجیگری میکنیم در حقیقت حکم خداوند(ج) را عملی میکنیم که از یک طرف ثواب حاصل میکنیم و از طرف دیگر کینه و کدورت را میان طرفین به صلح و اخوت مبدل میسازیم.

باید متوجه باشیم که میانجی از حکم کردن، قضاوت کردن و فیصله کردن پرهیزد. میانجی فقط زمینه مذاکره و رسیدن به تفاهم را بین طرفین مساعد سازد. اگر خود میانجی قضاوت و فیصله کند امکان دارد طرفین یا یکی از آنها آنرا نپذیرد و یا بالای خود تحمیلی فکر کند که در این صورت امکان ادامه مذاکره و موفقیت میانجی در وظیفه ایکه به دوش گرفته ضعیف خواهد شد. هر گاه دریافت راه های حل به ابتکار و رضایت طرفین منازعه صورت گیرد آنها خود را در پروسه راه حل سهیم دانسته در تطبیق آن احساس مسئولیت مینمایند. میانجی باید بیطرفی خود را حفظ نماید و مراحل میانجیگری را مد نظر داشته باشد.

ضمیمه (الف)

نمونه از موضوعات عمده
ورکشاپ هشت روزه اعمار صلح و رفع خشونت
بنیاد انکشافی سنایی (SDF)

برنامه روز اول

افتتاحیه

معرفی (پروگرام، اشتراک کننده گان، پیش برنده گان و مؤسسه)

مقررات ورکشاپ

توقعات

کار عملی صلح روی نقشه

مفهوم منازعه

ارزیابی روز

برنامه روز دوم

ارزیابی و معرفی پروگرام روز

مشابهت منازعه با مراحل مختلف آتش

انواع منازعه

کارگروپی

مراحل منازعه

خلاصه روز

ارزیابی روز

برنامه روز سوم

ارزیابی و معرفی پروگرام روز

تصورات

خشونت

ابعاد خشونت (کار عملی)

منگ های وجود انسان

خلاصه روز

ارزیابی روز

برنامه روز چهارم

ارزیابی و معرفی پروگرام روز

تنوعات

تعصب

کار گروهی

افهام و تفهیم

سه سطح شنیدن

خلاصه روز

ارزیابی روز

برنامه روز پنجم

ارزیابی و معرفی پروگرام روز
مصاحبه با اشتراک کننده گان
تحلیل منازعه توسط مثلث (کار گروهی)
تحلیل منازعه توسط مربع
روشهای مختلف حل منازعات
مذاکره
خلاصه روز
ارزیابی روز

برنامه روز ششم

ارزیابی و معرفی پروگرام روز
میانجیگری
تمرین میانجیگری
مصالحه
خلاصه روز
ارزیابی روز

برنامه روز هفتم

ارزیابی و معرفی پروگرام روز
روشهای برخورد بامنزاعات در زندگی روزمره

حقوق و وجایب
روشهای مصالحه در کشور های مختلف جهان
خود بینی و اجتماع بینی
خلاصه روز

برنامه روز هشتم

ارزیابی و معرفی پروگرام روز
مفکوره صلح
کار گروهی
پروسه صلح
ساختن پلان عملی
ارزیابی ورکشاپ هشت روزه
توزیع تصدیقنامه ها
مراسم اختتامیه

بنیاد انکشافی سنایی
دیپارتمنت اعمار صلح
نمونه مشرح تر از ورکشاپ روز هشتم

برنامه روز هشتم : شنبه مؤرخ

وقت

موضوعات

ارزیابی و معرفی پروگرام



نمونه پلان ورکشاپ روز هشتم با تعیین هدف و میتود پیش بردگی

مواد	میتود	هدف	تعداد روز	تعداد دقیقه
	<p>انتخاب یکی از روش ها از جنس ارزیابی همین رهنمود. (طرح سوالات) (مصاحبه با یکتن از اشتراک کننده گان ورکشاپ) (تمثیل) (تقسیم اشتراک کننده گان به گروپها و طرح سوالات از یکدیگر توسط خود آنها).</p>	<p>اعاده ذهنی موضوعات روز قبل و ارتباط آن با موضوعات جدید</p>	<p>انعکاس روز قبل</p>	<p>دقیقه</p>

مدت	مندرجات	هدف	میتود	مواد
دقیقه	پروسه صلح	آشنایی با مراحل رسیدن به صلح دایمی.	<p>طور مقدمه از اشتراک کننده گان سوال گردد که :</p> <p>یک قطعه زمین خریداری نموده ایم، مواد تعمیراتی را آماده کرده ایم بعداً یک تعداد افراد را برای کار استخدام میکنیم. در حقیقت برای این افراد زمینه کار را چه کرده ایم؟</p> <p>(ایجاد)</p> <p>گرفتن کلمه ایجاد از مشترکین.</p> <p>بعداً نمایش یک تمثیل : (قبلاً یک تمثیل توسط اشتراک کننده گان آماده گردد)</p> <p>تمثیل :</p> <p>دو نفر از اشتراک کننده گان روی یک موضوع با هم جنجال مینمایند و شخص سوم آنها را خلاص میکند. سوال شود که :</p> <ul style="list-style-type: none"> - از تمثیل چه برداشت کردید؟ - نفر سوم بین دو نفر چه را ایجاد کرد؟ (گرفتن کلمه ایجاد صلح) - روی تخته بنویسید: - ایجاد صلح <p>قبلاً در مورد تعمیر صحبت نمودیم حال اگر همین مواد را روی زمین بگذاریم در امان خواهد ماند؟ پس چه باید کرد؟</p> <p>(گرفتن کلمه حفظ از اشتراک کننده گان)</p> <p style="text-align: center;">پروسه اعمار صلح</p> <div style="text-align: center;"> <pre> graph TD A[پروسه اعمار صلح] --- B[ایجاد صلح] A --- C[حفظ صلح] A --- D[اعمار صلح] </pre> </div>	OHP-

مواد	میتود	هدف	مندرجات	مدت
	<p>مرحله حفظ صلح و اعمار صلح را نیز همین طور پیش برده شود.</p> <p>ترانسپرنسی اعمار صلح را نیز به نمایش گذاشته هر قسمت آنرا مورد بحث قرار دهید و سوالات ذیل را طرح نمایید:</p> <ul style="list-style-type: none"> - مطالب داده شده با هم رابطه دارند؟ - اگر یکی از این مطالب موضوع نگردد چه خواهد شد. - اعمار صلح بدون یکی از اینها امکان دارد؟ - تأکید روی این مطلب که صلح بدون تطبیق این نکات ممکن نمیشد. - اگر این تصویر را به یک تکرری تخم تشبیه نماییم و از بین این تخم ها یک تخم برداشته شود چه خواهد شد؟ <p>آیا اعمار صلح بدون یکی از این مطالب ممکن است؟</p> <p>تأکید روی این مطلب که صلح بدون تطبیق این پروسه ناممکن است.</p>			

مواد	میتود	هدف	مدرجات ت	مدت
ترانسپرنسی	<p>از اشتراک کننده گان تقاضا گردد، لحظه ای به صورت همدیگر دودو نفر مشاهده نمایند سوال نمایند در صورت همدیگر چه را می بینید؟ بعد از اخذ نظریات سوال طرح گردد.</p> <p>اگر در اینجا فضای جنگ و خشونت میبود این پدیده ها را در صورت همدیگر دیده میتوانستید؟ بعد از بدست آوردن کلمه صلح شکل ذیل را به یک طرف تخته ترسیم نمایید:</p> <p>معانی صلح را از اشتراک کننده گان بدست آورد به اطراف دایره بنویسید.</p> <p>ترانسپرنسی معانی لغوی صلح را به نمایش گذاشته مرور نمایید.</p> <p>پرسید این شکل به چه شباهت دارد؟</p> <p>آفتاب چه فواید دارد؟</p> <p>به طرف دیگر تخته شکل آفتاب را ترسیم نموده فواید را به اطراف آن بنویسید.</p>	<p>بلند بردن</p> <p>سطح</p> <p>آگاهی</p> <p>اشتراک</p> <p>کننده گان</p> <p>در مورد</p> <p>صلح</p>	<p>مفکوره</p> <p>صلح</p>	

	<p>بپرسید: بدون آفتاب زنده گی ممکن است؟</p> <p>بدون صلح زنده گی ممکن است؟</p> <p>پس میتوانیم صلح و آفتاب را با هم مشابهت دهیم؟</p> <p>چوکی روی چه چیز تمرکز دارد؟</p> <p>(پایه ها) آیا صلح اصول و پایه هایی دارد؟</p> <p>(بلی)</p> <p>پایه های صلح:</p> <p>اگر در خانه برای کی از اولاد های خود لباس بگیریید و برای دیگری نیاورید چه چیز را در نظر نگرفته اید؟</p> <p>دریافت کلمه (عدالت)</p> <p>بعد از مباحثه طرح و سوالات برای دریافت کلمه مصئونیت.</p> <p>چرا اطراف منزل خود را دیوار نماییم؟ دریافت کلمه مصئونیت.</p> <p>اگر برای کسی در منزل اجازه صحبت ندهیم چه چیز را از وی صلب نموده ایم؟</p> <p>به ترتیب عناوین عدالت، مصوونیت، آزادی را از اشتراک کننده گان بدست آورده روی هر کدام مباحثه نمایید.</p> <p>نوت: تازمانیکه بالای یک موضوع</p>		
--	--	--	--

	<p>مباحثه به اتمام نرسیده عنوان دیگر را بدست نیاورید.</p> <p>بعد از ختم این بخش سوال نمایید:</p> <p>انسان برای بقای حیات به کدام مواد طبیعی ضرورت دارد؟ گرفتن کلمات آب، هوا، غذا را بدست آورده به یک طرف تخته بنویسید؟</p> <p>سوال: اگر یکی از این مواد نباشد حیات ممکن است؟</p> <p>سوال: به همین ترتیب اگر یکی از پایه های صلح موجود نباشد صلح ممکن است؟ (پس میتوان گفت که پایه های صلح مانند پایه های حیات ضروری است.</p> <p>از اشتراک کننده گان بخواهید برای صلح تعریفی تهیه نمایند.</p> <p>بعد از بدست آوردن تعریف ترانسپرنسی تعریف صلح را به نمایش گذاشته مرور نمایید.</p>		
--	---	--	--

مدت	مندرجات	هدف	میتود	مواد
دقیقه	کار گروپی: صلح را از کجا و چگونه باید آغاز کرد؟	ارزیابی اشتراک کننده گان درک این مطلب که صلح را از خود، خانواده و اجتماع آغاز نمود.	رجوع شود به بخش کار گروپی این رهنمود نوت: در ختم کار گروپی ترانسپرنسی های صلح را از کجا باید آغاز و مهارت های صلح آموختن به نمایش گذاشته شده و بالای آن مباحثه صورت گیرد.	OHP-

مدت	میزبانی	هدف	میتود	مواد
دقیقه	پلان عملی ورکشاپ	عملی نمودن اندوخته های ورکشاپ	<p>کارت مخصوص فعالیت های عملی ورکشاپ را برای اشتراک کننده گان توزیع نمایید و در صورت ضرورت با آنها همکاری نمایید.</p> <p>نمونه کارت را که در ترانسپرنسی ترسیم شده به نمایش گذاشته برای اشتراک کننده گان معلومات ارائه نمایید که چطور آنرا تکمیل نمایند.</p> <p>یک کاپی از فورم را بهره مندان با خود نگهدارند و یک فورم را برای ترینر تسلیم نمایند.</p> <p>ترینر فورمها را درج دوسیه نماید تا در امور بعدی بخصوص روز تعقیب ورکشاپ (ملاقات بعدی) از آن استفاده گردد.</p> <p>نوت : تاریخ ملاقات بعدی از طرف پیش برنده و اشتراک کننده گان به صورت دقیق تعیین گردد و نیز در قسمت کار در مورد پلان عملی بالای اشتراک کننده گان تاکید صورت بگیرد.</p>	<p>ترانسپرنسی اوراق کاپی شده برای اشتراک کننده گان</p>

پلان عملی نمونه وی یکی از ورکشاپ های (____) اعمار صلح

و رفع خشونت

اسم : ولد: وظیفه:

محل وظیفه : آدرس :

تاریخ آغاز	فعالیت انتخاب شده	محل	نوع فعالیت	تذکره
			تدریس صلح	
			ایجاد انجمن های صلح	
			تدویر ورکشاپ های صلح	
			تهیه جراید برای انتشار پیامهای صلح	
			تبلیغ و ترویج فرهنگ صلح	
			تغییر سلوک	
			کار در راه رفع تعصبات و خشونتها	
			تحکیم روابط	
			میانجیگری	
			مصالحه	

تاریخ ملاقات بعدی جهت ارزیابی از کار های عملی و موضوعات جدید در

مورد اعمار صلح :

آدرس ملاقات بعدی :

ضمیمه (الف -)

بعضی موضوعات معلوماتی
در مورد مواد ورکشاپ های دایر شده



پروسه صلح

ایجاد صلح :

متارکه و قطع جنگ

حفظ صلح :

کنترول نظارت

اعمار صلح :

اصل موضوع اختلاف نظر را پیدا کنیم.

حل مشکل کنیم.

رضایت هر دو جانب را بر آورده سازیم.

روابط ایشان را نیک سازیم.

همکاری مجدد را بین ایشان انکشاف دهیم.

تعریف صلح

صلح عبارت از فضای آرامش یک جامعه است که در آن مصونیت عدالت و حریت از طریق همکاری افراد آن تامین شده باشد. و یا به عبارت دیگر نبودن خشونت با تمام ابعاد آن عبارت از فضای صلح است.

چطور صلح را از خود، خانواده و اجتماع خود آغاز کنیم؟

اصلاح خودی

- با تقواء و با حوصله باشیم و توسط دست و زبان خود ب دیگران ضرر نرسانیم.
- عدالت را در نظر بگیریم حقوق و وجایب خود را بشناسیم و به قانون احترام کنیم.
- به اطفال شفقت و به بزرگان احترام داشته باشیم و از اعمال نیک دیگران تقلید کنیم.
- عیب دیگران را در وجود خود بجوئیم و انتقاد پذیر باشیم.
- تعصبات قومی، نژادی، لسانی و منطقوی را کنار بگذاریم.

اصلاح خانواده

- تعلیم و تربیه اسلامی را در فامیل خود تقویه نماییم.
-
-

-
- پلان کاری روزمره داشته باشیم و نظم را در خانه تأمین نماییم.
 - نظریات اعضای فامیل را در امورات زنده گی در نظر گیریم.
 - احترام خورد و بزرگ را در نظر گرفته فضای صمیمیت را ایجاد نماییم.
 - فعالیت های ساعته اعضای فامیل را به شکل مثبت زیر نظر داشته باشیم.

اصلاح اجتماع

- با اهالی منطقه در مسجد، مکتب و محل کار روابط نیک را تأمین نماییم.
 - در مقابل وجایب خود احساس مسئولیت نماییم و به حقوق دیگران احترام داشته باشیم.
 - از رسانیدن ضرر خود داری نماییم و در مقابل ناملایمات گذشت کنیم.
 - در تصمیم گیری های اجتماعی با مردم مشوره نماییم و در حل منازعات از روش های صلح آمیز کار گیریم.
-
-

مهارت های صلح آمیز شدن

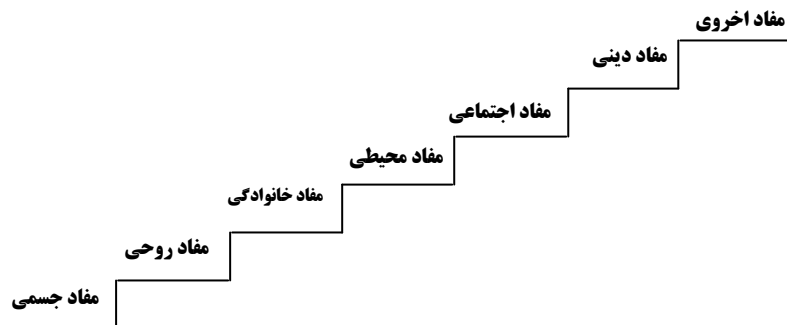
- در قدم اول باید به صلح و صلح آمیز شدن اعتقاد راسخ و علاقه مندی داشته باشیم.
 - باید بطور جدی تصمیم بگیریم که شخصیت خود را صلح آمیز بسازیم.
 - مهارت های افهام و تفهم درست را بیاموزیم و عملی نماییم.
 - منازعات را نادیده نگیریم یعنی در جستجوی راه حل عادلانه و قابل قبول آن باشیم.
 - بخود اجازه ندهیم تا در مورد دیگران تصورات و برداشت های نادرست داشته باشیم.
 - نباید از دیگران توقعات بیجا و بیمورد داشته باشیم.
 - آداب اجتماعی را مراعات نماییم.
 - در گفتار و عملکرد از ابراز خشونت جلوگیری کنیم.
 - نیاز مندی ها و منافع دیگران را نادیده نگیریم.
 - خود را در موقف دیگران قرار دهیم.
 - حقوق و مسئولیت های خود و دیگران را بشناسیم.
 - از مزاح های بیجا و سخن های بیهوده پرهیز نماییم.
-
-

- نظر به حدیث نبوی(ص) از چهار صفت که علایم منافق است باید جداً پرهیز نماییم دروغ، دشنام، خیانت در امانت و وعده خلافی.

یکی از اهداف اساسی اسلام اصلاح جامعه از طریق اصلاح نفس میباشد، یعنی یک انسان مسلمان در قدم اول باید خود یعنی نفس خود را اصلاح سازد تا وعظ و نصیحت وی به دیگران موثر باشد. اگر طرز گفتار و بر خورد ما خشونت آمیز باشد طوریکه اطرافیان و اجتماع ما از ما ناراحت گردند در این حالت اگر ما دیگران را به صلح تشویق نماییم نصایح ما هیچگونه اثر مثبت بر دیگران نخواهد داشت.

مفاد صلح آمیز شدن

زینہ سعادت



ضمیمه (الف)

گزارش کاری از پروگرام های اعمار صلح
در بخش همبستگی ملی



از اثر ابتکارات صلحجویانه بنیاد انکشافی سنایی از بعد آغاز پروگرام همبستگی ملی در ولسوالی های پغمان قره باغ و شکر دره ورکشایهای اعمار صلح در ولسوالی های متذکره به تاریخ - - آغاز و الی - - ادامه داشت و از تاریخ - - فعالیت ها در ولسوالی های چهار آسیاب، استالف، میربچه کوت و ده سبز آغاز و تا حال جدی ادامه دارد. که تا حالا در ولسوالی پغمان شورا، قره باغ شورا، استالف شورا، شکر دره شورا، میربچه کوت ، ده سبز شورا و چهار آسیاب شورای مردمی تشکیل گردیده که تا حال % این شورا ها از ورکشاپ های اعمار صلح و رفع خشونت بهره مند گردیده اند و توانایی آنها دریافت نموده اند که منازعات ذات البینی خویش را به شکل صلح آمیز حل نمایند. قابل ذکر است که ترینران اعمار صلح نیز عملاً در حل بعضی از منازعات همراه با شورا بوده اند.

پروگرام ولسوالی های استالف و قره باغ بخش اعمار صلح
ترینر (عبدالخالق)

	<p>عامل اصلی منازعه چه بود؟</p> <p>دو طفل به خاطر بردن آب و نوبت از بمبه با هم دعوا میکنند که این درگیری باعث میشود که والدین در این منازعه داخل شوند و باعث درگیری بیشتر گردد. که در این درگیری سریکی از جانبین میشکند.</p>
	<p>شاملین منازعه چه کسانی بودند؟</p> <p>- الله محمد و برادر زاده هایش.</p> <p>- معروف و معصوم و فامیل هایشان.</p>
	<p>خواست طرفین چه بود؟</p> <p>الله محمد خان که یکی از طرفین منازعه بود و در این درگیری سرش شکسته بود خواهان تاوان میشود و جانب مقابل که معروف و معصوم میباشد چون وضعیت اقتصادی شان بکلی خراب است این تاوان را داده نمیتوانند و شورا که میانجیگری در این منازعه را داشتند خواهان عفو و بخشش میشوند.</p>
	<p>زمان و محل منازعه ؟</p> <p>ولسوالی قره باغ قریه باغ عارق علیا (تاریخ - -)</p>
	<p>عوامل شدت منازعه ؟</p> <p>کم تجربه گی و سرکشی جانبین عامل اصلی شدت منازعه بوده است.</p> <p>کم بودن آب آشامیدنی جهت مرفوع ساختن احتیاجات آب عامه.</p>

<p>طریق و روشیکه برای حل منازعه از آن استفاده گردیده؟ (میانجیگری و مصالحه)</p>	
<p>نتیجه نهایی روش استفاده در حل منازعه؟ منازعه حل گردیده و فامیل ها بین هم آشتی نمودند و در محل از سوی شورا یک حلقه چاه حفر و به اختیار آنها قرار گرفت و بمبه بالای چاه مربوطه نصب گردید.</p>	
<p>آیا طریقه دیگری موجود بود؟ چگونه؟ طریقه دیگری که وجود داشت حکومت بوده است که به نفع جانبین نبوده ممکن باعث منازعات بیشتر و کدورت های بیشتر میشد.</p>	
<p>آیا در جریان منازعه با مشکل مواجه شده اید؟ چگونه آنرا رفع نموده اید؟ مشکلی که وجود داشت وضعیت خراب اقتصادی معروف بود که استعداد تاوان را نداشت.</p>	
<p>در حل منازعه کیهان نقش داشتند؟ شورای انکشافی که قبلاً ورکشاپ اعمار صلح اخذ نموده اند. - معلم صاحب - حاجی میرزا - صوفی - کاکا محمد حسین - صوفی ملنگ - وریش سفیدان قریه</p>	
<p>تا چه حد موضوعات ورکشاپ شما را در حل منازعه کمک نموده؟ گرچه قبلاً منازعات حل می نمودیم ولی با اخذ ورکشاپ های اعمار صلح و رفع خشونت به شکل عملی و تخنیکی آن منازعات را حل و فصل مینماییم.</p>	

پروگرام ولسوالی های استالف و قره باغ بخش اعمار صلح
ترینر (عبدالخالق)

	<p>عامل اصلی منازعه چه بود؟</p> <p>شخصی بنام حلیم بالای نیاز محمد که در قریه قره باغ بازار صاحب حمام میباشد از فروختن چوب بالای نیاز محمد که صاحب حمام میباشد مقداری پول طلب داشته که حلیم خواهان قرض خود میشود که باعث درگیری بین شان میشود و بعد از زدو خورد حلیم به ضرب چاقو از جانب نیاز محمد زخمی شده که منازعه از همین جا وسعت میابد و به دوگروپ سرایت میکند.</p>
	<p>شاملین منازعه چه کسانی بودند؟</p> <p>- حلیم کسیکه چوب سوخت را فروخته.</p> <p>- نیاز محمد صاحب حمام کسیکه چوب را خریده.</p>
	<p>خواست طرفین چه بود؟</p> <p>یکی از جانبین منازعه که حلیم باشد پول چوب را میخواست و جانب دیگر منازعه نیاز محمد از دادن قرض انکار میکرد.</p>
	<p>زمان و محل منازعه ؟</p> <p>ولسوالی قره باغ، قریه قره باغ بازار. تاریخ - -</p>
	<p>عوامل شدت منازعه ؟</p> <p>طرفداران حلیم که حلیم را تحریک مینمودند که ترا یک حمامی زخمی نموده و این برای میان ننگ است که باعث شدت منازعه شده و منازعه را وسیعتر ساخته و امکان داشته در این منازعه دو قوم درگیر شوند.</p>

<p>طریقه و روشیکه برای حل منازعه از آن استفاده گردیده؟ (میانجیگری) توسط شورا و ریش سفیدان قریه.</p>	
<p>نتیجه نهایی روش استفاده شده در حل منازعه ؟ با استفاده از روش میانجیگری منازعه حل و فصل گردیده و با گرفتن تعهد از جانبین منازعه و تلاوت قرآنکریم مجلس اختتام یافت. و دو طرف منازعه فعلاً در فضای اخوت و برادری با هم زنده گی مینمایند.</p>	
<p>آیا طریقه و روش دیگری موجود بود؟ چگونه؟ طریقه دیگری که وجود داشت حکومت بود ولی این طریقه باعث کدورت های بیشتر میگردد و ممکن به شکل دلخواه طرفین حل نمی شد ولی طریقه که شورا به کار برد بهترین طریقه برای حل منازعه بود.</p>	
<p>آیا در جریان منازعه با مشکل مواجه شده اید؟ چگونه آنرا رفع نموده اید؟</p>	
<p>در حل منازعه کیهان نقش داشتند؟ - حاجی عبدالصبور. - حاجی صاحب ابراهیم - ضیاء الدین - سروری صاحب و موسفیدان قریه</p>	
<p>تا چه حد موضوعات و ورکشاپ شما را در حل منازعات کمک نموده؟ موضوعات میانجیگری، روش های حل منازعات، مشابهت منازعه با مراحل آتش در جریان حل منازعات متوجه شدیم که چقدر ما را کمک نموده است.</p>	

ضمیمه (الف -)

فعالیت هاودست آورد های بنیاد انکشافی سنایی
در بخش اعمار صلح



پروژه

از اثر تلاش های پیگیرانه فعالین بنیاد انکشافی سنایی (SDF) در برج اپریل پروژه جدید تحت عنوان GCPP بر فعالیت های دیپارتمنت اعمار صلح، که یکی از دیپارتمنت های پیشگام این بنیاد میباشد علاوه گردید، که هدف آن کمک، همکاری و حمایت غرض تامین، تقویه و ترویج پروسه صلح و احترام به حقوق بشر از طریق سهمگیری وسیع، رشد و انکشاف ظرفیت ها به منظور حل منازعات بطور صلح آمیز در سطوح مختلف جامعه افغانی میباشد، که به اساس این پروگرام جامع که پنج موسسه سهیم آن اند فعالیت درشش ولایات (کابل، غزنی، لوگر، هرات، فراه و بادغیس) از بنیاد انکشافی سنایی آغاز یافت. و قرار شد برای سال اول در هر ولایت یک ولسوالی برای فعالیت تعیین گردیده و در سال دوم و سوم یک ولسوالی در هر ولایت اضافه گردد. و در هر ولایت الی هفت شورای مردمی تشکیل یابد، که اکنون تا ما عقبرب که مدت هشت ماه از تطبیق این برنامه در ولسوالی های پغمان ولایت کابل، ولسوالی جغتو ولایت غزنی، ولسوالی محمد آغه ولایت لوگر، ولسوالی رباط سنگی ولایت هرات، ولسوالی پشته رود ولایت فراه و ولسوالی آبکمری ولایت بادغیس سپری شده دست آورد های ذیل را دربر دارد :

تشکیل شورای مردمی فعالین صلح درشش ولایات متذکره

تحکیم ارتباط میان اقوام مختلف و شامل ساختن آنها در یک شورای واحد .

کاهش مراجعه به حل قضایا و منازعات منطوقی به مراجع زیربط رسمی ، چون شوراهای متشکله در حل منازعات منطوقی رسیده گی مینمایند.

تدویر ورکشاپ های پنج روزه اعمار صلح جهت بلند بردن ظرفیت شوراهای متشکله .

ملاقات ها ، بازدید ها و مجالس میان اعضای شورا ها جهت مشوره ، همکاری و تبادل تجارب و اقدام به حل مشکلات ذات البینی.

استفاده از تجارب مردمی در حل منازعات و انتقال آن به شوراهای مناطق دیگر از طریق ثبت و راجستر منازعات شوراها .

نمونه از حل منازعات توسط شوراها :

حل منازعات : ولایت لوگر ولسوالی محمد آغه

توسط شورای صلح نمبر سه

عدالت و انصاف ده نو

تاریخ رمضان / /

موضوع منازعه : آب و سربند

طرفین منازعه : منطقه حوزه زرغون شهر و مردم قریه جات کاریزها
منازعه وقتی اوج گرفت که در روزهای رخصتی انتخابات مردم قلعه
دشت و کاریزهای کدروازه تقسیم آب بین مردم را بدون اطلاع
ریاست آبیاری و مردم مستحق زرغون شهر قصداً بالا کرده بودند که
سبب جنجال قومی و منطقی تمام مردم گردید. بالاخره حاجی ملک
معاون شورا صلح عدالت و انصاف از شهرتی و توانمندی در حل
موضوعات بعد از ورکشاپ های اعمار صلح دایر شده توسط بنیاد
انکشافی حاصل نموده از طرف ریاست آبیاری با چندتن ریش سفیدان
به منطقه اعزام شدند تا بالاخره موضوع را بعد از مباحثات زیاد به
طرف حل بردند و تاریخ تعیین نمودند که باید وسایل پائین کردن
دروازه بند را وزارت آبیاری به منطقه اعزام نماید تا آب بسته شود و
هر دو قوم و قریه جات از مشکل و جنجال بیرون آمدند.

تاریخ عید - / /

موضوع منازعه : اجرت مزدوری یکساله دهقانی

طرفین : دهقان و مالکین زمین

منازعه وقتی اوج گرفت که مالک زمین حاضر نبود حق جواری و مزد یکساله دهقان خود را به شکل منصفانه تادیه نماید ولی دهقان هم آرام نه نشسته تا بالاخره منازعه اوج گرفته و سبب شد که سردهقان بشکند و بسیار لت بخورد دهقان به ولسوالی عارض شده تا بالاخره جانبین به حاجی ملک معاون شورا و شیر آغا کوچی مراجعه نموده بعد از مذاکره و بسیار مشکلات و رفت و آمد و معلوم نمودن نیازمندی های طرفین موضوع قسمی حل گردید که در بدل تداوی دهقان افغانی داده شد و هم جواری و مزد کار یکساله برایش تادیه گردید و هر دو باهم روابط تیره و تار را از سر گرفتند.

تاریخ / /

موضوع منازعه : میراث و ترکه مال میراث و زمین

طرفین منازعه : زوجه، دختر برادرزاده ها پنج نفر

موضوع وقتی در بین طرفین بسیار داغ شد که یک برادر از جمله پنج نفر بسیار اسرار به این داشت که دختر عروس شده است و باید مال میراث در بین ما تقسیم شود ولی بعد از مذاکره و مداخله میانجی ها هر یک ملا صاحب الدین و حاجی صاحب ملک بعد از تب و تلاش زیاد به

شکل منطقی به این نتیجه رسیدند که باید ترکه از بیست و چهارم حصه گرفته شود سهم به دختر داده شود سهم بین باقی ورثه ترکه شود که حق همین برادر زاده یک بسوه و چند متر می شد بالاخره وی که اصل موضوع را فهمید که بسیار کم برایش میرسد و از منازعه صرف نظر نمود و از همین حق هم برای مادر دختر صرف نظر نمود و موضوع به طرف حل رفت. وروابط آنها نیک شد

تاریخ / /

طرفین منازعه: موتر هینو، موتر کستر و دکانداران ده نو

منازعه بالای: خساره دکانداران در تصادم موتر

منازعه وقتی اوج گرفت که موتر کستر میخواست در سرک ده نو به طرف کابل دوربخورد موتر هینو بسیار به سرعت از طرف جنوبی آمد ولی بخاطریکه موتر کستر را همراهی سواری پایمال نکند موتر را به طرف دکانها دور داد که در نتیجه دکان ویران گردید و تمام اموال دکانها از بین رفت بعد از مداخله معاون شورا عدالت و انصاف جکرن ذکر الله خان دوریش سفید موضوع بعد از وخامت به طرف حل رفت و خساره ها سنجیده شد و با مداخله میانجی ها از عفو و بخشش و گرفتن نصف خساره ها موضوع به شکل مسالمت آمیز حل شد.

دست آورد های برنامه همزیستی

دیپارتمنت اعمار صلح بنیاد انکشافی سنایی (SDF) از جولای به این طرف در بخش همزیستی در ولایات مختلف افغانستان چون پروان، بامیان، پکتیا، خوست، کابل {گلدره و استالف} فعالیت دارد. هدف این برنامه تاعمین روابط از هم گسیخته و ایجاد همزیستی بین افراد و اقوام مختلف که از اثر جنگ های متمادی متاثر شده اند میباشد. همچنان مهاجرین که به مناطق شان بر می گردد جهت ایجاد روابط و ایجاد همزیستی میان بازگشت کننده گان و ساکنین محل فعالیت مینماید. این برنامه توسط UNHCR تمویل میگردد برنامه متذکره در ولایات مختلف افغانستان دست آورد های داشته است که چند نمونه آن ذیلاً تذکر می یابد:

در منطقه خلازایی ولایت پروان که مردم پشتون زنده گی مینماید و همچنان در منطقه سنجددره این ولایت که قوم تاجک زنده گی دارند از اثر جنگ های تنظیمی که بین پشتون ها و تاجک ها در دوران طالبان و قبل از آن صورت گرفته بود روابط شان قطع گردیده و دشمنی ها و عقده های زیادی بین شان وجود داشت .

این برنامه توانسته است افراد مختلف چون متنفذین ، قوماندانان ، بزرگان هر دو منطقه را به طور جداگانه در ورکشاپ های هشت روزه اعمار صلح گرد هم بیاورد و در هر دو منطقه شورای صلح و خیر به شکل جداگانه تا سیس نماید .

SDF جهت یکجا ساختن بزرگان این دو قوم ورکشاپ مشترک همزیستی را برای مدت دو روز دایر نمود تا بین هر دو قوم تفاهم صورت گیرد. بالاخره در روز دوم ورکشاپ از بین این دو قوم شورای مشترک به نام شورای صلح و خیر منطقه سنجددره و خلازایی تشکیل گردید و از طرف این شورای مشترک جهت تحکیم و تقویت روابط شان پروژه های مشترک مثل کانال آب ، کاریز پاکی ، کورس های نجاری ، مسابقات ذهنی و مسابقات سپورتی {بین جوانان} پیشنهاد گردید . در تطبیق این پروژه ها افراد مختلف این دو قوم به طور مشترک و دوامدار کار نمودند و در نتیجه امکان آن به وجود آمد که:

صمیمیت را بین افراد مختلف این دو قوم به وجود بیاوریم. شورای مشترک بین هر دو قوم تشکیل گردد ، این شورا ماهانه با هم مجلس می نمایند و مشکلات و منازعات شان را حل می نمایند.

روابط شان تاعمین گردد یعنی در مراسم خوشی و غم
یکدیگر اشتراک مینمایند .

مردم پشتون منطقه خلازایی که قبلاً برای شان آب داده
نمیشد فعلاً این مشکل حل گردیده و آب برای شان داده
میشود.

این پروسه در بین طبقه اناث نیز تطبیق گردیده است یعنی شورای
مشترک از طبقه اناث نیز در منطقه تشکیل شده و پروژه های
مشترک چون خیاطی ، مالداري و غیره برای شان عملی گردیده
است که نتایج قناعت بخش از آن به دست آمده است.
برنامه همزیستی پروسه متذکره را در چند ولایات دیگر نیز عملی
گردیده است. که از آنها نیز چند نمونه تذکر می یابد:
در ولایت بامیان {چند قریه در مرکز ولایت و چند قریه دیگر در
ولسوالی سیغان} بین اقوام هزاره ، تاجک و پشتون جنگ های
شدیدی در سابق صورت گرفته بود حتی مال و دارایی یکدیگر را
چپاول کرده بودند ، قتل ها نیز صورت گرفته بود .
با تطبیق پروسه فوق در قدم اول شورا های صلح وخیر به طور
جداگانه بین این اقوام تشکیل شد ، بعداً شوراهای مشترک از چند
قوم ساخته شده و به طور فعال در راستای اعمار صلح فعالیت

مینمایند و پروژه های مشترک چون پایپ آبرسانی ، کانال آب ، مراکز آموزشی و غیره تطبیق گردید که توانست روابط شان را دوباره احیاء نماید ، کدورت ها را دور بسازد، همزیستی را بین اقوام مختلف بوجود بیاورد.

در ولایت پکتیا ولسوالی جاجی آریوب منطقه لر لیونی که در آن اقوام مختلف زنده کی مینمایند از اثر جنگ ها و مهاجرت ها دشمنی ها و عقده های زیادی بین شان وجود داشت . با تطبیق پروسه همزیستی و تدویر ورکشاپ های اعمار صلح و رفع خشونت برای اقوام مختلف این منطقه توانستیم شورای مشترک بین این اقوام تشکیل نماییم، زمینه را برای تطبیق پروژه های ساختمانی مساعد گردد بین موسسات و مردم اعتماد ایجاد گردد و مردم وعده دادند که هر نوع همکاری جهت تحقق روابط شان خواهند نمود . تمام مردم شان برای کار در پروژه های مشترک آماده گردیدند که با تطبیق پروژه مشترک پاک کاری سیل بر و انداختن گبین این مردم با هم مشترکاً کار نمودند شورای منطقه فعال است هفته وار با هم ملاقات مینمایند مشکلات و جنجال های منطقه را به شکل مشترک حل می نمایند و روابط شان به شکل مثبت تاعمین گردیده است .

در ولایت کابل ولسوالی استالف بین مردم تاجک و پشتون خصوصاً در زمان حاکمیت طالبان جنگ های شدیدی به وقوع پیوسته بود . خانه ها تخریب شده اموال مردم توسط افراد مختلف به غارت برده شده بود و دشمنی شدیدی بین مردم پشتون و تاجک این منطقه وجود داشت .

با تطبیق پروسه همزیستی فعلاً شورای مشترک از بین هر دو قوم در بخش ذکور و اناث تشکیل گردیده است . رفت و آمد در بین تاجک ها و پشتون ها آغاز گردیده در حالیکه قبلاً کاملاً قطع بود. مردم پشتون قبلاً تمام سودای خانه را از مناطق دورتر از قریه شان می آوردند و حالا از منطقه تاجک نشین خریداری مینمایند و مردم پشتون در اوقات بیکاری در دوکان های تاجک ها نشسته با هم قصه مینمایند. در حالیکه قبلاً مردم پشتون در منطقه داخل شده نمی توانست.

فهرست مطالب بخش چهارم

شماره	عنوان	صفحه
	مقدمه	الف
	– مقاصد ورکشاپ های ظرفیت سازی	
	– انواع ورکشاپ های ظرفیت سازی	
	– ورکشاپ ها برای درک عمومی	
	– ورکشاپ ها برای فعالین	
	– ورکشاپ ها برای موسسات	
	– ورکشاپ ها برای حل مشکلات	
	– اساسات دیزاین و طرح ورکشاپ	
	– ورکشاپ های ایجاد ایتلاف	
	– اشتراک مردم در پروسه صلح	
	– پروسه های ورکشاپ	
	– اشتراک کننده گان	
	– عناصر مشترک ورکشاپ	

-
- مفکوره ها.....
 - خصوصیات و تعداد تسهیل.....
 - صفات تسهیل کننده.....
 - پروسه مقدماتی یا معرفتی.....
 - تحرکات گروه.....
 - قرار داد با اشتراک کننده گان.....
 - مسوولیت برای همبستگی.....
 - گروه های بنیادی.....
 - گروه های رهبری.....
 - بازگشت به محل کار.....
 - ارزیابی کار انجام شده.....
 - تعقیب و پیگیری.....
 - مسایل عمومی در ورکشاپ.....
 - طرح اجندا.....
 - نمونه های ورکشاپ ظرفیت سازی.....
 - اختتامیه.....
-
-

در مورد بخش چهارم

موضوعات متنوع تغییر شکل و تبدیل منازعات، مانند تحلیل منازعه، مفاهمه، میانجیگری در بخش های مختلف این مأخذ آورده شده است. اینکه ازین موضوعات چگونه استفاده کرد، موضوع بحث این بخش را تشکیل می دهد. طرق عملی بخاطر ارایه ورکشاپ های تبدیل منازعات پروسه های است که طی این جزوه توضیح گردیده است.

بخشهای 3 و 4 عمدتاً برای کسانی بوده که میخواهند در مورد منازعه و حل منازعات ورکشاپ ها و یا سایر گرد همایی ها را سازماندهی می کنند و برای آنها این مواد مفید است. اشتراک کننده گان ورکشاپ ها و سایرین نیز ازین بخشهای مأخذ هدا در عرصه حل منازعات مستفید شده می توانند.

برای تسهیل کننده گان ورکشاپ بعضی تشریحات در ورقه های جداگانه ورکشاپ ویا هم در سلاید ها آورده شده. تسهیل کننده گان از مثالهای معین منازعه استفاده می کنند که جهت آمادگی برای ورکشاپ و کار بعدی مفید تمام می شود.

مقاصد ورکشاپ‌های ظرفیت‌سازی

Aims of capacity building workshops

بخاطر انتقال آموزش بشکل درست در مورد خشونت و منازعه افراد باید دانش و مهارت کامل داشته باشند. به همین سبب در ورکشاپ‌های ظرفیت‌سازی معمولاً سه هدف عمده تعقیب می‌گردد:

تا فهم و درک در زمینه منازعه و انتقال منازعه را ارتقا بخشید.
تا مهارت‌های را انکشاف داد که از منازعات خشونت‌بار جلوگیری صورت بگیرد.

تا مردم را از طریق «اعمار» ظرفیت‌های شان مقتدر و توانمند بخاطر این امر ساخت.

این اهداف و مقاصد عام بوده که در بسیاری ورکشاپ‌های ایجاد ظرفیت‌ها مشترک می‌باشد. ورکشاپ‌های مختلف در عرصه‌های مختلف متمرکز شده می‌تواند و از همین لحاظ مقاصد خاصی دیگری را نیز دارا می‌باشد. بطور مثال یک ورکشاپ در تانزانیا یکجا با اشتراک‌کننده‌گان و تسهیل‌کننده‌گان بخاطر تکمیل مقاصد ذیل تدویر یافت:

به اشتراک‌کننده‌گان امکان آن مساعد گردد تا در زمینه منازعات اجتماعی و سیاسی که جوامع آنها را متأثر می‌سازد درک و فهم‌شان انکشاف یابد.

تا ظرفیت اشتراک کننده گان را بخاطر کار با منازعات طوری ارتقاء بخشید که عملاً در چوکات تحلیلی موضوعات با داشتن مهارت در حصه حل منازعات سهیم شوند. تا درین کشور ها و مناطق هریک از اشتراک کننده گان فهم و درک از وضعیت را از هم دیگر بدست آرند.

ورکشاپ دیگر که در سینگال تدویر شد مقاصد متفاوت داشت

تا تجارب شان را در زمینه منازعه و اعمار صلح شریک سازند، در عین وقت از فعالیت های شهریان در حصه اعمار صلح معلومات بدست آورند (ساختار و شیوه های کاری) تا مهارت ها و دانش موجود در زمینه نگهداشت صلح افزایش یابد.

استفاده از امکانات و مهارت های که جامعه مربوط در سطح منطقه دارا میباشد.

تاشیوه ها و طرق متبادل را بخاطر توسعه اشتراک شهروندان و موسسات غیر دولتی (NGO) در قطع جنگ و تشکیل حلقات صلح و حوزه ها در کشورهای مربوطه شان دیزاین و پلان کرد. این مثال ها نمونه یی بوده ولی یگانه و بهترین مقاصد مطروحه نبوده، هر ورکشاپ دارای ویژگی ها و خصوصیات منحصر به خود را داشته که سلسه از مقاصد از آن انعکاس می یابد طبیعتاً مقاصد متعلق به اشتراک کننده گان و شرایط همان ورکشاپ و محیط می باشد.

انواع ورکشاپ های ظرفیت سازی

- ورکشاپ های آموزش عامه و مهارت های عمومی
- ورکشاپ ها برای فعالین اعمار صلح و جوانب درگیر منازعه
- ورکشاپ برای موسسات غیر دولتی و جامعه مدنی
- ورکشاپ برای حل مشکل
- ورکشاپ جهت ایجاد ائتلاف
- ورکشاپ اشتراک مردم در پروسه صلح

انواع و سطوح مختلف ورکشاپ ها نظر به وضع منازعه، محیط جغرافیایی یا عاجل بودن منازعه به شکل متفاوت وجود دارد. بعضی از ورکشاپ ها برای افراد و موسسات دیزاین و طرح می شود که در یک منازعه مشخص دخیل اند و نوع دیگر که نیاز به مهارت های دارند که دارای میعاد طویل و دورنمای وسیع باشد، و برای موسسات و افرادی که خواهان توسعه تحکیم ظرفیت های برای حل منازعات در سطح جامعه محل و منطقه هستند. بعضی از ورکشاپ ها میتواند بالای سطح درک و مهارت های اشخاصی متمرکز شود که بعداً برای دیگران ورکشاپ ها را دیزاین و پیش می برند. ورکشاپ ها را که بخاطر ارتقای شبکه های محلی و بلند بردن مهارت های آنها بوده که در آن میتوان از عرصه های مختلف جامعه به اشتراک کننده گان فرصت داد.

انواع اساسی ورکشاپ های رشد ظرفیت ها بطور اجمالی ذیلاً توضیح

شده است:

برای تنظیم کننده گان ورکشاپ این نوعیت ها کمک می کند تا بدانند که مقصد و خصوصیت ورکشاپ پلان شده چیست؟ در عمل بسیاری ورکشاپ ها دارای عناصر متعددی بوده که از انواع مختلف ورکشاپ های رشد ظرفیت گرفته شده است.

ورکشاپ ها برای درک عمومی و مهارت ها

ورکشاپ های عمومی که بخاطر درک اشتراک کننده در زمینه منازعات و رشد مهارت های شان جهت حل منازعات بالخاصه در عرصه مفاهمه، میانجیگری، تسهیل بخشیدن مذاکرات، اصلاح واکنشی طرح و دیزاین میگردد. معمولاً این ورکشاپ ها مفاهیم وسیع و گروپی داشته که همه مسایل بالا را در برگرفته که در قدمه های بعدی انرا میتوان در مورد یک منازعه خاص مورد استفاده قرار داد.

این ورکشاپ ها به آموزش پیش بردگی و حل منازعه زیاد تر نزدیک است. درین ورکشاپ ها از میتود و شیوه فرا خوان کار گرفته شده که دران به تجارب و داشته های اشتراک کننده ارج صورت گرفته تا بدینوسیله در امر سهمگیری مؤثر در حل منازعه به آنها کمک صورت گیرد.

در ورکشاپ های عمومی میتوان موضوعات حل منازعات، عناصر مشترک پروسه های ورکشاپ ها را با در نظر داشت نیازمندی های اشتراک کنندگان و یا سایر فاکتورها را در نظر گرفته و شامل ساخت.

ورکشاپ‌ها برای فعالین اعمار صلح و یا جوانب منازعه

این ورکشاپ برای آن‌عده اشتراک‌کننده گان طرح و دیزان می‌گردد که بعداً بحیث کارمندان اعمار صلح در یک حالت مشخص منازعه توظیف می‌گردند و یا هم جوانب درگیر در منازعه (نمایندگان شان) باشند. شاید آنها خواهان بیشتر درک وضعیت های منازعه شوند. بااین درک مشترک امکانات جدید مشهود می‌شود. جوانب و همکاران بخاطر ایجاد یک ائتلاف و اعمار صلح در همچو حالات تشخیص می‌گردند. از طریق همچو ورکشاپ‌ها، داد خواهان صلح، نماینده گان موسسات مردمی و NGO ها افراد از مراکز مذهبی و گروپ های شهروندان میتوانند از تحلیل های مشترک در منازعات و تجارب مختلفه انهادر عرصه اعمار صلح بدون اینکه جوانب درگیر در منازعه حاضر و یا غایب باشند- کار بگیرند و ابتکارات شان را در زمینه انعکاس بدهند. در نتیجه همچو اقدامات استراتیژی انکشاف می‌یابد که طی آن نهضت و حرکت مردمی برای صلح ایجاد شده و منتج به حمایت از پروسه اعمار رسمی صلح می‌گردد.

بخاطر تدویر موفقانه ورکشاپ های رشد ظرفیت ها برای اعمار

کننده گان صلح در پهلوی عناصر عام و مشترک که عمدتاً مورد

استفاده می‌باشد از موضوعات ذیل نیز میتوان کار گرفت:

در مورد اینکه اشتراک‌کننده گان مطابق انعکاس تجارب شان

نخست به منازعه اجتماعی توجه می‌کنند و در مورد تحقیقات

خود را تکمیل میکنند و بعد از آن اقدامات اعمار صلح را آغاز می کنند(بالخاصه آن تجارب و اقداماتی که مردم و موسسات دیگر را شریک می سازند).

در مورد اینکه در همچو فعالیتها نخست به جوامع خاص، مناطق و یا کشورها توجه متمرکز می شود، بعد از آن تحلیل های مقایسوی از کشورها و مناطق دیگر انجام می شود. در مورد اینکه دوره انعکاس و بازتاب در نظر گرفته شده که به عوامل منازعات، نمونه های از تحرکات سیاسی، تفاوت ها و مشابهت ها در اقدامات و فعالیت های اعمار صلح توجه می شود.

شیوه ها و امکانات اعمار صلح که قبلاً مشاهده نه شده بود ازین پروسه بدست می آید.

بعد ازین میتوان بالای پلان اجراءات بر مبنای تجارب آموخته شده بصیرتی و معلوماتی که در نتیجه تبادل مفکوره ها و دانش تجاربی که اشتراک کننده گان دارند، کار کرد(بالخاصه انانیکه در ساحه عملی منازعه به عمق واقعیت اجتماعی رسیده اند).

اشتراک کننده گان میتوانند ساحات اعمار صلح را مورد بحث قرار دهند که به اوضاع و حالات مشخص شان ارتباط دارد. بطور مثال در بعضی حالات فعالیت اعمار صلح در سایر موارد میانجیگری جانب سوم

و یا هم نظارت از توافقات شاید خیلی مربوط بوده و یا هم ایجاد
ائتلاف بیشتر با اهمیت جلوه کند.

ورکشاپ ها برای موسسات غیر دولتی و جامعه مدنی

هدف همچو ورکشاپ ها این است تا به موسسات غیر دولتی و
نماینده گان جوامع مدنی (بالخاصه آن موسساتی که در حالات بحرانی
و انتقال دموکراتیک قرار دارند و یا هم بمنظور تغییرات عمیق اجتماعی
و سیاسی کار می کنند) معلومات و دانش دقیق جهت استحکام جامعه
مدنی و موسسات مربوط آن فراهم گردد. مباحثات در ساحات متعدد
متمرکز بوده که در حالات انتقالی با اهمیت بوده، به شمول:

انکشاف و تحفظ از حقوق بشر

آزادی قضا و حاکمیت قانون

انکشاف بر بنیاد های مردمی و دوام دار

تحفظ محیط زیست

احترام به حقوق زنان

نقش جوانان و اطفال

در منازعات داخلی ایکه در آن حل سیاسی از طریق مذاکرات
بدست آید (و یا هم مساعی انجام شود) بهتر خواهد بود تا نورمهاو معیار
های شناخته شده حقوق بشر و قوانین بشری بین المللی را در آن مد
نظر گرفت. مباحثات در مورد عناصر مختلفه جامعه مدنی مانند پروسه
های انتخابات، تعلیمات به رای دهندگان، اشتراک در انتخابات و نظارت

از آن، کمیسیونهای مستقل انتخابات، مشاورت های مؤثر در زمینه پالیسی های عامه و قانون سازی را میتوان متمرکز ساخت.

درینجا از دو مثال ورکشاپ های رشد ظرفیت ها برای موسسات و جامعه مدنی یا داور می شویم که از جانب موسسه آگاهی بین المللی (IA) در فلیپین با موسسات همکار داخلی تدویر شد. یک ورکشاپ در مورد حقوق مردم در حکومت داری بود که زیاد تر بالای سیستم های محلی و اشتراک مردم متمرکز شد. ورکشاپ در راستای توانمند ساختن مردم و موسسات شان بخاطر دفاع از دست آورد های دموکراتیک، توسعه و گسترش ساحات صلح آمیز و پیشرفت پروسه اعمار صلح کمک کرد.

ورکشاپ ها برای حل مشکلات

ورکشاپ ها جهت حل مشکلات جوانب منازعه را در یک فضای غیر منازعاتی باهم یکجاساخته که در انجام حل منازعات آنها با تسهیل کننده گان شان ملاقات می کنند. تسهیل کننده گان در یک جریان باز حل مشکلات، مسایل دلچسپی ها، منافع، اختلافات و برخورد های عام را تشخیص می دهند تا بدینوسیله مذکرات متوقع صورت گرفته و از آن نتایج بیشتر و مثبت را کسب کرد.

این قابل اهمیت است تا اشتراک کننده گان نظریات و افکار شان را در یک فضای صمیمی و بدون توهین و تهدید بیان نموده و تصویری در زمینه نتایج متوقعه نزد خود ایجاد کنند. این کمک می کند تا توافق در

زمینه اصول بنیادی جهت مذاکره بعدی (دیالوگ دیگر) بدست آمده
تفاهم برای دست آورد ها بیشتر گردد.

اکثری اوقات دیالوگ و مفاهمه باید از مذاکرات قبل صورت گیرد
که در همچو حالات دیالوگ تسهیل کننده بخاطر تضمین مراحل بعدی
خیلی ها موثر و با اهمیت می باشد.

اشتراک کننده گان این ورکشاپ ها شامل افرادی بوده که
در مذاکرات موجوده دخیل اند و همچنان اشخاصی که میتوانند بالای
اتخاذ کننده گان فیصله ها و تصامیم تأثیر و نفوذ دارند تا جوانب منازعه
را در مذاکرات ممکنه بعدی گردهم آورند.

بعضی اوقات ورکشاپ بالای پروسه هامتمرکز شده، در حالیکه
در سایر موارد از متبادل های ممکنه دیگر که جهت مباحثه پیشنهاد می
شود، نیز باید کار گرفت.

تنظیم و تدویر ورکشاپ ها در همچو چوکات باعث مقتدر شدن
اشتراک کنندگان می شود زیرا ورکشاپ به یک فعالیت متقابل تبدیل
شده و بین اشتراک کننده احساس مسوولیت مشترک را پرورش می
دهد.

روحیه صداقت، باز بودن و جستجوی توافق در جهت حل منازعه
مفید واقع می شود. ورکشاپ های ظرفیت سازی نه تنها در مورد حل
منازعات مؤثریت دارد بلکه این مثالها و نمونه های از پروسه های است
که در حل منازعات در دیگر ساحات نیز از آن کار گرفته می شود.

ضرور است تا ارتباطات را تنظیم کرد و در زمینه منازعات ممکنه از آن استفاد شود. تجمع افراد در یک ورکشاپ مشخص یک موقع و فرصت است تا مسایل را تجربه کرد وبالای مطالعه دقیق عمل کرد. ازینجانب است که مفروضه های بنیادی و ارزشهای که در عرصه های مختلف با منازعات و جود دارد قابل اهمیت می باشد.

اساسات دیزاین و طرح ورکشاپ

بعد از یک مباحثه وسیع فیصله بعمل می آید تانوعیت ورکشاپ را از لحاظ مناسب بودن، و جزییات آن معین کرد. فیصله ها و تصامیم اساسی ایکه بالای نوعیت و چگونگی ورکشاپ تاثیر دارد عبارت اند از: یک ورکشاپ واحد و مختص و یا اینکه سلسله از ورکشاپها باشد؟

محتوی و متن ورکشاپ چیست؟

اشتراک کننده گان آن کیها اند؟

چقدر طول خواهد کشید؟

تسهیل کننده گان که ها اند؟

در کجا؟

چه وقت؟

از کدام لسان ها کار گرفته می شود؟

یاد داشت ها و دست نویس های ورکشاپ؟

سایر منابع آن کدام اند؟

سطح دانش اشتراک کننده گان
مواد بصری و سمعی و ورکشاپ و غیره

ورکشاپ های ایجاد ائتلاف

ورکشاپ های ایجاد ائتلاف ها همکاران ممکنه و پوتانسیال را باهم یکجا ساخته تا آنها با هم همکاری بهتر داشته و ازین طریق مساعی و تلاشهای شان را بطور بهتر بکار اندازند. همکاران و پارتنران همان کشور و یا منطقه میتوانند ملاحظات مشترک شان راتشخیص دهند. آنها میتوانند یا باهم تعهد نموده تا یکجا باهم بصورت مؤثر جهت ایجاد منابع و زخیره های پایدار برای صلح کار کنند و به این منظور طرق و شیوه ها را دریافت نمایند.

یک مثال ونمونه ورکشاپ های ایجاد ائتلاف در بورندی **Burundi** صورت گرفت که منتج به تهیه پلان مشترک عملی در فبروری شد.

این ورکشاپ ها ائتلاف ها را تشویق کرد تا پیرامون موضوعات مانند وقایه منازعه و یا هم دیپلوماسی وقایوی باهم یکجا شوند. طور مثال یک ورکشاپ در در اوسلو (Oslo) تدویر شد که در آن موسسات و سازمانهای مختلف از کشور های سکاندناویا و اروپا گردهم آمدند که هدف آن هم آهنگی مساعی و اقدامات وقایوی عاجل بود. درجایکه امکان تشکیل ائتلاف مؤثر موجود باشد،همچو ورکشاپ ها ارزش واهمیت خاص خود را دارد.

اشتراک مردم در پروسه های صلح

سایر ورکشاپ ها که از جانب آگاهی بین المللی (IA) تدویر شده و در آن معاونت با همی وجود داشت در مورد موضوع «**اشتراک مردم در پروسه های صلح**» بود. این ورکشاپ ها رامیتوان در جمله ورکشاپ های رشد ظرفیت ها برای فعالین صلح نام گذاشت. همچنان این ورکشاپ ها برای ایجاد ائتلاف ها نیز کمک می کند. همچو ورکشاپ ها در آسیا، افریقا و امریکای لاتین تدویر گردید. درین ورکشاپها اشتراک کننده گان اهمیت اشتراک و دخیل ساختن شهروندان را در امر پیشبرد اعمار صلح برجسته ساخته و به آن توجه شانرا مبذول نمود و به گروه های و سکتور های مربوطه پیشنهاد نمودند تا در همچو ابتکارات عملاً سهیم شوند. در بعضی حالات آنها همچنان مسایل و اجنداها را پیشنهاد نمودند تا برای اشتراک مستقیم شهروندان در کنفرانس صلح که به آرزوها و امید های مردم در زمینه صلح دایم پاسخ بگویند اقدامات عملی برای اشتراک شان صورت گیرد.

گرد همایی شهروندان در کنفرانس ملی صلح دارای دو مرحله دریک پروسه بوده که هدف آن گرد آوردن نمایندگان موسسات غیرحکومتی و سکتور ها با اهمیت جامعه میباشد. هدف و مقصد از این اقدام این است تا از طریق غیر رسمی، مردم را در پروسه های صلح شریک ساخت که در نهایت ممد و حمایت کننده اقدامات و روشهای رسمی مذاکرات بین جوانب درگیر در معضله باشد، که در قدمه های

بعدی کمک می کند تا ساختار و بنیاد برای اعمار صلح باشد که برای رسیدن به صلح پایدار لازمی پنداشته می شود. اشتراک کننده گان در گرد همایی مقدماتی نمایندگان موسسات بوده که میتوانند در امر تنظیم اجندای وسیع اقدامات صلح کمک کنند. گرد همایی های مردم برای تدویر کنفرانس سرتاسری ملی زمینه را مساعد می سازد تا همه اقشار جامعه درین جهت متحرک شوند. در اجندای هر دو گرد همای مردم و کنفرانس صلح مطالب اتی شامل شده میتواند:

تحلیل وضع ملی که طی آن مشکلات و دورنما ها برای اعمار صلح تشخیص گردد؛

مباحثه عام پیرامون اقدامات جهت توسعه ساحات و اجزایی پروگرام صلح و اینکه چگونه بالای جوانب معضله فشار آورده شود تا یک حل سیاسی طی مذاکرات جستجو گردد.

فورمولبندی اجندای اعمار صلح، که تشخیص کننده مسایل مربوط به حقوق بشر، قانون حقوق بشری بین المللی، حکومت داری اصول اجتماعی و سیاسی، ستراتیژی انکشافی اقتصادی، حقوق اجتماعی و فرهنگی و تقاضا های سکتور های بنیادی (دهاقین، کارگران، فقرای شهرها، زنان، جوانان) می باشد.

ایجاد شورای صلح که از همه جامعه نمایندگی کند؛

ایجاد گروه های از شهروندان تا در عرصه نظارت از تطبیق توافق صلح بالخاصه حقوق بشر، نشر راپورهای رسمی عامه و تدویر دیالوگ ها بین جوانب کمک کنند. ورکشاپ های که سهمگیری شهروندان را در پروسه های صلح در کشور های مربوطه و مناطق شان نشان میدهد در فهرست جزوه هذا آورده شده است.

پروسه های ورکشاپ (Workshop process)

تصمیم در مورد تعیین اشتراک کنندگان

عناصر مشترک که طرح ورکشاپ

فرضیات

اساسات دیزاین ورکشاپ

سطوح و میتود های ورکشاپ

چگونگی و خصوصیات تسهیل کننده گان و تعداد شان

پروسه های تعارفاتی

دینامیزم و تحرکات گروه ها

قرار داد با اشتراک کننده گان

اصول بنیادی

گروه های بنیادی (قاعده یی)

گروههای رهبری کننده

بازگشت به محل کار

ارزیابی

تعقیب و پیگیری

فیصله در مورد اینکه نوعیت ورکشاپ چه باشد؟

مطابقت نوعیت ورکشاپ و گروپ اشتراک کننده گان خیلی اهمیت دارد. دو سوالی که در آغاز پلان ورکشاپ سازماندهندگان را راهنمایی می کند و در جریان بعد از آن کار گرفته می شود، عبارت اند:

نوعیت ورکشاپ چه باشد؟ (نظربه اشتراک کننده گان ممکنه، یاموسسات و یا اینکه کدام مرجع پروسه پلانگذاری ورکشاپ را بعدا بعهدۀ می گیرد؟)

کدام بخش از اشتراک کننده گان میتوانند تا از ورکشاپ مربوطه استفاده بیشتر کنند؟

از طریق همین دو پرسش اساسی جهات مختلف پلانگذاری ورکشاپ تصور شده می تواند:

از اشتراک کننده گان ورکشاپ (به این ترتیب ورکشاپ مدرنیزه شده تا به نیاز مندی های تشخیص شده اشتراک کننده گان پاسخ بگوید)، یا

از ورکشاپ به اشتراک کننده گان (اینکه اشتراک کننده گان مناسب برای یک نوع خاص ورکشاپ مد نظر باشد).

اکثراً، همین دو پرسش ویا استقامت ها پلان کردن ورکشاپ از جانب تسهیل کننده گان و اشتراک کننده گان در بحث و مشاجره آورده می

شود. در نتیجه ملاحظه همین دویزشش مطابقت بین ورکشاپ و اشتراک کننده گان بدست آمده می تواند.

در بعضی موارد نتایج متوقع بدست نمی آید. باید سلسله از ورکشاپ های مهم عمومی و، یا ورکشاپ های حل مشکل و بوجود آوردن ائتلاف ها که عمدتاً بالای یک منازعه یا کشور و منطقه متمرکز باشد تدویر می گردد. درهمچو حالات اینکه چه پلان شده ، محدودیت زمانی آن چیست و تا کدام حد معقولیت دارد باید به اشتراک کننده گان مد نظر گرفته شود و به آنها رسانیده شود.

برای اینکه انواع مناسب ورکشاپ دیزاین و اشتراک کننده گان مناسب انتخاب گردد، معمولاً طور آتی مورد مشوره قرار می گیرد: از موسسات و افراد دعوت می شود تا در ورکشاپ اشتراک نمایند.

از این طریق به موسسات کمک می شود تا فرد و یا افرادی انتخاب گردند که از ورکشاپ بطور اعظم استفاده نموده بتوانند. منفعت دیگر همین پالیسی در آن است که افراد مهارت یافته در چوکات موسسه فعالیت داشته و ستون های انرا تحکیم بخشیده با سایر موسسات روابط بوجود می آید. معمولاً در نتیجه اشتراک کارمندان موسسات مختلف و ورکشاپ ها روابط بین الموسساتی تقویت می یابد. تجارب شخصی و توسعه نظریات بین افراد تقویت می یابد.

این کیفیت‌ها خیلی با اهمیت است، تنوع در ورکشاپ‌ها از طریق گروه‌ها در سطح ملی اجتماعی، قومی و تعلیمی و وظایف کارمندان بوجود می‌آید. در همچو ورکشاپ‌ها افراد از عرصه‌های نظامی، دیپلماتیک و اجتماعی اشتراک ورزیده که همراه با دانشمندان و فعالین NGO یکجا شده تنوع خاص را بوجود می‌آورند. در سایر موارد ورکشاپ‌ها برای اشتراک‌کننده‌گانی دیزاین شده که از یک ساحه جغرافیایی، گروه و یا حرفه خاص نمایندگی می‌کنند. زنان بیشتر تشویق شود تا در ورکشاپ‌ها اشتراک ورزند. تلاش و مساعی خاصی بخرچ داده شود تا تعادل بین اشتراک‌کننده‌گان بوجود آید، و این بخاطری است تا عدم تعادل قدرت که در بسیاری جوامع رخ می‌دهد اصلاح شود و تجارب اندوخته شده بکار افتد. در بعضی حالات نظر به منطقه و کلچر تنها ورکشاپ‌ها برای زنان مناسب می‌باشد.

اشتراک‌کننده‌گان

نیازمندی‌ها و امکانات ورکشاپ‌های مختلف نظر به اشتراک‌کننده‌گان و نظر به سابقه کاری شان توام با شرایط موجود، تنوع دارد، بطور مثال:

آنها کی‌ها اند؟

آنها با کدام چالش‌ها مواجه اند؟

سطح تجربه شان در ورکشاپ ها و عمل نمودن چطور است؟
آیا آنها یک دیگر را می شناسند و از کدام طریق؟
آیا آنها از جمله گروپ های داخل منازعه اند؟
آیا در آینده آنها با هم یکجا، کار خواهند کرد؟
آیا آنها در جستجوی فرصت های اند تا مهارت های عمومی و تفاهم شان تقویت گردد و یا اینکه از طریق یک مسئله خاص می خواهند تقویه یابند؟

آیا در آنجا کدام منازعه خاصی وجود دارد که آنها در آن شریک بوده و یا اینکه کدام نقشی را در آن ایفاء می کنند؟
منازعه در کدام سرحد قرار داشته و کدام راه ممکنه شمولیت برای آنها موجود است تا در حل منازعه دخیل شوند؟
جوابات این پرسشها با ما کمک می کند تا محراق توجه ورکشاپ را معین ساخت. بطور مثال ایجاد گروپ و مهارت های کمپاین، یا ایجاد پلها، حل مشکلات، مهارتهای مذاکره و میانجیگری و تنظیم جریانات بعد از جنگ و نیازمندی های اعمار مجدد و مصالحه از جمله مسایل قابل غور می باشد.

اگر گروپ از قبل باشد در انصورت نیازمندی ها و اولویت های عمومی را تشخیص دادن کار آسان خواهد بود. سازماندهندگان و تسهیل کننده گان ورکشاپ انرا از قبل تشخیص داده می توانند.

اگر گروه از قبل موجود تشخیص نگردد و از طریق دعوت خواسته میشوند، درینصورت سازماندهندگان و تسهیل کنندگان ورکشاپ باید از وضع عمومی منطقه و غیره فهم کامل داشته باشد و نیازمندی های افرادی را که برای شان ورکشاپ تدویر می گردد درک کنند. سازماندهندگان و تسهیل کننده گان باید در زمینه معلومات کافی را بدست آورند و تمام خصوصیات اشتراک کننده گان ممکنه را درک نمایند.

سوالنامه ها در مورد قبل از تدویر ورکشاپ ارسال شده و در آن در مورد فاکتورها و عوامل بنیادی مانند سن، تحصیلات و وظیفه، تجربه و غیره باید پرسیده شود. از اشتراک کننده گان متوقع خواسته می شود تا در مورد خود، دلچسپی ها و توقعات شان را نوشته کنند، که چرا آنها در همچو ورکشاپ ها علاقمندی دارند و کدام تغییر را همچو ورکشاپ ها برایشان بوجود آورده می تواند. چیزی را که آنها می نویسند با تسهیل کننده گان کمک می کند که کدام نوع ورکشاپ برای شان اهمیت دارد و یا اینکه کدام یک از اشتراک کننده گان مناسب است تا به ورکشاپ متذکره دعوت شوند.

در همه موارد تسهیل کننده گان و سازماندهندگان باید آماده باشند تا خود را با جریان ورکشاپ دیزاین شده عیار سازند- زیرا هر گروه از خود نیازمندی ها و تحركاتی بخصوصی خود شان را دارا می باشد.

عناصر مشترک دیزاین ورکشاپ

در حقیقت بعضی از عناصر در همه ورکشاپ ها عام می باشد. این مواردی است که در هر نوع ورکشاپ های ظرفیت سازی میتوان از آن کار گرفت. عناصر مشترک که ایکه درینجا توضیح شده نظر به اهمیت و اولویت در فهرست ذکر گردیده است:

فرضیه ها Assumptions

اساسات دیزاین ورکشاپ

مراحل (سطوح) و میتودهای ورکشاپ

خصوصیت و تعداد تسهیل کننده گان

پروسه های مقدماتی (معرفتی)

تحرکات گروهی

قرارداد، با اشتراک کننده گان

اصول وقواعد ورکشاپ

گروه های قاعده ایی

گروه های رهبری کننده

بازگشت به محل کار

ارزیابی سیستم و نتایج ورکشاپ

تعقیب و پیگیری پلان عملی دیزاین شده در ورکشاپ

مفکوره ها (Ideas)

همه ورکشاپها با مفکوره خاصی مبتنی است. بعضی از فرضیه های یک ورکشاپ قرار ذیل است:

اینکه اقدام برای حل منازعه باشد باید به یاد داشتهای که برای هرمنازعه دور نماهای اجتماعی و سیاسی دارد هر دو در ورکشاپ شامل شود.

اینکه پروسه آموزش درین ورکشاپ ها باید از طریق میتود های فعال به شکل ذات البینی تقویه شود و از تعقل و تجارب موجود اشتراک کننده گان بخاطر غنای و ورکشاپ کار گرفته شود.

اینکه ارزشهای احترام بخود و به دیگران بنیاد خوب برای اقدامات تعمیری در عرصه های حل منازعات و ایجاد ظرفیت ها برای حل منازعات بوجود می آورد.

در ورکشاپ دیگری ظرفیت سازی، تسهیل کننده مفکوره های را طرح می کند که بالای آن ورکشاپ مبتنی است.

عرصه های روانی، هیجانی، ذهنی و عملی گروپ و تجارب را باید با هم بافت زیرا آنها یکی با دیگر ارتباط دارد.

گروپ به مثابه یک جامعه آموزشی از طریق میتود های اشتراک مبدل شده که در آن از تجربه انفرادی هر فرد استفاده بعمل آمده کار در فضای غیر رسمی و آرام ادامه پیدا می کند.

تحلیل ها و تصورات هر دو قابل اهمیت است، مواردی خنده و جدیت متمم یک دیگر بوده در ورکشاپ ها بازی ها و خواندن ها نیز باید شامل گردد.

اجندای که تهیه می گردد باید در چوکات انکشافات و مهارت ها تهیه شود که در مراحل بعدی ورکشاپ قابل تغییر است.

تجربه خود گروپ که با هم کار می کند مواد مهم برای آموزش را تهیه می کند، زمانی که ضروری باشد در جریانکار بعدی (بطور مثال اگر بالای کدام منازعه مشخص کار صورت می گیرد) از آن کار گرفته می شود.

در همه مباحثات، ارزیابی و بازدهی (فیدبک) پروسه های ورکشاپ شامل فهرست مندرجات موضوعات و مسایل بوده و بازدهی شامل مواردی فرهنگی ورکشاپ و مواد آن شده می تواند.

این قابل اهمیت است که هر دو سازماندهندگان و اشتراک کننده گان باید آگاهی داشته باشند که ورکشاپ بالای کدام نظریات و مفکوره ها استوار است. سازماندهندگان و تسهیل کننده گان میتوانند که از تهیه لست مقدماتی مفکوره ها آغاز نمایند. این فهرست مقدماتی شاید شامل مفکوره ها و عقاید مشخص آنها باشد و بخش دیگران در برگیرنده خصوصیت ورکشاپ باشد. آنها می توانند در یابند که مفکوره های مختلف دارند(بطور مثال در مورد آموزش) و یا هم اگر مشکل در زمینه

پلانگذاری و رکشاپ موجود باشد که طی آن مفکوره ها وضاحت می یابد. اگر سازماندهندگان؛ هم به توافق نمی رسند در این صورت مفکوره های مطروحه می تواند مغالطه شود و اختلافات را بوجود آورد. در مراحل بعدی زمانی که ورکشاپ تفصیلی شود در جریان و بعد از ورکشاپ باید مفکوره های که بالای آن ورکشاپ دیزان شده تحت چیک و کنترل آورده شود. به اشتراک کنندگان باید مفکوره های ورکشاپ توضیح داده شود. و شفافیت کار سازماندهندگان که ناشی از صداقت کاری آنها محسوب می شود لازم است.

اساسات دیزاین ورکشاپ

بعد از آنکه تصمیم اساسی در مورد اینکه کدام نوع از ورکشاپ مناسب است بعضی از نقاط و جزئیات باقی مانده باید مورد غور قرار داده شود فیصله های اساسی که بالای نوعیت ورکشاپ تاثیر دارد قرار ذیل است:

یک ورکشاپ واحد و یا سلسله از ورکشاپ ها؟

فهرست مطالب چیست؟

اشتراک کنندگان ایکه اشتراک میورزند؟

برای چقدر مدت ادامه خواهد یافت؟

در کجا تدویر می شود؟

چه وقت؟

از کدام لسانها کار گرفته می شود؟

دست نویس ها؟

سایر منابع؟

اگر ورکشاپ واحد و برای یکبار و یا هم سلسله نخست ورکشاپ ها باشد و اینکه برای چه مدت زمان طول خواهد کشید مواردی است که بالای محتوی ورکشاپ تاثیر وارد می کند. فیصله ها درین مورد باید برای اشتراک کننده گان واضح باشد، زیرا آنها باید بدانند که چه را بدست می آورند. بطور مثال ورکشاپ شاید بمثابة یک موضوع معرفی حل منازعه ارایه شود و یا یک ورکشاپ ایکه که دارای تحلیل منازعه و یا مذاکرات و غیره باشد.

محتوی و مسایل حل منازعه خیلی ها وسیع است، مثلیکه در بخش ورکشاپ های اعمار ظرفیت نشان داده شده است. مگر ورکشاپ های ظرفیت سازی نیاز به شمولیت تمام عرصه های حل منازعه دارد. این که کدام موضوعات در یک ورکشاپ خاص شامل شود بالای مسئله اشتراک کننده گان تاثیر دارد.

اینکه کی ها تسهیل کننده گان خواهند بود، یکی از فیصله های مهم سازمانده گان ورکشاپ است. این موضوع در نظر گرفته شود که کیها موجود اند، تخصص آنها چیست، خصوصیات فرهنگی، طبقاتی و مذهبی و جنسی آنها در نظر گرفته شده و برای موقعیت ورکشاپ و اشتراک کننده گان، طرز و میتود های کاری آنها مناسبیت دارد یا نه؟ آیا آنها قبلاً با هم یکجا در همچو موارد کار کرده اند؟ اگر بلی - در انصورت ارزش و اهمیت اشتراک آنها بالامی رود. اگر نه در انصورت آنها باید با

هم ببینند و متعهد شوند که با هم کار خواهند کرد. یکی از فیصله‌ها و تضامیم مهم در زمینه تسهیل‌کننده‌گان این است که آیا آنها از خارج و از مناطق و کلتورهای کشور دیگر آمده‌اند و یا اینکه از داخل هستند. در هر صورت آنها باید از مسایل محلی آگاهی داشته باشند.

در کجا و چه وقت ورکشاپ تدویر می‌شود؟ فیصله‌درین زمینه اهمیت دارد. آیا محل و زمان ورکشاپ با حوادث و روزهای مذهبی و سالگردهای در محل تصادف می‌کند یا نه؟ آیا برای اشتراک‌کننده‌گان محل تدویر ورکشاپ مناسب است یا نه؟ بالخاصه آیا محل و جای ورکشاپ برای آنها موزون است؟ آیا تسهیلات ترانسپورتهی تلفون و سایر امکانات وجود دارد؟

لسانهای کاری ورکشاپ برای اشتراک‌کننده‌گان و تسهیل‌کننده‌گان باید در مراحل اول ورکشاپ مورد غور قرار گیرد. آیا کدام لسان مشترک برای آنها ممکن است که برای همه مورد قبول باشد؟ آیا لسان اولی اشتراک‌کننده‌گان و تسهیل‌کننده‌گان یکی است؟ آیا حین ورکشاپ ترجمه جریان خواهد داشت؟ در کدام لسان و توسط که و تا کدام اندازه این ترجمه تاثیر خواهد داشت؟ همچنان این موارد در ازدیاد مصارف نقش داشته، ترجمه سرعت ورکشاپ را کم می‌سازد (همچنان تعداد موضوعات را کم می‌سازد) نوعیت ورکشاپ را ترجمه تغییر می‌دهد و چگونگی برداشت نیز متغیر می‌باشد. در نتیجه ضرورت و نیاز به ترجمه مراحل و سطوح ورکشاپ توام با میتودهای

آن مشکل و غیر مناسب می شود. اگر چه تداوم کار در گروپ های خورد را میتوان بدون ترجمان سازماندهی کرد. ترجمه بنوبه خود تبادل تجارب را مشکل می سازد زیرا در جریان ترجمه تفاهم و مفاهمه به شکل درست صورت گرفته نمی تواند. بیشتر ضرورت احساس می شود تا عقب میکروفون قرار گرفت و بالای موضوعات روشنی انداخت. همچو حالات رسمی نا آرامی را بیار آورده روحیه اعتماد و باور بین اشتراک کننده گان تضعیف می شود، زیرا بیشتر به سخنرانی ها توجه می شود. در حل همچو مشکلات و از بین بردن موانع لسانی ورکشاپ های که با لسان های متعدد و مخلوط از چند لسان تدویر می شود، کمک می کند، تسهیل کننده گان ماهر میتوانند از ترجمه ها بشکل ابتکاری کار بگیرند و تاثیرات متوقعه آن در پلانگذاری ورکشاپ ها در نظر گرفته شود. یاد داشت ها و دست نویس های که تسهیل کننده گان به دسترس اشتراک کننده گان در اخیر هر مرحله یا ساعت کاری ورکشاپ قرار میدهند در موثریت ورکشاپ تاثیر دارد. در این یاد داشت ها موضوعات اساسی هر دوره یا مرحله ورکشاپ بصورت اجمالی و خلاصه تنظیم شده و معمولاً دارای چیک لست، توضیحات، دیاگرام ها، تصاویر وغیره می باشد. از سایر منابع نیز مانند فلیپ چارت، سلاید ها، پروجیکتور، اوورهاید پروجیکتور و فیته تیپ نیز کار گرفته می شود.

مراحل و میتود های ورکشاپ

ورکشاپ های ظرفیت سازی از سطوح و مراحل مختلف کاری متشکل شده که عبارتند از :

- تیوری : یک تیوری خاص بطور مثال در باره شنونده خوب توضیح و تشریح می گردد.
 - تجربه : بطور مثال اشتراک کننده گان در تمرینات مختلفی شامل شده و اکثراً آنها در جوهره ها و گروپ های کوچک قرار می گیرند، و این بخاطری است که آنها شنوندگی فعال را تمرین کنند.
 - عملاً - بطور مشخص : در جای که یک مورد حل منازعه تحت پوشش قرار گرفته و از اصطلاحات و مثال های زنده گی عملی در آن کار گرفته می شود. درینجا یک مورد و قضیه خاص مورد مطالعه قرار داده می شود.
 - عمومی : درین صورت یک عرصه و مورد بصورت عمومی تحت پوشش و بحث آورده شده- از هر اشتراک کننده خواسته می شود تا بطور واضح عمومیات موضوع را بیان کنند و بالای آن از هر طرف روشنی انداخته شود.
- حین کار و پیش برد موضوع از میتود های خاص ذیل کار گرفته می شود:
- جلسات عمومی
-
-

-
- جوهره ها و مثلث ها
 - گروه های کوچک
 - ارایه گذارشات
 - لکچر های مختصر (کوچک)
 - تمثیل ها
 - فعالیت های بصری

تغییرات میان میتود ها و مراحل مختلف در تنوع ورکشاپ ها کمک نموده، اشتراک کننده گان با هم خلط شده و در حصه ایجاد ارتباطات جدید کمک می کند. میتود های مختلفه ورکشاپ برای موضوعات مختلف و انواع ورکشاپ ها مفید است. بطور مثال زمانی که تحلیل منازعات برای یک ورکشاپ معرفی می شود درینصورت یک گرد همایی مجموعی با همه اشتراک کننده گان بهتر است. ولی زمانی که اشتراک کننده گان در مورد تحلیل منازعه به موضوعات و حالات مشخص تماس می گیرند، گروه های کاری کوچک معمولاً بهتر است. بعضی از جوانب موضوع یک روش کاری را می طلبد، استماع فعال اکثراً در جوهره ها و مثلث ها عملی می شود.

جلسات عمومی : به مساعی مشترکه راه راهموار می سازد.

زیرا در همچو جلسات همه اشتراک کننده گان در آن جمع شده و تبادل نظر می نمایند. همچو جلسات در آغاز و در اختتام ورکشاپ ها مدنظر گرفته شده و در صورت ضرورت و بحث بالای مسایل عمده

همه روزه تدویر می گردد. موضوعات جدید معمولاً به گروه در جلسات عمومی قبل از کار در گروه های کوچک ارایه می شود. اگر از جلسات عمومی زیاد کار گرفته شود در آنصورت ورکشاپ حالت عاطلانه و غیر متحرک را که به شکل یک نواخت باشد، می گیرد. درینصورت یک یا دو نفر تشویق خواهند شد تا صحبت کنند و دیگران را در حالت خاموشی قرار دهد، همه اشتراک کننده گان متوجه یک نفر تسهیل کننده می باشند.

بخاطری که این همه نواقص را مرفوع ساخت در بعضی از جلسات عمومی ورکشاپ ها تسهیل کننده گان مباحثات و مشاجرات را در سالون جلسه تشویق نموده و خود شان را منحث ریکارد کننده و تحریر کننده نقاط مهم قرار میدهد. بازی های تمثیلی نیز در جریان جلسات عمومی عملی شده و در اینجا راپور ها از جوهره ها و گروه ها اخذ شده می تواند. حین تدویر جلسات عمومی ورکشاپ ها گذارشات و بیانات گروه ها کوچک به تمام گروه بصورت مجموعی ذریعه دیاگرام، گراف وغیره، چگونگی تکمیل کار شان را توضیح می نماید. افراد و گروه ها می توانند تجارب شان را در زمینہ منازعه و اعمار صلح شریک سازند. همه این سهمگیری ها منابع خوب برای ورکشاپ ها محسوب می شود.

لکچر های کوچک در جلسات عمومی از جانب تسهیل کننده در مورد بعضی از جوانب مسئله مطروحه ارایه می شود. هدف ازین لکچر

ها ارایه معمولات فشرده در مورد یک موضوع بوده که در مراحل بعدی از طریق میتود ها و شیوه های دیگر ورکشاپ در گروپ های خورد تکمیل می گردد. همچو لکچر های کوچک اگر به شکل منظم ترتیب گردد در تنوع ورکشاپ کمک می کند. خلاصه ساختن موضوعات نیز در اجلاسیه های عمومی کمک می کند. اشتراک کننده گان میتوانند که منازعه ای را که تحت تحلیل آنها قرار دارد توسط «تمثیل های عملی» مجسم کنند، طوری که در سالون در قسمت های مختلف وضعیت های مختلف را گرفته و توسط همچو وضعیت های افراد منازعه را تمثیل می کنند. همچو میتود های ورکشاپ ها شاید در بعضی از فرهنگ های بشری مناسب نباشد.

گروپ های کوچک چهار نفری و یا بیشتر بطور تشدید یک موضوع را مورد مطالعه قرار میدهند که در انجا مفکوره ها ارایه شده و بطور ازادانه بالای موضوع بحث صورت می گیرد. به گروپ کوچک وقت محدود داده می شود و معمولاً بالای یک یا دو چیز توجه خاص مبذول می گردد که به اینترتیب مطالعه تشدید و ابتکاری تشویق می شود. معمولاً از یک نفر خواسته می شود تا وقت را کنترل کند و از فرد دیگر خواسته می شود تا موضوعات عمده و ضروری را یاد داشت کند (ازین یاد داشت به خاطر گذارش بعدی برای جلسات کار گرفته می شود).

جوره ها و مثلث ها (گروپ دو نفری) در ورکشاپ روابط نزدیک و جدید را تشویق نموده و بخاطر تبادلۀ معلومات و احساسات خیلی مفید می باشد. تسهیل کننده گان اکثراً از جوره ها در مرحله نخست کار می گیرند تا که هم اشتراک کننده گان احساس کنند که یکی با دیگر ارتباط نزدیک دارند و ازین طریق روحیه اعتماد تقویت می شود. از مثلث ها در تمریناتی کار گرفته می شود که فرد سوم منحيث مشاهده دو نفر دیگر می باشد و بعداً نقشها تغییر کرده تا هر یکی از سه نفر نقش را بازی کنند. ازین طریق مشاهده و نظارت بیطرفانه تشویق شده و افراد در همچو گروپ خورد خود را آرام و آسوده احساس می کنند، نسبت به اینکه در یک گروپ بزرگ و یا اجلاسیه عمومی باشد. در جوره ها و مثلث ها اشتراک کننده گان میتوانند کنترل کننده گان زمان بوده تا که وقت برابر برای همه داده شود و صحبت کنند. در گروپ های کوچک، جوره ها و مثلث ها، تسهیل کننده گان معمولاً فاصله از نظارت و مشاهده دارند. این تمرینات ورکشاپ ها بعضاً مشکلاتی را که در حصه صداقت و همکاری موجود است اشکار می سازد. در بخش تحرکات گروپی ایکه جریان دارد، تسهیل کننده گان میتوانند که عادت تحکم و حاکمیت یک یا چندتن از اشتراک کننده گان را دریافت کند و یا اینکه چند نفری را تشخیص دهند که در جریان کار خاموش مانده اند و یا اینکه توافقات های تشکیل شونده افراد را مشاهده کنند. آنها میتوانند که گروپ ها را طوری مشاهده

کنند که در حال ارایه پاسخ بوده و یا هم بالای یک مشکل خاص با طرق مختلفه صحبت می کنند.

در مورد هر نوع عادت‌ی که بطور متداوم به یک گروپ مزاحمت می کند، تسهیل کننده از راه های متنوع کار گرفته و مداخلت نموده می تواند و از جمله : نقش کنترل زمان کاری یا یادداشت نمودن را به همچو افراد بدهد یا نه دهد. با ارایه یک نکته عام همین عادت را مورد بحث قرار دهد. بطور مثال تسهیل کننده میتواند که اجندا را دو باره تنظیم کند تا با سرعت در موضوع منازعه شامل شده و تیپ ها را از هم تفکیک نماید.

بعد ازین از هر گروپ خواسته شود تا تشخیص نمایند که کدام تیپ ها در گروپ های شان متبازر می شوند. گروپ های کوچک اکثراً با این پروسه از طریق مطرح ساختن سوالات کمک می کنند تا با مشکلات کار کنند.

بازی های تمثیل برای این بوده تا نقشهای مختلف را بازی کنند. بطور مثال یک نفر نقش میانگیری و دو نفر دیگر نقشهای جوانب درگیر در معضله را بازی می کنند. به آنها امکان داده شده تا نقشهای مختلف را در منازعه داشته و اینکه طرق و شیوه های مختلف سلوک شان را نشان دهند. همچنان در زمینه اینکه چه خوب می گذرد و چه بد، معلومات کافی بدست می آید. بازی های تمثیلی معمولاً بالای مفکوره ها و فهم فرهنگی اشتراک کننده گان استوار می باشد. این را

میتوان در گروه های کوچک آغاز کرد و بعد ازینکه اشتراک کننده گان اعتماد و باور حاصل می کنند میتوانند از مواد متذکره در اجلاسیه های عمومی ورکشاپ کار گرفت.

تسهیل کننده گان ورکشاپ در عرصه بازی های تمثیل وظایف مشخص دارند که عبارت اند از:

- به گروه ممثل در مورد یک حالت و واقعه اتفاق افتیده توضیحات داده و سناریوی آنرا برای شان تمثیل کند. و یا هم با گروه کمک کند تا یک سناریو را انتخاب کند.
 - در مورد نقشهای مختلف که همان وضع را تشریح کند، بحث کنید و در زمینه سپردن نقشها کمک کنید.
 - فضای فزیکي را در صورت ضرورت تنظیم نمایید.
 - احساس عدم مصئونیت را کاهش داده : درین زمینه طریقه مشخص وجود ندارد، این مربوط به تصور و طرز تلقی هر فرد بوده و عجیب نیست که هر یک در آن سهیم باشد، به اشتراک کننده گان وقت داده شود تا در مورد نقشها فکر کند و در آن شامل شوند، بهتر است که افراد به جاهای حرکت کنند که در آنجا نقشهای شان را خوب تمثیل می کنند، بازی تمثیل آغاز شده و باید مشاهده کرد که چه واقع می شود و چگونه اعضای گروه با هم معامله می کنند (این را میتوان یاد داشت کرد).
-
-

- در یک موقع مناسب توقف اعلان می شود، باید در نظر داشت که چقدر وقت برای این منظور تخصیص یافته و بازی تمثیل به کدام مرحله رسیده است. این قابل اهمیت است تا برای دو باره در حالت اولی آمدن از تمثیل و فیدبک وقت کافی در نظر گرفته شده باشد، اگر نظر به بعضی عوامل بازی تمثیل از کنترل بیرون می شود، بهتر خواهد بود تا وقفه اعلان شود و در مورد اینکه چه واقع شده صحبت گردد، ولی ازین روش در مرحله نهایی میتوان کار گرفت، زیرا بازی تمثیل با قوت احساسات ارتباط بنیادی دارد.

- از هر نفر تمثیل کننده پرسید که چه وقت بازی تمثیل متوقف شد، و یا اینکه بگویید که فرد تمثیل کننده در همان لحظه ای که در تمثیل قرار داشت چگونه خود را احساس می کرد، بعد ازین از ممثل میتوان پرسان کرد که برای حالت بعد از بازی تمثیل آماده است و اینکه احساسات زمان بازی تمثیل را پشت سر بگذارد، برای اینکه این کار را انجام داد لازم است تا جاها را تغییر داد و در سالون ورکشاپ به جای گذشته خود برگشت کند، حالت بعد از بازی تمثیل بخاطری خوب است که اگر اشتراک کننده گان با یک شیوه خاص بگویند که نقش اجراء شده خود را خوش داشتند و از حالت کنونی چه تفاوت را

احساس می کردند. تسهیل کننده ورکشاپ هر یکی را کنترل می کند و از همه در زمینه فیدبک و باز دهی را می طلبد.

- به هر یکی از تمثیل کننده گان موقع دهید تا در مورد چگونگی بازی تمثیل مشاهدات شان را بیان کنند، اینکه در زمان بازی چه احساس کردند، چگونه احساس کردند و بطور خاص کدام موارد بالای سلوک غیر خشونت امیز تاثیر دارد، و آیا میانجیگری کمک کرده یا نه و اگر نه چرا، بعد ازین تسهیل کننده میتواند مشاهدات و نظریات خود را علاوه نماید.

تسهیل کننده گان در زمینه تمثیل ها از تنوعات کار می گیرند. بعضی از تسهیل کننده گان ترجیح میدهند تا به طور شفاهی رهنمود های شفاهی ارایه کنند و از اشتراک کننده گان می طلبند تا خود را وارد سازند. دیگران ترجیح میدهند تا به اشتراک کننده ها یاد داشت های خلص در زمینه سناریو ارایه شده بدهند و نقش های مختلفه را سازماندهی کنند.

بازی های تمثیلی که در مورد مذاکرات باید انجام شود، از جانب تسهیل کننده طوری تنظیم می شود که در مرحله نخست همه اشتراک کننده گان ورکشاپ به گروپ های کوچک تقسیم می شوند که آنها بطور دستجمعی نقشهای مختلف را به عهده می گیرند. متبادل به این تسهیل کننده میتواند نقشهای مختلفه را بنویسد و از اشتراک کننده گان بخواهد که یکی از نقشهای یاد شده را به عهده گیرد، یا هم اکثراً موثر

است اگر به گروه های تمثیل وقت داده شود تا با تسهیل کننده موضوعات مطروحه برای تمثیل را تحت بحث قرار داده و یا هم انرا با وی قبل از عملی نمودن تمرین نماید. همچنان وقت کافی باید برای مرحله بعدی از ادای نقش مدنظر گرفته شود. مثال ها و نمونه های نقشها که افراد و یا گروه های کوچک آنرا در زمینه مذاکرات و میانجیگری بعهدده می گیرند قرار اتی است:

- مذاکره کننده گان برای جانب منازعه (A) (بطور مثال حکومت)
- مذاکره کننده گان برای جانب منازعه (B) (بطور مثال اپوزیسیون)
- میانجیگر و تسهیل کننده ها برای مذاکرات
- اردو (قوای مسلح)
- سایر گروه های مسلح
- مطبوعات
- افراد مذهبی و گروه های شهروندان
- نماینده گان موسسات و کارکنان خارجی

در بسیاری حالات مفید خواهد بود که یک یا دو نفر از مشاهده کننده گان موجود باشند که آنها فیدبک گرفته و بعداً بالای موضوع بحث کنند. اگر درینجا نقش دوم موجود باشد، آنهاى که در گذشته در نقش مشاهدهان بودند میتوانند در یکی از نقش ها تمثیل کننده باشند و

به دیگران موقع داده شود تا مشاهده را انجام دهند. مشکل است تا بازی های تمثیل در اوقات از قبل تعیین شده برابر شود. ولی هر گاه سعی شود تا تقسیم اوقات برای مباحثات از قبل تعیین باشد بهتر خواهد بود. طبیعی است اگر بازی تمثیل در زمان مقرر انجام می شود در انصورت طویل ساختن آن غیر موثر می باشد. وقت باقیمانده را میتوان غرض مباحثه عمومی روی موضوعات مطروحه به کار برد.

در بعضی از ورکشاپ ها از تقلید ها نیز کار گرفته می شود، تقلید ها معمولاً مشابه به بازی تمثیلی بوده ولی معمولاً خیلی وسعت میداشته باشد.

بصری ساختن ورکشاپ یک نوع میتود دیگر است. تسهیل کننده گان ندرتاً تنها بالای مفاهیم شفاهی اکتفاء می کنند. معمولاً تلاش زیاد از جانب تسهیل کننده گان صورت می گیرد تا راه ها و طرق دریافت گردد تا مفکوره ها و پروسه های جاری تحت مباحثه قرار بگیرد.

درینصورت آنها امکان پیدا می کنند تا در زمینه دقت کنند و عرصه های جدید را آشکار سازند که غیر از آن نمیتوان به آن توجه کرد. این یک اصل مفید برای تسهیل کننده ها بوده تا در مورد مفکوره و پروسه عمده فکر نموده و آنرا برای دیگران بموقع مجسم و آشکار سازد و همه این را باید در چوکات معینه زمان و یا تقسیم اوقات تعیین شده انجام داد.

در بعضی حالات تسهیل کننده مسایل و موضوعات را به اشتراک کننده گان مجسم میسازد که خود شان آنها دریافت کرده تا در مرحله بعدی کار مورد بحث، سوال و جواب و یا هم تحت تعدیل قرار گرفته و بعد از آن مورد تطبیق قرار داده شود. اگر تسهیل کننده یک موضوع را برای ورکشاپ یا مساعی مشترک انکشاف می دهد درانصورت پروسه ورکشاپ با قوت بیشتر پیش می رود. این یک پروسه باز بوده و تسهیل کننده از اشتراک کننده گان می طلبد تا آنها در مورد مفکوره و یا پروسه جاری نظریات شان را ابراز کنند. این نظریات و پیشنهادات روی ورق فلیپ چارت وغیره با پیشنهادات و تعدیلات مختلفه آورده شده و برای کار بعدی آماده می شود این یک پروسه بوده که تا اندازه زیادی منفرد بوده و هر فرد میتواند مطابق تجربه خود شان در آن اشتراک ورزد و مطابق طرز دید خود پاسخ ها را ارایه کند. از همین تنوع عمیق نظریات و تفاوت ها یک تصویر کلی و جمعی بدست می آید.

گروه های کوچک میتوانند که گذارشات شان را در اجلاسیه عمومی ورکشاپ بصورت مصور و یا بصری ارایه کنند.

در مجموعه رهنمودی بخش ظرفیت سازی ورکشاپ ها و قسمت ان در زمینه پروسه های ورکشاپ بعضی از مواد بصری در زمینه موضوعات اساسی و پروسه های آن دارد. این نه تنها طرق یگانه مصور ساختن و یا بصری ساختن موضوعات و پروسه ها نه بوده و نمیتوان آن

را یگانه طریقه خوب پنداشت. هر تسهیل کننده و هر گروپ ورکشاپ
میتواند انواع دیگران را پیدا کند که برای آنها موثر و مفید باشد.
سروده ها، بازی ها (موسیقی فولکلور، هنرنمایی) بخش مهم ورکشاپ
ها می باشد. برای اینکه همچو مطالب را در اجندای ورکشاپ شامل
ساخت لازم می افتد تا ملاحظات فرهنگی مدنظر گرفته شود، نظریات
هم از اشتراک کننده ها گرفته شود مانند تغییرات در مراحل ورکشاپ،
میتود ها و غیره سروده ها، بازی ها و هنرنمایی ها به تنوع و با کیفیت
ساختن ورکشاپ کمک می کند.

ازین موارد زمانی کار گرفته می شود که ورکشاپ روی یک موضوع
طول بکشد و یا هم مسئله حل منازعه خسته کن گردد. همچو فعالیت
ها در جریان ورکشاپ به شاملان انرژی و تحرک می بخشد تا با
علاقمندی در موضوعات دیگر ورکشاپ شامل شوند. از اشتراک کننده
گان میتوان تقاضا کرد تا نظریات و پیشنهادات شان را در زمینه ارایه
داشته و گروپ های کوچک مسولیت سروده و یا هنر نمایی بعدی را
بعهده بگیرد. ازین طریق میتوان اطمینان حاصل کرد که طریقه هذا برای
اشتراک کننده گان مورد قبول و پذیرش است.

خصوصیات و تعداد تسهیل کننده گان یا پیش برنده گان

باید دانست که تسهیل کننده گان چگونه کار می کنند و کدام تعداد آنها در ورکشاپ اشتراک دارند تا آنرا موثر سازند. مطلب از خصوصیات انفرادی تسهیل کننده گان این است که تا کدام اندازه وی در طرز ارایه و تسهیل حالت رهنمودی و راهنما را گرفته و تا کدام اندازه نظریات و افکار شان را با اشتراک کننده گان شریک می سازد. تسهیل معمولاً بالای ارتباط بین تسهیل کننده و اشتراک کننده گان و پروسه آموزش تاثیر دارد و اینکه تا کدام اندازه موضوعات مطروحه در ورکشاپ یاد گرفته شده است. در مقابل «رهبر» معمولاً راهنمایی و هدایت میدهد و از روش آموزگاری و استادانه کار می گیرد. درینصورت با موضوع و مسئله به شکل پوشیده برخورد صورت می گیرد.

این هر دو خصلت به این مسئله تعلق می گیرد که دانش و فهم در مورد موضوع مطروحه از کجا منشاء می گیرد. خصوصیت و خصلت تسهیل کننده اشکار می سازد که فهم و دانش از همه اعضای ورکشاپ و یا گروپ در جریان تداوم کار ورکشاپ انکشاف می یابد. خصلت و خصوصیت امرانه و رهبری کننده نشان میدهد که دانش و فهم از خود شخص رهبری کننده و زعامت ورکشاپ منشا گرفته و به اشتراک کننده گان انتقال می یابد. هر کرکتر و خصوصیت از خود مزیت ها و نواقص دارد.

<p>نواقص :</p> <p>تصمیم گیرنده می باشد، در مورد نقش وضاحت نمی داشته باشد، فقدان رهنمایی زیاد. چالش ها را ایجاد می کند که باعث چارو جنجال میگردد، در مورد قدرتمندی تردد دارد.</p>	<p>مزیت ها:</p> <p>قوت می بخشد. باید مورد احترام باشد، حمایت کننده است.</p>	<p>خصوصیات (خصلت)</p> <p>تسهیل کننده : غیر رهنمودی، کمک کننده، ایجاد کننده روابط برابر با اشتراک کننده گان.</p>
<p>امکان دارد دیگران را نادیده گرفته و باعث رنجش و خشم دیگران شود، با قدمه های رهبری حرکت کند. و نه با قدمه های اشتراک کننده ها.</p>	<p>امکان دارد که بخوبی توضیح دهد و دیگران را تشویق کند، در زمینه قدرتمندی و نقشهای مختلفه وضاحت دارد.</p>	<p>رهبر : هدایت می دهد، استادانه است، با مضمون شخص سر و کار دارد، عدم مساوات را ببار می آورد.</p>

اینکه از کدام خصلت کار گرفته شود مربوط به شخصیت و تعقدات افراد مربوطه و موضوع مورد بحث می باشد. اشتراک کننده گان امکان دارد با یک طرز و خصلت نسبت به دیگر آشنایی داشته باشند و با یک خصوصیت و طرز زیادتیر خود را آرام احساس کنند که حین پلان نمودن ورکشاپ باید روی آن بحث صورت گیرد و نظر به اشتراک کننده گان و موضوع مربوطه تصمیم گرفته شود.

این مجموعه و جزوه رهنمودی ورکشاپ بصورت کل عمومیات خصلت ها و طرز های تسهیل کننده گان را مورد ارزیابی قرار می دهد. ولی علی الرغم آن در بعضی از ساعات کاری ورکشاپ میتوان از خصلت و طرز ارایه استادانه و رهبری کننده نیز کار گرفت. با الخاصه زمان ارایه لکچر های کوچک با چنین برخورد میتوان به ورکشاپ ها تنوع بخشید و آنرا زمان ارایه موضوع تیوریکی با اهمیت ساخت.

تعداد تسهیل کننده گان نیز تا اندازه زیاد بالای نوعیت و چگونگی ورکشاپ ها تاثیر دارد. یک تن از تسهیل کننده شاید تمام وقت بالای وظیفه باشد و امکان دارد خسته شود که در آن صورت بصورت موثر و مطابق خواست ورکشاپ کار را به پیش برده نتواند. در نتیجه تدویر ورکشاپ ها با یک نفر تسهیل کننده از تنوع در ورکشاپ کاسته شده و اگر یک نفر از اشتراک کننده گان با تسهیل کننده علاقمندی کم داشته باشد در انصورت برای همچو اشتراک کننده گان امکان متبادل نفی می شود. یک نفر تسهیل کننده شاید به مشکل مواجه شود اگر همه

اشتراک کننده گان در برابر شان قرار بگیرند که در همچو حالات
ورکشاپ مفهوم خود را از دست می دهد.

دو و یا بیشتر تسهیل کننده گان ورکشاپ امکان آنرا دارند تا حجم
کار را با هم تقسیم کنند و یکی با دیگر حمایت و مشاهده کنند و با طرز
ها و خصوصیات منفردانه شان به کار ورکشاپ تنوع ببخشند. با هم
همکاری و تشریک مساعی کنند و بالای نوعیت ارتباط اشتراک کننده
گان در ورکشاپ تاثیر می گذارند. داشتن بیش از یک تسهیل کننده به
اشتراک کننده گان موقع میدهد تا با هم ارتباط پیدا کنند که بصورت
عموم یک مزیت بوده ولی بعضاً انقطاب را بوجود آورده که همچو
انقطاب بین اشتراک کننده گان مشکلی را بار می آورد، زیرا تعداد از
اشتراک کننده گان به یک نفر تسهیل کننده ترجیح میدهند و تعداد
دیگری به تسهیل کننده دوم که چنین تقسیم فضای کاری ورکشاپ را
مغشوش می سازد. تسهیل کننده گان میتوانند دریابند که خصوصیات و
طرز کار شان انقطاب را باعث شده یکی ان نرمتر و ملایمتر شده و
دیگر سخت تر و فاصله گیر می شود و یا هم یکی بسیار قوی و دیگر یا
دیگران آن قوت را نداشته باشند که قوی توجه اشتراک کننده گان را
به خود جذب نموده و دیگران را ارزش ندهند.

مفید خواهد بود که با تسهیل کننده گان یک یا دو همکار موجود
باشند تا آنها کارهای عملی مانند تنظیم محل ورکشاپ، هوتل وغیره را
انجام دهند و این همکاران به تسهیل کنندگان در بخشهای خاص

کمک و معاونت می کنند و از پروسه ورکشاپ نظارت بعمل می آورند. همراه با تسهیل کننده گان و بعضی از اشتراک کننده گان این معاونت را نیز به عهده گرفته می‌توانند که در آغاز ورکشاپ موضوع کمک آنها از طرف تسهیل کننده باید واضح گردد. این دارای اهمیت است که قبل از تدویر ورکشاپ همه عناصر متشکله ورکشاپ طبق مفروضه ها و اصول بنیادی مورد غور و بحث قرار داده شود.

صفات و مهارت های که باید تسهیل کننده ورکشاپ از آن برخوردار باشد:

- قابلیت آنرا داشته باشد تا از آن عده اشتراک کننده گان حمایت بعمل آورد که از هیجانان قوی منازعه با الخاصه غم ها، ترسها و غصه ها گذشته باشند و صدمه دیده باشند.
 - مهارت های حل منازعات را بکار برده و با گروه کمک کند تا مشکلات را که در جریان ورکشاپ بروز می کند حل نمایند و یا هم با ترکیب نمودن گروه در زمینه سهولت ایجاد کند، و یا
 - اجندا و تقسیم اوقات کاری ورکشاپ را مطابق ضرورت و نیازمندی های روانی و تحرکات اشتراک کننده گان ورکشاپ عیار سازد.
 - در بعضی حالات قدرت و یا نیرو پیش برنده برای اشتراک کننده گان قابل اهمیت است که باید در مرحله نخست ورکشاپ به آن توجه معطوف شود. علاوه بر آن مسایل عاجل در زمینه هویت و منشاء اتنیکی مطرح شود. تسهیل کننده گان
-
-

زمینه را مساعد کند که اعتماد بین اشتراک کننده باید قبل از آغاز ورکشاپ بوجود آید. تسهیل کننده گان تصمیم می گیرند که قبل از مطرح نمودن این موضوعات فضای اعتماد ایجاد شود و اگر آنها ضرورت انرا احساس می کند که ایجاد فضای اعتماد ضرورت عاجل است در انصورت پروسه اعمار اعتماد را شامل سایر پروسه های ورکشاپ کنند، مانند توافق روی اهداف، بستن قرار داد با اشتراک کننده گان و سایر اصول بنیادی. در بسیاری حالات یکی از نیازمندی های عاجل و قوی گروه آن است تا ورکشاپ برای مقصد عام انکشاف داده شود. بعد از مرحله معرفی و ایجاد اعتماد هر یک از اشتراک کننده گان خود را آرام احساس می کنند، این برای همه در حصه تفاوت ها و اختلافات و بعضاً در منازعاتی که مورد بحث آورده می شود یک مسئله عام است.

پروسه مقدماتی یا معرفی

طرق و شیوه های زیادی جهت معرفی اشتراک کننده گان و تسهیل کننده گان وجود دارد. پلان نمودن پروسه معرفی و تخصیص زمان کافی در آغاز ورکشاپ خیلی ها اهمیت دارد حتی اگر اشتراک کننده گان یکی دیگری را بشناسند، و بعضاً اتفاق می افتد که اشتراک کننده گان یکی دیگری را خوب می شناسند و چند نفر محدودی می باشند که در ورکشاپ جدیداً آمده اند تا در یک گروه ایجاد شده اشتراک

ورزند. تسهیل کننده گان برای معرفی میتود های مورد پسند خود را از قبل آماده سازند. دو شیوه معرفت اشتراک کننده گان قرار اتی است:

معرفت جوهره یی و گروهی زمانی صورت می گیرد که دو نفر در یک جوهره با هم یکجا که از قبل با هم معرفت نداشته باشد. قرار می گیرند هر یکی از اشتراک کننده گان به نوبه در جریان تقریباً سه دقیقه به همکاری خود که با وی یکجا شده در مورد شخص خود معلومات می دهد، اشتراک کننده گان بعد ازین باز گشت نموده و به گروه عمومی یکجا میتواند همکاری شان را معرفی بدارند. برای همچو معرفت به آنها صرف دقیقه وقت داده می شود، هدف ازین نوع معرفت تکرار همان مطالب است که زمان معرفت همکاری شان در مورد خود گفته است.

در حالت دیگر اشتراک کننده گان در گروه های سه نفری تقسیم شده و در جریان ده دقیقه با هم صحبت می کنند. این وقت داده شده میان شان مساویانه تقسیم شده و توقعات شان را ابراز میدارند. آنها طی این مدت با نوبت ارزشها و هراسهای شان را در مورد ورکشاپ دایر شده شریک می سازند. زمانی که اشتراک کننده گان متذکره به گروه بزرگ باز می گردند تسهیل کننده گان این توقعات و هراسها را بالای یک کاغذ سفید بزرگ جمع آوری نموده از بیان آنها و مطابق به آن پاسخ می گوید. چیزی که درینجا قابل اهمیت میباشد آن است که احساسات و توقعات مردم انعکاس یافته و بیان می شود، آنها ازین نگاه احساس راحت نموده و تسهیل کننده گان از آن آگاهی دریافت می

کنند. اگر توقعات غیر عملی و یا هم ترسها و هراسهای بی جا باشد درانصورت تسهیل کننده باید آنرا مورد قناعت اشتراک کننده گان سازند.

بعد از این مرحله معرفتی، تسهیل کننده گان ورکشاپ اجندای ورکشاپ را طرح نموده و مسایلی را که بالای ورکشاپ تدویر شده تاثیر دارد توضیح میدارند. پروسه معرفتی ورکشاپ با عقد قرار داد با اشتراک کننده گان، طرح اصول بنیادی و ایجاد گروپ های قاعده یی ادامه می یابد.

تحرکات گروپ (Group dynamics)

چیزی که درینجا قابل غور است عبارت از تحرکات گروپ ورکشاپ بوده که زیادتیر باید مورد نظر باشد. تحرکات گروپ متعلق به ارتباطات تعداد و اقشار مختلف میان اشتراک کننده و تسهیل کننده گان بوده که بصورت مجموعی گروپ را تشکیل می دهد. کلمه «دینامیک» و متحرک بیانگر آن است که این گروپ نیرومند، قابل تغییر و متحول است.

تشکیل گروپ و بوجود آوردن اعتماد ایجاب زمان و توجه مینماید و باید متداوم آنرا نگهداشت و این امر با اهمیت میباشد که اعضای گروپ قابلیت آنرا داشته باشند تا روی یک مقصد واحد متحد شوند و ارزشهای مشترک کارشان را بخوبی درک کنند، بدون اینکه بالای

اختلافات و مسایل غیر مترقبه سر پوش گذاشته شود باید اهداف ذیل را کسب کرد:

- تا اهداف مشخص ورکشاپ و یا گروه را بدست آورد
- تا اعضای گروه با تعهدات خود اهداف مطروحه را تعقیب نمایند.
- تادرک گردد که همه افرادی که در ورکشاپ یا گروه کاری ورکشاپ اشتراک می ورزند در برابر اهداف متذکره مسوولیت دارند. اینکه چه را باید بدست آورد باید در مرحله نخست حین عقد قرار داد یا پلان گذاری ورکشاپ با شرکت کننده گان ذکر شده باشد.

قرار داد با اشتراک کننده گان (Contract with participants)

ورکشاپ های ظرفیت سازی با ارزشهای و مسایلی ارتباط دارد که بالای افرادی مرتبط شده و آنهای که با هم یکجا کار می نمایند تاثیر می گذارد. در نتیجه این اقدام اساس برای تسهیل کننده گان و میتود های کاری ورکشاپ آماده می شود. در آغاز تسهیل کننده واضح می سازد که برای ورکشاپ کدام میتود را برگزیده است.

بطور مثال تسهیل کننده در جریان ورکشاپ اعلان می کند که گروه ها تجارب و معلومات شان را بطور مقایسوی شریک ساخته و به آموزش خود طی این پروسه تشریکی تقویت بخشیده و میتوانند پلان

آینده را مطرح سازند. در یکی از ورکشاپ‌ها بطور نمونه وی این مطلب طور اتی وضاحت و روی آن موافقه صورت گرفته است:

پلان ورکشاپ

تقویت همدیگر در ورکشاپ

مقایسه از تجربه‌ها

شریک سازی تجارب

یکی از تسهیل کننده‌گان این را بنام «زینه ورکشاپ» می نامد و سایر تسهیل کننده‌گان در دیگر ورکشاپ‌ها الفاظ دیگر برای آن دارد تا بطور مناسب آنرا توضیح کند. تسهیل کننده به لست مراجعه کرده می تواند تا پروسه‌های جاری ورکشاپ را (بطور مثال، لکچرهای کوچک، بیانیه‌ها، گذارشات، بازی‌های تمثیلی) و موضوعات قابل پوشش (بطور مثال منازعات، شهروندان، شراکت، میانجیگری) را لست کند. بعد از این ارزشها کلیدی میتود ورکشاپ که شامل میتود و پروسه‌ها بوده، میتوان بیان و تحریر کرد. بطور مثال :

- پیش گویی

- وضاحت (شفافیت)

- توافق، تطابق (ملایمت، نرمش و یا توافق با همی)

در یکی از ورکشاپ‌ها قرار داد با اشتراک کننده‌گان مانند یک اهرم طرح شد. عناصر اولی که درین اهرم طرح شد، عبارت بود از دو ارزش ورکشاپ : احترام به فرد دیگر و مسوولیت (همبستگی) برای وی.

بعد از اینکه ازین ارزشها چگونه کار گرفته شد ذیلاً طرح شده است:
احترام متقابل در شنیدن دقیق به فرد دیگر و مسوولیت در گفتار
درست برای وی ترسیم گردید. هر دو ارزش در سایر موارد پیشبرد
ورکشاپ انعکاس یافته است.

مسوولیت برای (همبستگی) یا احترام

به اینترتیب تسهیل کننده ورکشاپ را آغاز نموده و این ارزش را
اعلام و نشان میدهد. بسیاری تسهیل کننده گان این معلومات را از
طریق شریک ساختن مفکوره ها و اهداف ورکشاپ انتقال میدهند بدون
اینکه از مفهوم «قرار داد با اشتراک کننده گان» کار بگیرند.

اصول بنیادی

این بخش مطالبی دیگری است که گروه های ورکشاپ به ان
بخاطر کسب اهداف نیاز دارند. بعد از اینکه قرار داد تسهیل کننده با
اشتراک کننده گان انکشاف یابد اصول و مقررات اساسی بخاطری
ضرور است تا گروه خوبتر کار کند. تسهیل کننده میتواند توضیح کند
که موضوع و محتوی ورکشاپ زمانی آغاز می گردد که مقررات برای
جریان ورکشاپ پذیرفته شود. بعضی از تسهیل کننده گان همچنان
میتوانند آنرا بنام توافقات جریان کار بنامند. توافق گروه بخاطری
ضرور است که قابلیت کار باهمی را دریافت کند.
جلسات و گردهمایی های مختلف مقررات بنیادی مختلف و متفاوت
دارد، گرچه این مقررات ندرتاً وضاحت یافته باشد. در بعضی از گرد

همایی‌ها به هیچ سوال پاسخ گفته نمی‌شود و یا اینکه در پایان به آن پاسخ ارایه می‌شود و یا هم پذیرفته شده تا در گفتار سایر سخنرانان مداخلت نه شود و یا هم بالای آنها غالمغال صورت نه گیرد. جلسات کاری، گرد همایی‌های اجتماعی، مباحثات پارلمانی تبادل نظریات صمیمانه همه آن دارای مقررات پیشبرد ان می‌باشد.

برای ورکشاپ‌های ظرفیت‌سازی مقررات بنیادی کدام اند؟
تسهیل‌کننده‌گان می‌توانند مقررات بنیادی را لست نمایند و مباحثات را براه اندازند که برای آنها مورد پذیرش باشد. و یا هم اینکه آنها سوالات را براه انداخته و از اشتراک‌کننده‌گان نظریات و پیشنهادات طلب نمایند، به اینترتیب‌گروپ در مورد این سوال بنیادی فکر می‌کند، آنرا بطور دستجمعی مورد بحث قرار داده و مقررات خاص منحصر به خودشان را بوجود می‌آورد. بعضاً طرح مقررات بنیادی ورکشاپ از طریق نظریات اشتراک‌کننده‌گان بدون پیشنهاد تسهیل‌کننده مفید و موثر می‌باشد. طی این پروسه شاید چیزی باقی بماند و تسهیل‌کننده در زمینه می‌تواند بپرسد (بطور مثال) «شما چه فکر می‌کنید که ناوقت خلاص شویم؟ آیا این درست است؟» اگر اشتراک‌کننده‌گان نمی‌خواهند با کدام بخش موافقت داشته باشند در انصورت تسهیل‌کننده در تردد می‌ماند تا توافق نظر را بوجود آورد و یا هم باید بالای یک موضوع تاکید ورزیده و آنرا تحمیل نماید. همچو برخورد مسئله استعمال قدرت را در مراحل بعدی ورکشاپ انکشاف می‌دهد.

تعیین مقررات بنیادی ورکشاپ از طریق سهیم ساختن همه گان در آغاز ورکشاپ بهتر بوده زیرا همه در مباحثه شریک شده و احساس مسوولیت برای شان پیدا می شود. اشتراک کننده گان بعداً در موضوعات ورکشاپ از قبل منازعه و حل آن فعالانه سهیم می شوند. بعضی از مقررات و اصول بنیادی برای ورکشاپ های ظرفیت سازی قرار اتی میتواند باشد:

- به هر فرد اشتراک کننده زمینه اشتراک فعال داده شود
 - به فرد دیگر بدون مداخله نمودن و انقطاع گوش شود و در صحبت شان مداخله صورت نه گیرد.
 - بدون کدام مانع ابراز نظریات، مفکوره و احساسات، برای اینکه اشتراک کننده بی الایشانه صحبت نماید و برای همچو صحبت آزادی داشته باشد.
 - محرمانیت و راز داری در صحبت ها مراعات شود، صحبت برای کریدت گرفتن نباشد (در هر دو حالت در جریان ورکشاپ و بعد از آن، اینکه به تمام گروپ از موضوعات حساس گذارش نه شود، مسایلی حساس که بین جوهره ها و گروپ ها مطرح می شود).
 - اجندا و تقسیم اوقات با توافق نظر همه اشتراک کننده گان آورده شود اینکه تسهیل کننده و اشتراک کننده گان آنرا مورد بحث و مشاجره قرار داده باشند.
-
-

-
- تعهد برای اینکه همه با هم در جریان ورکشاپ کار کنند.
 - نقش و کردار تسهیل کننده مورد پذیرش باشد.
 - آزادی درخواست برای وقت بیرون از جریان ورکشاپ
 - اختصاص زمان ملاقات های خصوصی با تسهیل کننده (غیره).
 - دقیق بودن در زمان کار گروهی.

تسهیل کننده گان تمام مطالب به توافق رسیدن را بیرون نویسی نموده و آنها شامل مقررات اساسی می سازند. مقررات وضع شده بالای تخته کاغذ آورده شده در یک جانب اتاق ورکشاپ آویزان می شود و هر ورکشاپ و گروه از اشتراک کننده گان میتوانند بیشتر ازین و یا با حذف از این موضوعات مقررات برای خود شان وضع نمایند.

گروه های بنیادی

عبارت از گروه های کوچک اند که بطور دوامدار در جریان ورکشاپ با هم ملاقات ها و جلسات دارند. گروه های قاعده یی یا بنیادی امکانات آنها فراهم می سازند تا اشتراک کنندگان مفکوره ها و احساسات شان را باهم در جریان نشست های خصوصی خارج از اجندای ورکشاپ شریک سازند. این گروه ها همچنان امکانات آنها فراهم می سازند تا ارتباطات نزدیک بین اشتراک کنندگان بوجود آید، بدینترتیب اشتراک کنندگان بشکل فعال در ورکشاپ شریک شده و قدرتمندی را کسب می نمایند. معمولاً در هر گروه در حدود چهار تن یا کمی بیشتر یا کمتر اشتراک می ورزند (نظر به اشتراک کنندگان در

ورکشاپ) و معمولاً سه گروه بنیادی تشکیل می‌گردد (اگر تنها دو گروه بنیادی باقی بماند، در اینصورت رقابت و انقلاب در ورکشاپ بوجود می‌آید، که این مشکلات را به بار خواهد آورد). اوقات منظم در تقسیم اوقات کاری گروه‌های بنیادی برای جلسات و نشست‌ها مد نظر گرفته می‌شود، معمولاً یک نشست در هر روز برای دقیقه می‌باشد. گروه‌های قاعده‌ی در وسط زمان ورکشاپ و وقت خصوصی مد نظر می‌باشد: معمولاً به اشتراک کنندگان باید موقع داده نه شود تا در وقت خصوصی زیاد تر مصروف شوند بلکه در وسط کار ورکشاپ با جریان آموزش همچو نشست‌ها مخلوط گردد. زمانی که روز کاری ورکشاپ با یک گروه قاعده‌ی پایان می‌رسد، تسهیل کنندگان ترجیحات کاری خود را در زمینه معین می‌سازند ولی اگر عین وقت در جریان ورکشاپ داده شود. بهتر خواهد بود، زیرا این امر کمک می‌کند تا بصورت مجموعی در کار ورکشاپ یک نوع هم‌آهنگی و نظم را ایجاد کرد.

بهتر است تا هر گروه‌های بنیادی در روز اول ورکشاپ ایجاد گردد و معمولاً از آن در مرحله آموزشی یا ساعت اول درسی ورکشاپ کار گرفته می‌شود. اینکه این گروه‌ها چگونه ایجاد شود امری است قابل دقت. بهتر به نظر می‌رسد اگر این گروه‌ها با انتخاب خودشان ایجاد شود: تسهیل کننده میتواند اعلان کند که به همه موقع داده خواهد شد تا طی چند دقیقه از مجموع اشتراک کنندگان افرادی را

انتخاب کنند که در جریان ورکشاپ بطور منظم با هم می بینند و نشست های را دارند، بعد از این تسهیل کننده میتواند که بطور تفصیلی مفهوم کار گروه های بنیادی را توضیح داشته و از اشتراک کنندگان تشکیل این گروه ها را تقاضا نموده و نشست نخست گروه را آغاز کند. باین ترتیب اشتراک کنندگان افرادی را انتخاب خواهند کرد که خود را با آنها راحت و آرام احساس می کنند، چنین طرز کار انتخاب گروه ها در ورکشاپ های که ترکیب نامتجانس و خیلی ها مخلوط شده دارد، قابل اهمیت پنداشته می شود. یک نوع جنسیت و یا یک زبان و یا هم افراد با فرهنگ مشترک نظر به ضرورت در تشکیل گروه ها مد نظر گرفته می شود.

در بعضی حالات تسهیل کنندگان میتوانند که از اشتراک کنندگان تقاضا نمایند تا گروه قاعده بی شان را تا حد ممکنه مخلوط و متنوع انتخاب نمایند.

بهتر است اگر گروه های قاعده بی با تعداد مساوی باشند. تسهیل کنندگان میتوانند که کوشش کنند تا این کار را در توضیحات اولی شان انجام دهند، بطور مثال چهار گروه هفت و یا هشت نفری ایجاد شود. حتی اگر گروه های با تعداد غیر مساوی ایجاد می شود که درینصورت تسهیل کننده میتواند مداخله را به شکل تدریجی پیش برد: تا دو نفر دیگری را بخاطر تشکیل گروه انتخاب نماید، بعد از این از مثلث ها خواسته می شود تا یک دیگری را برای یکجاشدن انتخاب کنند تا.

بخاطری که این عمل کار تسهیل کنندگان را سهل می سازد بناً در آن از عجله کار گرفته نه شود. این یک پروسه نیرومند برای ایجاد ارتباطات محسوب شده و بالای تمام ورکشاپ تأثیر دارد.

انتخاب کردن و یا انتخاب شدن یک تجربه هیجانی و توام با احساسات برای هر فرد می باشد و ایجاب فرصت و حساسیت می کند. بعضاً به تسهیل کنندگان وظایف خاص درارتباط با گروه های قاعده یی داده می شود. در ورکشاپ های دیگر این متعلق به گروه ها است تا چگونگی و نوعیت کار بعدی شانرا معین سازند. چیزی که در قرار داد از آن خواسته می شود عبارت از نشست و معلومات شان است (میتوانند فیصله کنند تا وقت انفرادی شانرا مورد استفاده قرار دهند). تسهیل کننده باید احساس خودمختاری و مسوولیت گروهی را از طریق پیشنهادات شان تقویت کند، هر گروه ملاقات شانرا خودشان تعیین می نماید. بعداً تسهیل کننده پیشنهاد می نماید تا هر گروه مطابق اصول و مقررات اساسی شان به کار خود ادامه دهد. اگر گروه ها تقاضای نمایند تا توافق شان را در زمینه مطرح ساختن موضوعاتی که از جانب گروه های قاعده یی و بنیادی انکشاف یافته است در مجموع ورکشاپ مورد بحث قرار دهد، حاصل کنند، در جلسه عمومی ورکشاپ موضوع متذکره تحت غور و بحث آورده شده و یا اینکه گروه های بنیادی انرا رد نمایند.

تسهیل کننده گان در زمینه برقراری تماسها با گروه های قاعده
یی از هم تفاوت دارند. بعضی ها ترجیح میدهند تا گروه های
نمایندگان شان را تعیین کنند و تسهیل کنندگان با نمایندگان گروه ها
در تماس می باشند، خصوصاً برای ارزیابی وفیدبک چنین گروه ها
خوب است.

سایرین انرا به گروه ها می گذارد تا چگونگی ارتباط شان را با
تسهیل کننده معین سازد. گروه های قاعده یی همچنان بنام گروه
های خانگی ویا سایر نامهانیز یاد می شوند.

گروه های رهبری (Leading Groups)

برای براه انداختن یک ورکشاپ بهتر است تا گروه رهبری کننده
و نفری ایجاد شود. چنین گروه میتواند قبل از آغاز ساعات کاری
ورکشاپ تشکیل گردد.وظیفه این گروه رهنمود و عملی نمودن
پروگرام ورکشاپ مطابق ترجیحات و نیازمندی های اشتراک کنندگان
بوده که در ترکیب آن میتوان تسهیل کنندگان و شخصیت های مرجع
(Resource Persons) را شامل ساخت.در سلسله مسوولیت های گروه
های رهبری میتوان تعیین یک نفر مسئول و پیشبرنده هر ساعت
آموزش ورکشاپ(بخش) را شامل ساخت که وی مسوولیت کنترل
زمان، یاد داشت گرفتن و کار گزارشگران گروه های کوچک و گروه
اساسی را بعهده دارند (این یاد داشت ها مواد خام و اساس گزارش
نهایی ورکشاپ را تشکیل می دهد گروه رهبری کننده ورکشاپ همه

روزه ملاقات دارد و بطور منظم به گروه اساسی یا قاعده وی ورکشاپ گزارش میدهد.

بازگشت به محل کار (Return to work place)

در اخیر هر ورکشاپ اشتراک کنندگان برای بازگشت به محل کار خود آمادگی میگیرند تا به کار و زندگی نورمال شان ادامه دهند. کار چند روز در ورکشاپ برای آنها یک تغییر بوده و زمانی که به کار دوباره آغاز می کنند تا اندازه به آمادگی ضرورت دارند. تسهیل کنندگان معمولاً در فکر آن هستند که آیا اشتراک کنندگان تا کدام حد مطالبی جدیدی را از ورکشاپ یاد گرفته تا آنرا در زندگی عملی بکار برند؟ بسیاری از اشتراک کنندگان ورکشاپ های ظرفیت سازی بعد از بازگشت به محل کار و یا خانه شان مطالب یاد گرفته شده، را در امور عملی مورد استفاده قرار میدهند. تسهیل کنندگان میتوانند به موضوعات آتی توجه داشته باشند.

اشتراک کنندگان را به مسایل حاد و عملی متوجه سازند و به آنها تفهیم کنند تا در جریان ورکشاپ مطالب جدید را برای کار عملی خود یاد داشت کنند. اشتراک کنندگان باید در جریان ورکشاپ احساس کنند که در کار عملی شان چگونه نو آوری میتوانند؟

در اخیر ورکشاپ از گروه های متجانس اشتراک کنندگان پرسیده شود که آنها بخاطر کار عملی شان در محل کدام موارد جدیدی را یاد

گرفته اند تا نسبت به گذشته کارشان بهبود بیشتر یابد. گروه ها میتوانند باهم در زمینه کارهای عملی شان شبکه های را ایجاد نمایند. بعضی از ورکشاپ ها با صدور یک اعلامیه یا بیان اختتامیه به فرجام می رسد که در آن مطالب عمده و مشترک گنجانیده شده و شکل رهنمودی برای کارهای اشتراک کنندگان دارد و همچنان در بعضی ورکشاپ ها در اخیر پلان های عملی مشترک طرح ریزی گردیده که این پلان میتواند بصورت دسته جمعی مورد تطبیق داشته و یا هم گروه های چند نفری و یا هم یک نفری که تعقیب پلان کار عملی یا اکشن پلان یکی از ضرورت های مبرم یک ورکشاپ آنها به حیث یک پروژه جدید نیز تلقی کرد.

ارزیابی (Evaluation)

از طریق تدویر ورکشاپ ظرفیت سازی تسهیل کنندگان باید ملاحظه نمایند که چگونه تمام ورکشاپ سپری شده و بطور مشخص اشتراک کنندگان عکس العمل های را نشان داده اند. بسیاری از تسهیل کنندگان در آغاز ویا هم در پایان هر روز ویا هم بعد از ختم یک موضوع خاص قبل از آغاز مطالب جدید بطور مشرح ارزیابی را بعمل می آورند، تسهیل کنندگان از اشتراک کنندگان می طلبد تا فیدبک شان را در زمینه ارایه داشته و ملاحظات شان را در زمینه چگونگی و نحو ورکشاپ موضوعات ارائه شده و غیره مدنظر بگیرند.

اگر بطور عاجل کدام نوع تطابق ها و توافقات بوجود نیاید، همچو فیدبک ها و انعکاسات به تسهیل کننده معلومات جدید میدهد تا تمام اجنداء را چگونه تعقیب نماید تا در مراحل بعدی بهتر باشد.

در پایان ورکشاپ های ظرفیت سازی یک نوع ارزیابی تفصیلی و همه جانبه صورت می گیرد که به تسهیل کنندگان و سازماندهندگان امکان میدهد تا تجربه حاصل نمایند که تا کدام حد ورکشاپ برای اشتراک کنندگان مؤثر بوده و تجاربی را که در اثر فیدبک یا بازدهی بدست آمده از آن در ورکشاپ های بعدی جهت غنی سازی کار گرفت.

ارزیابی نهایی میتواند ساحت ذیل را احتوا کند:

به نظر شما کدام مطالب مهم و با ارزش را شما طی این ورکشاپ فرا گرفتید؟

به کدام عرصه ها شما زیاد علاقمند می باشید؟

آیا متقین هستید که ورکشاپ آن اهداف را که شما در آغاز مطرح نموده بودید برآورده ساخته است؟

آیا کدام موضوعات و یا بخشهای در ورکشاپ وجود داشت که به آن وقت زیاد داده شود و تاکید صورت گیرد؟

آیا مواردی دیگری وجود دارد که در ورکشاپ شامل گردد؟

آیا این ورکشاپ به شما وقت و زمان اضافی را مهیا ساخت تا بالای موضوعات و مسایل از لحاظ اهمیت آن صحبت کنید؟

سهمگیری اساسی شما در ورکشاپ چه بود؟

نظر شما در زمینه چگونگی پیشبرد و تسهیل ورکشاپ چطور است؟

نظر شما در زمینه سازماندهی ورکشاپ چطور است؟
محل رهایش، غذا، اتاقهای ورکشاپ، محل تدویر را بصورت کل چطور ارزیابی می کنید؟
موضوعات و مطالبی را که شما طی ورکشاپ فراگرفتید در عمل از آن چگونه استفاده می نمایید؟

سوالات ارزیابی این وسایر عرصه ها را تحت پوشش می آورد تا مؤثریت ورکشاپ را برای اشتراک کنندگان بیشتر سازد. هر ورکشاپ بذات خود یک اقدام جدید و منحصر به خودش است و شکل ارزیابی آن نیز مختص به خصوصیات آن می باشد. سوالات را میتوان در بخشهای خلص جا بجا کرد که موضوعات ورکشاپ، طرز ارایه و تسهیل آن و تفصیلات در مورد سازماندهی آنرا احتوا می کند. درین زمینه میتوان چند سوال عمده را قبل از آغاز بخشهای خاص ورکشاپ طرح کرد، با همچو برخورد مسایل روشن خواهد شد که کدام مورد برای اشتراک کنندگان قابل اهمیت بود.

ارزیابی نهایی بطور شفاهی در جلسه عمومی در پایان ورکشاپ صورت می گیرد. این مربوط به درجه عالی اعتماد بین اشتراک کنندگان و تسهیل کنندگان است.

جای که همچو اعتماد متقابل بوجود می آید و ورکشاپ مطابق خواست ها پیش رفته باشد در آنصورت ارزیابی راه خوب برای تسهیل کنندگان و اشتراک کنندگان است که دست آورد متقابلاً مورد تمجید قرار گیرد. بعضی از تسهیل کنندگان ورکشاپ ها از ارزیابی شفاهی بخاطر اختتام ورکشاپ کار می گیرند که همه مسایل توسط یک شخص بالای چارت بزرگ تحریر میگردد.

بعضاً فارم ها برای ارزیابی به اشتراک کنندگان از قبل داده شده و یا هم در روز اخیر داده شود-تسهیل کننده باید مطمئن گردد که همه فارم ها خانه پری شده واز جانب اشتراک کننده گان بازگشت شده است. این اقدام به اشتراک کنندگان امکان میدهدتا مطالب ورکشاپ را هضم کنند و به محل کار خود با نظریات و مفکوره های جدید برگردند. طوری که دیده شد، بسیاری اوقات فورمه ها بطور کامل واپس نمی گردد، درین مورد پیش برنده فعال باشد تا تمام فارم های ارزیابی را جمع آوری کند.

تعقیب و پیگیری (Follow-up)

تعقیب عبارت از ارسال معلوماتی است که اشتراک کنندگان خواسته و یا اینکه تسهیل کنندگان پیشنهاد نموده است، این معلومات یا به همه اشتراک کنندگان ارسال گردد و یا هم به شکل منفردانه به شخص و یا تعداد از اشتراک کننده گان باشد که زمینه همکاری بعدی را مساعد می کنند. ورکشاپ های ظرفیت سازی ندرتاً بدون ارتباط اختتام می

یابد تسهیل کنندگان و اشتراک کنندگان بعضاً بعد از ورکشاپ ها با هم در تماس شده ارتباطات با همی ویا هم به شکل شبکه را ایجاد می کند. تسهیل کنندگان، سازماندهندگان و اشتراک کنندگان معمولاً باهم ارتباطات کاری را باهم ایجاد نموده و از این طریق در امور بعدی بهبودی بعمل می آید و در صورت تعهد به پلان عملی کاری یا اکشن پلان در تعقیب آن فعال میباشند.

مسائل عمومی در ورکشاپ (Workshop's General Issues)

مسائل ذیل برای تسهیل کننده گان و رهبران ورکشاپ قبل از دایر نمودن ورکشاپ باید جنبه عملی و پلانی داشته باشد:

چگونه میتوان مفکوره ها وپروسه ها را بصری و برجسته ساخت؟

سبک ها و تعداد تسهیل کنندگان:

کدام تعداد از تسهیل کنندگان در کدام موضوع مناسب اند؟
تسهیل کننده یا رهبر و یا هم یک تعداد از هر بخش کیها باشند؟

یک یا دو تسهیل کننده و تعداد بیشتر آنها(به کدام منظور)؟
ورکشاپ را چگونه آغاز کرد تا همه اشتراک کنندگان یکی بادیگرو با نحوه ورکشاپ آشنا شوند؟

کدام ارزشها، میتود های ورکشاپ و پروسه های آن تعقیب گردد؟

چه را میتوان پیشنهاد کرد و یا از ورکشاپ بیرون آورد-مطالبی که برای تسهیل کنندگان ضروری است؟

به کدام تعداد گروه ها و اشتراک کننده گان را دعوت کرد؟ چگونه ابتکارات در ورکشاپ صورت بگیرد؟

جای جلسات گروه ها در کجا باشد؟

باید در مورد داشتن گروه های رهبری فیصله کرد؟

در آغاز باید کدام افراد را در گروه ها تعیین کرد؟

مسؤولیت های گروه ها چیست؟

چگونه اشتراک گان را آماده ساخت تا در عمل از ورکشاپ استفاده نمایند و چه را بخانه برده میتوانند؟

ارزیابی را باید بطور شفاهی یا تحریری در بخشهای ورکشاپ انجام داد و یا چطور؟

مسایل و تعداد موضوعات باید مطابق زمان، تعداد اشتراک کنندگان و غیره باشد و موضوعات هم آهنگی داشته باشد.

ورکشاپ چند بخش داشته باشد (تیوریتیکی، تجربوی، عملی / مشخص و عمومی) باشد تا کدام اندازه انعطاف پذیر باشد؟ تا به خواسته اشتراک کنندگان پاسخ بگویید.

تحركات گروه ها

های در نظر گرفته شود که بالای تحركات گروه هاتاثیر دارد؟

همه این پروسه ها در پلانگزارى ورکشاپهاى ظرفيت سازى تاثير دارد و بايد در نظر داشت كه بخاطر ارتقاى كيفيت و اعتبار ورکشاپ آنرا مد نظر گرفت.

اهداف و مقاصد ورکشاپ را دو باره مرور و تجديد كردو ارتباط آن را پيدا كرد.

تحركات گروهى را در فهرست ميتوان در اخير قرار داد يادداشت كرد، زيرا بسيارى عناصر اين بخش بخاطرى است تا بالاى تحركات گروه تاثير وارد كند.

ورکشاپ ها اهداف دوگانه دارد كه متمم يكى ديگر بوده و با هم ارتباط دارد و تا اندازه زياد با تحركات گروه ها مرتبط است. اين اهداف دوگانه عبارت است از:

تا اهداف مشخص ورکشاپ را بدست آورد
تاعلايق و تعهد اشتراك كنندگان را بخاطر كسب اين اهداف
برجسته ساخت.

طرح تقسيم اوقات و اجندا :

نظر به عناصر مشترك بسيارى از ورکشاپ ها ميتوان تا تقسيم اوقات و اجنداي ورکشاپ را معين ساخت.

تقسيم اوقات ها واجنداهاى ورکشاپها داراى كيفيت هاى متوقعه ذيل مى باشد:

تراکم موضوعات برای اشتراک کنندگان قابل پسند نبوده، موضوعات باید با هم ارتباط داشته باشد و برای هر یک از موضوعات وقت کافی در نظر گرفته شود.

هم آهنگی موضوعات و تسهیل آن مراعات شده تا اشتراک کنندگان و تسهیل کننده آنرا به سهولت بپذیرد.

تنوع موضوعات و میتود در تقسیم اوقات مراعات شود.

چند بخشه و چندین مرحله یی باشد که در آن بخش نظری، تجربوی، عمومی و عملی شامل باشد.

تقسیم اوقات باید به شکل انعطاف پذیر بوده یکجا با اجندای ورکشاپ برای اشتراک کنندگان پذیرش آن سهل باشد تا حین پیشرفت ورکشاپ در آن تغییر ممکن باشد.

بین مرحله های کاری و تفریحی ورکشاپ تعادل برقرار شود تا برای اشتراک کنندگان، محتوی ورکشاپ و نظم آن (به شمول موقعیت، اقلیم، فاصله های سفر و غیره) مناسب باشد؛

تکاثف و تراکم موضوعات مربوط به آن بوده که کدام موضوعات در یک مرحله را میتوان تحت پوشش در آورد.

بصورت عموم تعیین اوقات و اجندهای ورکشاپ نباید تا حدی متراکم و زیاد باشد (که برای اشتراک کنندگان تعقیب آن به زودی ممکن نباشد) و نه هم تا اندازه کم و منعطف (که نتواند اشتراک کنندگان را تحریک و تنبیه کند)، بهتر است که برای

هر موضوع وقت کافی داده شود تا بطور قناعت بخش در جریان ورکشاپ تحت پوشش آید و به اشتراک کنندگان وقفه های برای تفریح نیز مد نظر گرفته شده باشد.

حین پلانگذاری باید مسئله تطابق و ارتباط موضوعات را در زمان

معینه در نظر گرفت. ورکشاپ های ظرفیت سازی در زمینه حل منازعات معمولاً برای یک هفته و بعضاً برای دو هفته ادامه می یابد. دایر نمودن ورکشاپ های یک روزه و دو روزه میتوان موضوعات کم را در بر گیرد و یاهم انرا از لحاظ تنوع میتود ها محدود ساخت - معمولاً این ورکشاپ ها به شکل لکچر های مقدماتی و معرفتی و یا مباحثات می باشد و ندرتاً دارای مراحل تجربوی و عملی میباشد.

تنوع و ارتباط مراحل و بخشهای موزون ورکشاپ به اشتراک

کنندگان احساس پیشگویی در موضوعات میدهد. پیش گویی در موضوعات ورکشاپ اهمیت دارد واز لحاظ روانی این مربوط به احساس رقابت و اعتماد فردی می باشد. اشتراک کنندگان در یک محیط بیگانه و ممکن در یک کشور بیگانه بایک لسان بیگانه با مردمی که قبلاً آنها را نمی شناسد جمع شوند. از آنها شاید خواسته شود کارهای را انجام دهند که بطور نور مال و در یک زمان غیر معینه انجام نمی دهند به آنها موقتاً آشنایی با محیط و شرایط حسب معمول داده می شود.

اساسات برای خواب، خوراک و تفریح همه متفاوت می باشد. این تغییرات شایدهیجان آور و هراس کننده باشد که برای اشتراک کنندگان

به درجات و سطوح مختلف قرار دارد، ولی چیزیکه هر یکی آنرا از دست می‌دهد عبارت از پیش‌گویی و تخمین زندگی نورمال‌شان است. تقسیم اوقات و اجندای ورکشاپ با یک تخمین عدم تعادل را در آن بوجود می‌آورد.

ازین لحاظ در آغاز ورکشاپ‌ها، تقسیم اوقات‌ها و اجنداها همیشه بشکل بهتر پیشنهاد شده و به اشتراک‌کنندگان و تسهیل‌کنندگان مورد غور مجدد قرار گرفته و در آن اصلاحات لازم آورده شود. مراحل و بخشهای مختلف ورکشاپ در اوقات مختلف روز و یا هم اوقات مختلفه تفریح که از لحاظ عوامل شخصی، فرهنگی و اقلیمی موزون باشد، معین می‌شود. با همچو کار دستجمعی بالای تقسیم اوقات به اشتراک‌کنندگان پیغام مهم در زمینه نیرومندی و مسوولیت آنها می‌رسد. پروسه مذاکرات و توافق‌آینه‌ای برای انعکاس مضمون و محتوی ورکشاپ بوده که تسهیل‌کننده از آن بطور درست استفاده نماید.

اجنداها عبارت از فهرست موضوعات در چوکات معین زمان است. درینجا نمونه‌های کیفیت خوب طرح‌اجنداها و ورکشاپ‌های ظرفیت‌سازی وجود دارد:

سیستم مشارکت را توسعه دهد؛
برمبنای تجارب مردمی طرح شود؛

بالای این متمرکز باشد که چه آموخته شود و چگونه، صرف نظر از اینکه چه تدریس شود.

اینکه کدام موارد خوب با اشتراک کنندگان ارتباط دارد تا از آن طریق رهنمایی شود، پیشرفت به شکل منطقی بوده و از طریق تزئید معلومات و دانش پیش رود، از یک موضوع به موضوع دیگر طبق توافق همه گذر انجام می شود.

تیوری و پراکتیک و یا موضوعات عملی داده شود، بین عمومی و مشخص ارتباط موجود بوده و آن را باید یکجا ساخت.

در مراحل مختلف تسهیل کنندگان معمولاً از اشتراک کنندگان در مورد موزون و مناسب بودن تقسیم اوقات می پرسد و اینکه آنها به اجندای ورکشاپ چه عکس العمل دارد. میتوان بخشهای مختلف ورکشاپ را از جلسات عمومی آغاز کرد و یاهم یک یا دو روز این طرز العمل را تغییر داد و در آن تنوع آورد تا برای اشتراک کنندگان دلچسپ شود.

بعضی از تسهیل کنندگان خوش دارند تا ورکشاپ ها را پس از وقت دایر کنند ولی در همچو ورکشاپ ها اشتراک کنندگان یکی پی دیگر ناوقت می آیند و باید به آنها وقت زیاد آمدن داده می شود.

تسهیل کنندگان نظر به اینکه آنها چگونه ورکشاپ‌ها را تدویر می‌کنند از هم متفاوت هستند. بعضی ه‌ا خوش دارند تا قبل از اجندای طرح شده صحبت‌های را داشته باشند.

دیگران ترجیح می‌دهند تا یک ترکیب و سیت از امکانات را در مغز خود داشته تا اجندا را از طریق مشورتی با اشتراک کنندگان در آغاز ورکشاپ طرح نمایند- طرح اجندا از این طریق مربوط کار هم آهنگ و یکجایی هر گروه می‌شود.

مثال‌های از اجندهای بعضی از ورکشاپ‌ظرفیت‌سازی درینجا از ورکشاپ‌های که در جاهای مختلف توسط تسهیل کنندگان مختلف برای اشتراک کنندگان مختلف صورت گرفته است بطور نمونه یا داور می‌شویم- درین ورکشاپ‌ها از عناصر مشترک ورکشاپ‌ها کار گرفته شده است، لازم به تذکر است که این ورکشاپ‌ها شاید همه عرصه‌های منازغه را دربر نگیرد.

ورکشاپ ظرفیت سازی

در شهر رستوف نادون، قفقاز شمالی

ورکشاپ: مهارت های حل منازعه، اپریل

روز اول

- خوش آمدید و معرفی
- نظریات و مفکوره ها در مورد پروگرام ورکشاپ
- مرور بر اجندای ورکشاپ: پروگرام روز، جلسات بخشهای عصر، پروگرام
- برای دو روز اول، طرز برخورد گروه و اصول بنیادی برای این ورکشاپ
- تجارب در مورد منازعات

روز دوم

- عناصر منازعات و طرق تاثیر عناصر بالای منازعه، کار به هر
 - گروه
 - نتایج متوقع از حل منازعه و برجسته ساختن ارزشها و نظریات
 - وظایف تسهیل کننده
 - عوامل فرهنگی - معلومات عمومی
 - گذارشات اشتراک کنندگان در مورد حالت زنده گی شان در
 - محل، کار آنها با منازعاتی که آنها در آن دخیل اند.
 - ارزیابی
-
-

روز سوم

- مرور بالای پروگرام برای روزهای آینده
- مفاهمه و منازعه
- استماع فعال: تمرینات
- ارزیابی

روز چهارم

- مقدمه و آشنایی با تحلیل های منازعه
- کار با قضایای مشخص (چهار گروه)
- تحلیل و نشاندهی نیازمندی ها و هراس ها
- دوام کار با قضایای مشخص در گروه ها
- ارزیابی

روز پنجم

روز فارغ

روز ششم

- چوکات سازی مجدد و حل مسایل
 - ایجاد گزینه ها و امکانات(درگروه های کوچک)
 - مباحثه و خواستنی ها
 - هویت، تعصبات و کلیشه ها
 - ارزیابی
-
-

روز هفتم

علاقمندی ها، نیازمندی ها و اندیشه ها (مباحثه)

- نیرو و نیرومند سازی

کارگروپی

ستراتیژی ها برای تغییر

تداوم کار گروپی

- ارزیابی

روز هشتم

- بازی نقش میانجیگر

- منازعه و نقش جانب سوم

- نقش، فعالیت ها و مهارت های یک تن میانجیگر

- مباحثه در مورد مفکوره ها و نظریات برجسته شده

ارزیابی نهایی

- آمادگی برای بازگشت و پلانهای انفرادی برای کار آینده.

ورکشاپ ظرفیت سازی، سینسلیجو، کولمبیا،

اشتراک شهروندان در اعمار صلح، اکتوبر

روز اول

- معرفی
- - علل تدویر سمینار
- - موضوع سمینار
- اهداف سمینار
- گزارشات اشتراک کنندگان
- گزارشات سازماندهندگان
- توقعات

روز دوم

مرحله اول:

عادات (تمرینات) صلح

هدف: بخاطری که از تجارب السوادور، فلیپین، افریقای جنوبی و نقشی
را که کلیسای کاتولیک ایفا نموده است، استفاده بعمل آید.

بخش اول: پروسه رسمی صلح

- - - مطالعه قضایا، مثال ها از امریکای مرکزی، فلیپین، افریقای

جنوبی، کولمبیا.

- - - تجربه کولمبیا.

بخش دوم

کار کرد کلیسای کاتولیک برای صلح

- - - مطالعه قضایا، مثال ها از السوادور، فلیپین، افریقای

جنوبی، کولمبیا.

- - - قضیه کلیسای کولمبیا

روز سوم

مرحله دوم: تمرین برای صلح: آلات و وسایل برای منازعه

هدف: تا با بعضی از وسایل حل منازعات آشنا شویم

- ورکشاپ : مفاهمه

- - - ورکشاپ : مذاکرات

- — - ورکشاپ : میانجیگری/اشتراک جانب سوم

بخش سوم

- - - ویدیو

روز چهارم

- - - رایاه مواد برای تمرین، اسناد، منابع

مرحله سوم: مذاکرات بعدی، طرق پیشرفت پروسه های عملیه صلح.

هدف: تا از تجارب و مذاکرات بعدی از منازعات السوادور و سایر مناطق

کارگرفت، تا که میکانیزم های تحکیم پروسه صلح انعکاس داده شود.

بخش پنجم: تمرینات و سلوک ها برای مذاکرات بعد از منازعه.

- - - مطالعه قضایای پروسه های درج مجدد: مثال ها از
السلوادور، افریقای جنوبی و کامبودیا.
- - - ورکشاپ 4: تمرین در مورد مذاکرات بعدی:
وسایل برای تحکیم پروسه صلح.

بخش ششم

- - - انعکاس مشترک: مصالحه و بهبودی.
روز پنجم مرحله چهارم: نقش و اهمیت کلیسا در پروسه بعدی
اعمار صلح در کولمبیا
هدف: تا در پروسه صلح در کولمبیا از امکانات کلیسای کاتولیک کار
گرفته شود.

بخش هفتم

- - - ستراتیژی های حکومت فعلی برای اعمار صلح - مشکلات
و امکانات.

بخش هشتم

- - - پلان ملی روستایی دام پروری برای صلح
مرحله پنجم: مذاکره باز

هدف: تا نظریات و مفکوره ها با عاملین منطقوی شریک ساخته شده و فرآورده های اصولی بدست آمده از سمینار از طریق مطبوعات پخش شود.

بخش نهم:

- - - دیالوگ و مباحثه در جلسه عمومی.



ورکشاپ ظرفیت سازی، داکار، سینیگال،

مروری بر اجندای ورکشاپ دوم در داکار، ورکشاپ ظرفیت سازی برای کارکنان اعمار صلح:

با تشکیل حوزه های صلح، دسمبر

اهداف ورکشاپ

1. تا تجارب در زمینه منازعات و اعمار صلح را شریک ساخت، در عین زمان در مورد فعالیت شهروندان بصیرت و اطلاع (ساختارها و امکانات) حاصل کرد.
2. تا بالای تجارب موجود و فهم در زمینه اعمار صلح اتکاء کرد.
3. تا اوضاع ناگوار و امکانات عمومی موجود جوامع درین مناطق را آشکار ساخت.
4. تا از شیوه های متبادل بخاطر اشتراک دادن شهروندان و NGO در عرصه اعمار صلح و ایجاد حوزه های صلح در کشورهای مربوطه شان کار گرفته شود.

آمادگی

یک شام قبل: اولین جلسه گروه رهبری در همکاری با تسهیل کنندگان ورکشاپ و نفر مرجع. درین جلسه رؤسای هر بخش تعیین می گردد.

«طوفان مغزی» و مفکوره‌ها برای معرفی تخنیک‌ها، یخ شکنی و تشخیص منابع در گروپ تا در مورد «یخ شکنی» و درگرم ساختن «تعهد کنند، تمرینات در جریان ورکشاپ ضروری است.

روز اول

گذارشات مملکتی: مناظرات و صلح، تحلیل‌ها و آموختنی‌ها.
- - - جلسه عمومی ورکشاپ با اشتراک همه.

خوش آمدید

معرفت با نحوه ورکشاپ: موضوعات و پروسه‌ها

اداره ورکشاپ

گروپ رهبری کننده ورکشاپ: نقش و مسوولیت‌ها
قرار داد با اشتراک کنندگان.

«سفر شخصی من»: معرفی و گذارشات از جانب اشتراک کنندگان تا تشریک تجارب را بین اشتراک کنندگان تسهیل کرد، گذارشات مختصر (5دقیقه) ارایه می‌شود، که در آن سه عرصه مهم برجسته می‌شود:

« در کشور شما چه می‌گذرد؟»

« در راه صلح کدام اقدامات صورت می‌گیرد؟»

« نقش مشخص شما در پروسه اعمار صلح چیست؟»

- - - گروپ‌های از کشورها

منازعه و حل منازعات، یک طرح

- - - گروه های عمومی

گروه های کوچک دوباره گذارش میدهند(از وسایل بصری:دیاگرام ها ،
گراف ها، و نقشها کارگرفته می شود)
نتایج بدست آمده این بخش به شکل « نقشه» منازعه هر کشور(جمع
ابعاد منطقی) می باشد.

مباحثه عمومی

- - - گروه عمومی

«آیا تجارب مشترکه،نیرومندی ها، موانع و طرق پیشرفت» موجود
است؟

روز دوم

اعمار صلح توسط شهروندان: تجارب مقایسوی وانعکاسات.

- - - گروه عمومی با حضور همه

تفکرات معرفتی در مورد اعمار صلح توسط شهروندان.

- - - گروه عمومی با حضور همه.

مثال های مشخص در مورد اعمار صلح توسط شهروندان:

آسیا: فلیپین و سریلانکا.

امریکای لاتین: کولمبیا و السوادور.

افریقا: کینیا و افریقای جنوبی.

- - - گروه عمومی با حضور همه (ادامه)

- - - دروسی که ازین مثال گرفته شده است.

تحلیل دروسی که آموخته شده و ارتباط آن با وضع اشتراک کنندگان

روز سوم

موضوعات حل منازعات: منابع تشریحی

- - - گروه عمومی با حضور همه

- مهارت های خاص حل منازعات

- داد خواهی و ادووکسی

- مفاهمه

- مذاکرات

- بهبود بخشیدن و مصالحه

- - - گروه عمومی با حضور همه

مهارت های خاص حل منازعات (ادامه)

وقت فارغ در ظهر

راپور نویسی (مرحله اول، که از جانب گروه رهبری هم آهنگ گردیده

است)

روز چهارم

د راستای تشکیل ایتلاف های صلح: پلانگذاری و شبکه سازی

- - - گروه عمومی (با حضور همه)

موضوعات خاص (ادامه)

- - - گروه های کوچک

پلانگذاری: با کشور

- - - گروه های کوچک (مختلط)

پلانگذاری: استنباطات از مناطق (اگر مناسب باشد)

(شام با فعالیت فرهنگی: پروگرام موسیقی، نظم، رقص های ملی و غیره.

روز پنجم

پلانگذاری و شبکه سازی (ادامه دارد)

- - - گروه عمومی (با حضور همه)

گذارشات گروه های کوچک در مورد پلانها

- - - گروه عمومی با حضور همه

استنباطات از پلانها

شبکه سازی (در سطح کشور، دوجانبه - چندین جانبه و غیره)

- - - گروه عمومی با حضور همه

تحکیم روابط

- را پور نویسی

ورکشاپ ظرفیت سازی، هراری، زمبابوی،

مروری مجدد بالای اجندای ورکشاپ هراری، تریننگ برای ترینران زن
ماه جنوری

اهداف ورکشاپ

- . با استفاده از طریقه و شیوه اشتراکی با تجربه ساختن ترینران در حصه کسب مهارت حل منازعه و دادن استقامت اساسی به آنها.
 - . تا برای تریننگ و تسهیل نمودن در عرصه حل منازعه در قاره افریقا و دور از آن ظرفیت را بوجود آورد.
 - . تا در عرصه حل منازعه تفاهم و مهارت ها از لحاظ ازدیاد ظرفیت های انفرادی و فهم حرفوی ترینران تقویت شود.
 - . تا اساسات و مهارت ها برجسته گردد. در مفاهمه، معامله با هیجانان قوی، نقش جانب سوم در منازعه، میانجیگری، کار باسوالات نیرو و عدالت در ارتباط با منازعه، کار با خشونت و عدم خشونت ، کار برای احیای مجدد، تصحیح، عفو و مصالحه.
 - . تا پلانها برای شبکه سازی با همی، حمایت و عمل انکشاف داده شود.
 - . تا تجربه ورکشاپ به مثابه به بنیاد و اساس برای انکشاف تریننگ های بعدی و فعالیت های ظرفیت سازی و مواد مرجع ایی به کار برده شود.
-
-

روز اول

- - - خوش امید و تبصره های افتتاحیه. معرفی. توقعات،

هراس و امید ها.

مفروضه های کاری: تسهیل کننده اجندای کاری هفته را طرح نموده و مفروضه های را که از طریق آن ورکشاپ پیش خواهد رفت ارائه میدارد.

توضیحات در مورد گروه های بنیادی در روز دیگر برای حمایت، ارزیابی بازده (فیدبک) و مفکوره ها و غیره گرفته می شود.

روز دوم

کار با ارزشها و شیوه های اساسی در منازعه و مفاهمه

- - - گرم نمودن، اعلانات، مرور اجندا

توافقات کاری: یک سلسه از اصول و اساساتی پیشبرد ورکشاپ که برای همه مورد پذیرش باشد و به آن خود را مکلف بدانند.

- - - ارزشهای اساسی و شیوه های کار با منازعه

تسهیل کننده از اشتراک کنندگان می خواهد تا نظر خود را در مورد منازعه بگوید و اینکه به منازعه از کدام دیدگاه می بینند. همین نظریات شان را در یک کاغذ طویل می نویسند. در نتیجه مفکوره و محتوی منازعه زیر بحث می آید.

تسهیل کننده می پرسد که کدام چیزها در حل منازعه و یا مشکل ساختن آن کمک می کند و پیشنهادات اشتراک کنندگان را تحت همین دو عنوان می نویسند.

- - - مفاهمه و موانع در راه مفاهمه

مفاهمه خوب

- معرفت در مورد تمرینات شنیدن: گوش نکردن (در جوهره ها)، خاموشانه شنیدن (در جوهره ها)، شنیدن برای حقایق و احساسات (مثلث) در مورد تمرینات مباحثه با حضور همه اشتراک کنندگان.

- - - مفاهمه و موانع در راه مفاهمه (ادامه)

صحبت های تاییدی و مثبت (در جلسه عمومی) تمرینات مثبت (در جوهره ها)

- - - موانع در راه مفاهمه ساختاری.

تاثیر - پیش بینی ها، لغت نامه، شرایط و مضمون

سوالات هویت و تعصبات

- ارزیابی با حضور همه

گروه های بنیادی باهم یکجا شده.

روز سوم:

کار با هیجانان قوی، با تحلیل منازعه، نقش های جانب سوم

- - - گرم کردن، اعلانات، مرور اجندا

راپور فید بک از گروه های قاعده یی

- - - معامله به هیجانات قوی: تمرین با غم و غصه ها

(گروه)

- - - تحلیل منازعه، تحرکات و مراحل، تحلیل نیازمندیها و

هراسها(کارگروپی).

- - - گروه کار خود را تمام می کند، گزارشات و سوالات،

تبصره ها

- - - نقش جانب سومی در منازعه(به شمول میانجیگری)

نقشهای مختلف جانب سوم. نقشهای مثبت و منفی.

- - - نقشهای جانب سوم در منازعه(ادامه)

میانجیگری و اشکال مختلف آن ، میانجیگری بطور خلاص یکی از
وظایف مثبت برای جانب سوم بوده که نقش غیر جانبدارانه را میخواهد
ایفا کند، میتوان به اشکال دیگر آن نیز توجه شود.

وظایف و صفات یک تن میانجیگر چیست؟

مباحثه در مورد ارتباط میانجیگری برای قضایای که بخاطر آشکار
ساختن نیازمندی ها وهراسها بکار برده می شود.

- ارزیابی در حضور همه.

ملاقات گروه های قاعده یی.

روز چهارم

میانجیگری (ادامه)، سوالات مربوط به نیرومندی و عدالت

- - - فعالیت برای گرمش، اعلانات، مروری بر اجندا

راپورهای فیدبک از گروه های قاعده یی.

- - - نقشهای میانجیگری، میتوان از مثال های مختلف که بر

مبنای آنها قضایا برای «نیازمندی ها و هراسها» است کار گرفت و این

کار را میتوان در عین گروه ها انجام داد.

- - - نظربه منازعه به سوالات قدرت و عدالت دیده شود.

«قدرت را میتوان از طریق خشونت ویا هم عدم خشونت کسب

کرد» (در حضور همه در یا هم در کارگروپی)

عدم تساوی قدرت، نقض عدالت ، فشار آوردن، خشونت.

ظهر فارغ.

راپورگروپی روز پنجم

عکس العمل و پاسخ به خشونت، عدم خشونت فعال

- - - گرمش آوردن، اعلانات، مرور اجنداء

راپور فیدبک از گروههای قاعده یی

- - - خشونت وعدم خشونت

تشخیص خشونت

شیوه های عکس العمل با خشونت

گزارش درمورد فلسفه عدم خشونت-مباحثه

- - - خشونت و عدم خشونت (ادامه)
مادل های تحلیل برای: حالات غیر عادلانه، ستراتیژی ایجاد حمایت،
پلانگذاری و اعمار آینده متبادل.

- - - وسایل برای عمل غیر خشونت آمیز (ادامه)
میتود ها برای اقدام غیر خشونت آمیز (مباحثه)
- ارزیابی در حضور همه
ملاقات گروه های قاعده یی

روز ششم

- - - فعالیت برای گرم نمودن، اعلانات، مرور بالای اجندا
- - - عمل غیر خشونت آمیز که در گروه ها ادامه یافته و به
قضایای مشخص ارتباط دارد.

- - - پلانگذاری و بازی های تمثیل
- - - احیای مجدد، تصحیح، عفو، مصالحه (کار گروهی)
تشریح تجربه، به چه نیاز است، کدام چیز اینرا ممکن و یا هم غیر ممکن
می سازد.

- - - گزارشات کار گروهی، مباحثه
- - - انعکاسات شخصی در مورد کار هفته و پلانهای آینده
- ارزیابی در حضور همه
ارزیابی توسط گروه های قاعده یی.

ماخذ :

موسسه انکشافی سنایی ، کتاب ورکشاپ های اعمار صلح و رفع
خسونت، سال
عصمت الله واحدی ، صلح از نگاه اسلام .
نسرین ابوبکر گروش، قدم های صلح و آشتی و مسوولیت های افغانها

سخن پایان

خواننده گرمی!

بعد از مطالعه دقیق این کتاب شما متوجه شده باشید که صلح نیاز هر جامعه بشری است و زمانی تامین می گردد که بخاطر تحقق آن همه مردم، نهاد های مردمی، دولت ها و جامعه مدنی متحرک و بسیج شود. این رسالت را فعالین عرصه صلح و آلهای که در برابر دین و ملت خود را متعهد میدانند بصورت ابتکاری انجام داده میتوانند. صلح نهایی در هیچ گوشه جهان تامین نه شده است و فعالیت برای تامین آن فعالیت متداوم و همه شمول است.

در کشور های مانند افغانستان تامین شرایط صلح آمیز به تلاشها، مساعی و فعالیت های زیاد نیازمند بوده و اگر کسی ازین امر مقدس شانه خالی می کند در واقعیت مسوول نزد خود، مردم و خداوند(ج) شناخته خواهد شد. ما باید در راستای صلح اجتماعی تلاش ورزیم و منتظر صلح سیاسی نباشیم زیرا در صلح اجتماعی همه ما نقش داریم.

به همین مناسبت است که موسسه انکشافی سنایی از چند سال باینطرف بمتابه یکی از موسسات جامعه مدنی ایکه در امر تامین صلح سرتاسری به شکل پیگیرانه و متعهدانه کار میکند در سلسله نشرات مطبوع خود این اثری را خدمت شما تقدیم داشت تا شود ممد راه صلح و آرمش سرتاسری گردد.

ما مطمئن هستیم که شما این جزوه را بطور دقیق مطالعه خواهید کرد و به نزدیکان خود مطالعه آنرا توصیه نموده تا اولاً صلح در ذهن هر فرد بوجود آید و بعداً تأثیرات آن از لحاظ فزیکی دیده شود. منازعات و خشونت ها از ذهن افراد نشأت می کند و برای اصلاح و ترمیم اذهان به کار عملی و فکری نیاز است. صلح در اذهان افراد به شکل تدریجی میاید و نیاز به کار عملی فرهنگی، تبلیغاتی و ترویجی دارد. ما درین راستا به فعالیت های خویش پیگیرانه ادامه میدهیم. و امید آن موجود است تا از طریق فعالیت های عملی و فرهنگی صلح را گسترش دهیم.

و من الله توفیق
